

بخش نخست

مسلمان بودن از ما چه می خواهد؟

از ما می خواهد که :

- 1 - در عقیده خویش مسلمان باشیم .
- 2 - در عبادت خویش مسلمان باشیم .
- 3 - در اخلاق خویش مسلمان باشیم .
- 4 - در امور خانوادگی خویش مسلمان باشیم .
- 5 - بر خویشان مسلط باشیم .
- 6 - و اطمینان کامل داشته باشیم که آینده ، از آن اسلام است .

پیش درآمد بر شریعت

در بخش نخست کتاب زیر عنوان (مسلمان بودن از ما چه می خواهد) مهمترین ویژگیهای پیشکش می شود که هرگاه انسان به آنها آراسته گردد ، مسلمانی واقعی و راستین بحساب می آید .
ناگفته نباید گذاشت که پیوند اسلامی یک پیوند نژادی و خانوادگی و ارتباط خون و رنگ نمی باشد و نه هم رعایت بعضی از امور ظاهری و لباس و قیافه؛ بلکه در حقیقت پیوند به اسلام، بمعنی، پذیرش والتزام به رهنمودهای آن در همه عرصه های زندگی ، و سرو سامان دادن امور ، آن گونه که خدا و پیامبرش | را خوشنود می سازد .

اینک بصورت مختصر به آشکارترین و مهمترین خصوصیاتى که، افراد مسلمان باید آن را دارا باشند، اشاره می شود ؛ ویژگیهایی که تنها با بهره مندی از آنها گرایش به اسلام، گرایشی راستین خواهد بود.

﴿هُوَ سَمَنُكُمْ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾^(۱)

خداوند شما را در کتابهای پیشین و دراین کتاب آسمانی «مسلمان > نامید ، تا پیامبر گواه بر شما باشد ، و شما گواهان بر مردم !

فصل اول

مسلمان بودن در «عقیده»

شرط نخست در گرویدن و وابستگی به دین اسلام، برخوردار بودن از «عقیده» صحیح «وجهان بینی» سالم است. عقیده ای سازگار و هماهنگ با کتاب خدا و سنت رسول او، و باورمند گردیدن به باورهای مسلمانان صدر اسلام و گذشتگان صالح و رهبران دینی که، تردیدی در تقوا و نیک مردی و نیکوکاریشان وجود ندارد.

مسلمان بودن در عقیده، لازمه اش ایمان به موارد زیر است.

1- هر انسان ایمان و یقین داشته باشد، که پدید آورنده همه پدیده های نظام خلقت، خداوندی است، ذات برخوردار از صفات، حکمت، قدرت، علم، نظارت و کنترل، به این دلائل که، در همه اجزاء نظام کائنات، هماهنگی، هدفداری، صحت عمل، و نیازمندی مخلوقات بهمدیگر، حکمفرماست، واقعیات و حقائق که، بدون نظارت و تدبیر پدید آورنده ای دانا و توانا، بقاء و ادامه حیات آنها محال و غیر ممکن خواهد بود.

﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَنَ اللَّهُ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٢٢﴾﴾^۱

«اگر در آسمان و زمین معبودانی جز خدا بود بی تردید آن دو تباه می شد؛ پس منزّه است خدای صاحب عرش از آنچه [او را به ناحق به آن] وصف می کنند.»

2- ایمان و اطمینان داشته باشد که، خالق مخلوقات، هیچگاه چیزی را بدون هدف بوجود نیاورده است بخاطری که او دارای صفات کمال است، و محال است کار بیهوده و بی هدفی را انجام دهد. و معتقد باشد که، معرفت دقیق و درست راجع به هدف آفرینش مخلوقات خداوند، تنها از طریق «وحی» و از زبان فرستاده او ممکن خواهد بود.

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿١١٥﴾ فَتَعَلَىٰ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿١١٦﴾﴾^۱

«آیا پنداشته اید که شما را بیهوده و عبث آفریدیم، و اینکه به سوی ما بازگردانده نمی شوید؟ (115) پس برتر است خدا آن فرمانروای حق [از آنکه کارش بیهوده و عبث باشد]، هیچ معبودی جز او نیست، [او] پروردگار عرش نیکو و بارزش است. (116).»

3- باور داشته باشد که، خداوند حکیم، در راستای شناساندن خود به مردم، و آگاه نمودنشان از سرچشمه خلقت، و هدف از آفرینش آنها، پیامبرانی را به همراه پیامهایی فرستاده است. و آخرین آنها، حضرت محمد بن عبدالله | می باشد و دعوت و رسالت او بوسیله معجزه جاویدان «قرآن» اثبات و تقویت گردیده است.

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ ۚ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَىٰ اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ ۚ﴾^۲

1- المومنون 116.

2- النحل 36.

«به میان همه ملت‌ها فرستادگانی را گسیل داشتیم، تا به آنها ابلاغ نمایند که: تنها خدا را فرمانبرداری نمائید و از اطاعت و تسلیم طاغوت‌ها سرپیچی کنید، جمعی چنان کردند- و هدایت یافتند، و گروهی دیگر گمراهی دامن شان را گرفت.»

4- و باور داشته باشد به اینکه، هدف از آفرینش انسان، شناخت خدا و عبادت و اطاعت اوست، . در این مورد خداوند (ج) می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْإِنْسَ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (۸۸) ﴿مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطِيعُونِ﴾ (۸۷) إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴿۸۸﴾^۱

«و جن و انس را جز برای اینکه مرا بپرستند نیافریدیم؛ (56) از آنان هیچ رزقی نمی‌خواهم، و نمی‌خواهم که مرا طعام دهند. (57) بی‌تردید خدا خود روزی‌دهنده و صاحب قدرت استوار است. (58).»

5- یقین داشته باشد که: پاداش مومن فرمانبردار بهشت، و مجازات کافر حق‌ناپذیر و نافرمان، آتش سوزان جهنم است:

﴿فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ﴾ (۷)^۲

«جمعی در باغ‌های بهشتند و بعضی بر شعله‌های سوزان آتش»

6 باور بر این داشته باشد که انسان مختار و صاحب اراده است بر اساس خواسته و انتخاب خویش، به دنبال کسب خیر و شر می‌رود، اما تا توفیق و یاری خدا نباشد کار خیری صورت نخواهد گرفت و هر چند بر خلاف اراده او کار شر و نامطلوبی هم روی نخواهد داد، اما بوجود آمدنش را نمی‌پسندد.

1- سوره ذاریات آیات 56- 57

2- الشوری آیه 7

﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا﴾ ٧ ﴿فَالْمَعَهَا جُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾ ٨ ﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾ ٩
﴿وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ ١٠^١

« سوگند به نفس انسانی و کسیکه او را دقیق و هماهنگ آفرید، و راه انحراف و پرهیزگاریش را پیش رویش نهاد، که، هر کس خویش را در مسیر رشد و تکامل قرار داد، پیروز و سعادت‌مند گردیده و هر که، نسبت به خود بی توجه ماند و با قرار نگرفتن در مسیر عبودیت و تزکیه- شان و شخصیت خود را ضایع نمود، شکست خورده و بد عاقبت گردیده است»

7 جاور کامل داشته باشد که قانونگذاری و تشریع صرفا حق خداست، و هیچ کس دیگر برای زندگی انسانها قانون وضع کرده نمی تواند. اما اهل علم و تخصص با دارا بودن شرائط «اجتهاد» در محدوده شریعت و قوانین کلی اسلام، اجازه دارند به بیان احکام و مقررات دینی بپردازند.

﴿وَمَا اخْلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾ ١٠^٢

« در هر چیزیکه اختلاف کردید ، داوریش با خداست این است خداوند ، پروردگار من ، بر او توکل کرده ام و بسوی او باز می گردم !»
8- لازم است، پروردگار را بوسیله نامها و صفتهای شایسته و زیبنده، بشناسد.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ إِنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ

1- الشمس / 7-10

2- الشوری / 10

اسْمًا مِائَةً إِلَّا وَاحِدًا مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ إِنَّهُ وَثَرٌ يُحِبُّ الْوَثْرَ¹

از حضرت ابوهریره [نقل گردیده که، رسول خدا | فرموده است. «خدا دارای نود و نه اسم می باشد. هر کس آنها را- بفهمد و حفظ نماید- وبر اساس و مقتضای آنها، زمینه عبودیت خود و دیگران را فراهم کند،- وارد بهشت خواهد گردید. الله تاق است و تاق را دوست دارد »

9- در مورد پدیده ها و مخلوقات خدا به تفکر و اندیشه بپردازد و هیچگاه، در اندیشه راجع به، ذات و ماهیت خدا نیفتد. و به فرموده رسول خدا | احترام بگذارد که، می فرمایند :

«مخلوقات خدا را وسیله تفکر قرار دهید، نه ذات او را، بدین سبب که به شما وسیله این کار را نداده اند.»^(۲)

10- راجع به صفات خدا که، لازمه کمال الوهیت و فرمانروائی اوست اشارات زیادی در آیات قرآن وجود دارد. -برای مثال- آیاتی راجع به «وجود» و «بقاء» و «ازلی»^(۳) همسان نبودنش با مخلوقات و تحولات، بی نیازیش از زن و فرزند و پدر، و بی مثال و مانند بودن و عدم احتیاجش به مخلوقات و نیاز شدید همه مخلوقات به او، وحدانیت و تنها بودنش در ذات و صفات و اعمال، و تصرفات، دارا بودن عظمت بی حد و قدرت بی پایان، گستردگی بی حد و حصر دانستنیهایش، تسلط تام و تمام بر همه امور، برخورداری از اراده استوار و نفوذ و سلطه بر همه اراده

1- صحیح مسلم - (ج 13 / ص 172)

2- ابونعیم در «حلیه» و اصفهانی در «ترغیب و ترهیب» آن را نقل کرده اند.

3- بقاء: ماندن و نابود و فانی نشدن «ازلی»: قبل از هر زمان و مکان و مخلوقی بودن.

ها و تصمیم ها. و دارا بودن حیات حقیقی و کامل اشاره و تصریح دارند. همچنین در برخی دیگر از آیات قرآن، بیان گردیده که، خداوند دارای ویژگیها و صفاتی است که درک حقیقت آنها برای انسان ممکن نخواهد بود.

11- باید بخاطر پرهیز از، «تاویل» و «توجیه» و «تعطیل» و نامفهوم نگرستن اسماء و صفات خدا و آیات قرآن، پیروی از اعتقادات گذشتگان صالح ملاک و معیار باشد. و آنچه را که درک نمی کنیم، بخدا،- و گذشت زمان و پیشرفت و تکامل همه جانبه انسان- واگذار نمائیم. و تاویلاتی را که پس از «گذشتگان پاک و صادق»، در میان مسلمانان رواج پیدا کرد، نباید وسیله حکم کفر و خروج از دین قرار داد. و نبایستی آن اختلاف آراء و نظرات- چه در گذشته و چه در این شرائط - سبب درگیری و دشمنی قرار گیرند.

12- تنها خدا را شایسته اطاعت و فرمانبرداری بدانند، و در این زمینه کسی و چیزی را با خدا «شریک» نکند، این مسئله بسیار مهمی است که، در طول تاریخ بشریت، خداوند پیامبران را برای تحقق آن و دوری از اطاعت و فرمانبرداری و تسلیم در مقابل، طاغوتها «سرکشان و ظالمان» فرستاده است.

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾^۱

« هر آئینه برای هر امتی پیامبری فرستادیم با این پیام که بندگی الله را بجا آورید و از بندگی طاغوت اجتناب کنید »

13- بغیر از خدا، از کس و چیز دیگری هراس بخود راه ندهد ، و

تنها ترس از خدا زمینه ساز پرهیز او از ارتکاب گناه و کسب رضایت خدا شود.

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾^۱

«کسی که: خدا و فرستاده اش را فرمانبرداری می‌کند، واز او هراس داشته و راه پرهیزگاری بخاطر او را پیشه کند، آنها برآستی پیروز و رستگارند».

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾^۲

«کسانی که، در پنهان خوف خدا را در دل دارند، مغفرت و پاداش فراوانی را انتظار داشته باشند»

14- باید پیوسته و دوام دار به یاد خدا و ذکر او بسر برد، سکوتش را در اندیشه و گفتارش را در جهت یاد خدا پرثمر نماید. زیرا ذکر خدا، موثرترین داروی معنوی و روحی برای انسان و کاری ترین سلاح در مقابله با، ناهمواریها و ناملایمات و مشکلات زندگی است،- بدون تردید- «ذکر خدا» پدیده ای است که بشریت - بخصوص در این مقطع از تاریخ- صد در صد به آن احتیاج دارد. خداوند در «قرآنکریم» می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^۳

«کسانیکه ایمان آورده اند به وسیله ذکر خدا قلب هایشان آرامش

1- سوره نور آیه 52

2- سوره ملک آیه 12

3- سوره رعد آیه 28

واطمینان می یابد، بدانید که، تنها با یاد الله قلبها مطمئن و آرام میگیرند.»

﴿وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ ﴿٣٦﴾ وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿٣٧﴾﴾^۱

«کسیکه یاد خدا را بدست فراموشی بسپارد، شیطانی را شریک وهم نشین او قرار می دهیم وشیاطین هم- کارشان این است که- مانع حرکت انسان در مسیر خدا می شوند، و- چنان در ذهن هم نشینان خود نفوذ می نماید که- آنها خیال می کنند که، اهل هدایت بوده واز راه یافتگان می باشند»

یکی از دانشمندان بنام دکتر «بریل» به این موضوع معترف است که، انسان پای بند به راهنماییهای دین، هیچگاه دچار بیماریهای روانی وبحرانهای روحی نمی شود.

همچنان «دیل کارنگی» هم معتقد است که « دانشمندان روانشناس و روان پزشکان به این حقیقت پی برده اند که، داروی «ایمان» و «عبادت» وپیروی از دستورات دین، مانع مبتلا شدن انسان به بیماری اضطراب روحی، ناراحتیهای عصبی و... می شود و شخص مومن و ملتزم را در مقابل این گونه بیماریها بیمه می کند.»

15- آن چنان خدا را دوست داشته باشد که، قلب وروانش مجذوب و متمایل به او گردد، بصورتیکه، او را بیش از پیش بدنبال نیکی و فداکاری و جهاد و تلاش در راستای رضایت او وادار نماید. و التزامش را به فرمانبرداری خداوند تقویت کند. و مظاهر فریبنده دنیا، و محبت

خویشان و دوستان، مانع ادامه حرکت در مسیر معبود حق نشود. در این رابطه خداوند می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ
اَقْتَرَفْتُمُوهَا وَبِحَدَثَةٍ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسْكَنٌ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ
مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ وَاللَّهُ لَا
يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾ (۲۴)

«- بگو: اگر پدرانتان و فرزندانان و برادرانتان و همسرانتان و خویشانان و اموالی که فراهم آورده‌اید و تجارتی که از بی رونقی و کساداش می‌ترسید و خانه‌هایی که به آنها دل خوش کرده‌اید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌ترند، پس منتظر بمانید تا خدا فرمان عذابش را بیاورد؛ و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند»

واز تلاش برای بدست آوردن «ایمان» آرامش و آسایش بخش و چشیدن شهد نوشین آن بهیچ وجه کوتاهی ننماید. ایمان مورد اشاره رسول خدا | که:

ثَلَاثٌ مِّنْ كُنْ فِيهِ وَجَدَ حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا وَأَنْ يُحِبَّ الْمَرْءَ لَا يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ وَأَنْ يَكْرَهُ أَنْ يَكُفِّرَ فِي الْكُفْرِ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُقَذَّفَ فِي النَّارِ²

«کسی طعم شیرین ایمان را خواهد چشید که سه چیز را در خود سراغ داشته باشد:

1- سوره توبه آیه 24

2- صحیح البخاری (ج 1 / ص 26) عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

اول: خدا و رسول او را از همه، چیز و همه کس بیشتر دوست داشته باشد.

دوم: دوستی و محبت او صرفاً بخاطر رضای خدا باشد.
سوم: آن چنان از کفر و بی دینی و نافرمانی خدا، وحشت داشته داشته باشد که از افتادن و سوختن در آتش وحشت و گریز دارد. «
16- همه امور و اوضاع خود را بدست خدا- و برنامه زندگی مورد پسند او- بسپارد. و مطمئن باشد که، نتیجه چنین باور و چنین کاری، قوت قلب و نیروی اراده ارزشمندی خواهد بود، در مقابله با همه مشکلات زندگی، و آسان گردیدن ادای مسئولیت های فردی و اجتماعی. در این مورد خداوند حکیم می فرماید:

﴿وَمَنْ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾^۱

«کسیکه بر خدا توکل می کند، خدا او را بس است».

رسول گرامی اسلام در یکی از زیباترین سخنانش می فرماید:
اَحْفَظُ اللَّهَ يَحْفَظْكَ اَحْفَظُ اللَّهَ تَجِدْهُ تُجَاهَكَ اِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ وَاِذَا اسْتَعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ وَاعْلَمْ اَنَّ الْاُمَّةَ لَوْ اجْتَمَعَتْ عَلٰى اَنْ يَنْفَعُوْكَ شَيْءًا لَمْ يَنْفَعُوْكَ اِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللّٰهُ لَكَ وَلَوْ اجْتَمَعُوْا عَلٰى اَنْ يَضُرُّوكَ شَيْءًا لَمْ يَضُرُّوكَ اِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللّٰهُ عَلَيْكَ رُفِعَتِ الْاَقْلَامُ وَجَفَّتِ الصُّحُفُ^۲

«خدا را مدام مراقب خود بدان تا او هم از تو مراقبت نماید،- از ادای فرامین او پاسداری کن، تا او هم تو را مصون بدارد، همیشه خدا را به یاد داشته باش تا- دست نیرومند و با محبت- او را بر سر خویش

1-سوره طلاق آیه 3

2- سنن الترمذی - (ج 9 / ص 56) عن ابن عباس)

احساس نمائی، اگر در خواستی داری، تنها از او بخواه، وچنانچه به کمک ویاری محتاج بودی تنها از او درخواست کن. این را- خوب بخاطر داشته باش و-بدان که، اگر همه انسانها با تو دشمن شوند و دست در دست هم بگذارند تا ضرری را متوجه تو بنمایند، موفق نخواهند شد، و تنها چیزی روی خواهد داد که، تقدیر واراده خدا آن را تعیین کرده و خواسته باشد، وچنانچه، همه انسانها با تو دوست و رفیق شوند، و تصمیم بگیرند، خیر و نفعی را نصیب تو بنمایند، تنها به چیزی توفیق پیدا می کنند که خواسته قبلی خدا همان بوده باشد، و مطمئن باش که، قلم تقدیر خداوند از نوشتن باز ایستاده و برنامه ها از پیش تهیه شده است.»

17- خدا را بخاطر نعمتهای بیشمار و بخشش و رحمت فراوانش سپاسگذاری کند. و ادب ایجاب می کند که، صاحب نعمت و احسان را شکرگزاری و فرمانبرداری کنیم . خداوند منعم در این مورد می فرماید:

﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٧٨﴾﴾

«خدا شما را از شکم مادران به - جهان و صحنه حیات - آورد- آن هم- در شرائطی که، از هیچ چیز اطلاع نداشتید، و سائل شنیدن «سمع» و دیدن «بصر» و تفکر و تحلیل «قلب» را در اختیارتان قرار داد.

به این خاطر که او را سپاسگزاری و فرمانبرداری نمائید»

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ لَمَّا أَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ﴿٧٩﴾ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ ﴿٨٠﴾ لِيَأْكُلُوا

مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٥﴾

«زمین خشک و بایر نمونه و نشانه ای برای آنهاست، بوسیله باران آن را سبز و خرم نمودیم، گیاهان را در آن رویاندیم تا از ثمر و حاصل آن غذای خود را تهیه کنند، آن زمین بی حاصل قبلی را -بصورت باغهای سرسبز - خرما و انگور درآوردیم، و چشمه های آب را در آن جاری کردیم، تا از ثمر آنها و حاصل تلاش و کار خود خوراک خویش را بدست آورند، پس چرا سپاسگزاری نمی کنند!؟»

به همان صورت که، خداوند منعم، سپاسگزاران مطیع را به بیشتر نمودن نعمت ها وعده داده، ناسپاسهای نافرمان را نیز به ضرر بیشتر و - قحطی و مشکلات مختلف - تهدید فرموده است، قرآن راجع به این قضیه می فرماید:

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ﴿٧﴾

«پروردگارت اعلان نموده ، چنانچه سپاسگزار و فرمانبردار باشید، نعمتهای داده شده بشما را بیشتر کرده و اگر با استفاده - غیر صحیح و نامشروع از نعمتها - قدم در راه ناسپاسی نهادهید، یقیناً عذاب من درد ناک و شدید است.»

18- از خداوند غفور و رحیم مدام در خواست عفو و گذشت بنماید. زیرا درخواست بخشش سبب پوشانده شدن گناهان و تجدید و تکرار توبه سبب آسایش زندگی و آرامش قلبی می گردد. راجع به این موضوع قرآن می فرماید :

1- سوره یاسین آیات 33-35

2- سوره ابراهیم آیه 7

﴿وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾^۱

«کسیکه کار بدی را انجام داده یا نسبت بخود ظلم و ناروایی را روا داشت، و پس از آن، از خدا آمرزش بخواهد، الله را بشاینده و مهربان می یابد.»

هم چنین می فرماید :

﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ ذُنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾^۲

«و آنان که چون کار زشتی مرتکب شوند یا بر خود ستم ورزند، خدا را یاد کنند و برای گناهانشان آمرزش خواهند؛ و چه کسی جز خدا گناهان را می آمرزد؟ و دانسته و آگاهانه بر آنچه مرتکب شده اند، پا فشاری نمی کنند؛ (135) پاداش آنان آمرزشی است از سوی پروردگارشان،»

19- در آشکار و نهان خدا را حاضر و ناظر بر -افکار و اعمال- خود بدانند و آن فرموده او را آویزه گوش خویش گردانند که :

﴿مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَىٰ ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَاسِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا آدَنَىٰ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرُ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾^۳

1- سوره نساء آیه 110

2- سوره آل عمران آیه 135

3- سوره مجادله آیه 7.

«امکان ندارد که سه نفر با هم درگوشی صحبت کنند مگر آنکه چهارمین آنها خداست و در صورتیکه، آنان پنج نفر باشند قطعا ششمین آنها نیز خدا خواهد بود، کمتر و بیشتر از این هم هر جا که باشند ممکن نیست خدا با آنها نباشد، و در روز محاسبه و دادگاه قیامت به آنها خواهد گفت که چکار کرده اند. قطعا خدا بهمه چیز آگاه است.»

فصل دوم

رسمان بودن، در «عبادت و بندگی»

از دیدگاه اسلام، «عبادت» به معنای فرمانبرداری همه جانبه، و بالاترین حد شناخت عظمت معبود و فرمانروای حق است. عبادت در اسلام نردبان ترقی انسان و وسیله ارتباط او با پروردگارش، و دارای آثار عمیقی در تعامل انسان با هموعانش می باشد. این هدف عالی را اسلام در روشنائی عبادات اساسی در اسلام، همچون، نماز، روزه، حج، زکات، و... که صرفاً به منظور رضای خدا انجام پذیرند و با شریعت و هدایت او هماهنگ باشند، تحقق می بخشد.

در نهایت منطق و خواسته اسلام آن است که، کلیه تصمیمات و تصرفات انسان در زندگی این جهان، در جهت عبادت - خدا و فرمانبرداری او باشد. و معنی فرموده خداوند هم همین است که می فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْإِنْسَ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطِيعُونِ ﴿٥٧﴾﴾¹

«من جن وانسان را نیا فریدم جز به خاطراینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند) هرگز از آنها روزی نمی خواهم و نمی خواهم مرا خوراک دهند.»

﴿قُلْ إِن صَّلَاةٍ وَنُكْحٍ وَمَمَالٍ وَمَمَالٍ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (۱۳۲) لَا شَرِيكَ لَهُ
وَيَذَلِكَ أَمْرٌ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ﴾ (۱۳۳)

« بگو ای محمد هر آئینه نمازم ، حج و قربانی ام و سراسر زندگی و مرگم همه برای پروردگار عالمیان است که هیچ شریکی ندارد و من به همین کار مأمور شده ام و من نخستین مسلمان میباشم»
زمانی می توان مدعی شد که، عبادت، عبادتی اسلامی است، که، زمینه عمل به مسئولیتهای زیر بشود.

1 عبادت باید بهره مند از «روح» و وسیله ای برای ارتباط با خدا باشد ، ومعنی «احسان» و نیکو نمودن عبادت نیز همین است، از رسول خدا | در مورد احسان سوال شد. ایشان فرمودند:

أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ 2

«احسان آن است که، آن چنان خدا را عبادت و اطاعت بنمائی که او را مشاهده می نمائی، اگر چنین امکان ندارد که خدا را ببینی ، او که ترا می بیند.»

2 باید عبادت و اطاعتی همراه با خشوع و تسلیم باشد. بصورتی که گرمی ارتباط با معبود ولذت فروتنی در مقابل او را بخوبی احساس کند. حضرت عائشه (رض) فرموده است.

كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يحدثنا ونحدثه فإذا حضرت الصلاة كأنه لم يعرفنا ولم نعرفه⁽¹⁾

«ما با رسول خدا | گرم صحبت میبودیم، اما با شنیدن صدای اذان، ایشان حالت دیگری پیدا می کردند، آن چنانکه، انگار هرگز نه او ما را می شناسد و نه ما او را می شناسیم.»

3 رسول خدا | در این رابطه می فرمایند که: كَمْ مِنْ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَكَمْ مِنْ قَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ قِيَامِهِ إِلَّا السَّهَرُ²

«کم نیستند روزه دارانی که سهمشان از روزه، تنها تشنگی و گرسنگی است و همچنین بسیارند، نمازگزارانی که بهره‌شان از نماز، فقط بیدار خوابی است؟!»

4 هنگام عبادت تلاش نماید ، قلب و احساسش را با روح و معانی آیات و اوراد، آشنا و همراز سازد. و از همه آن چیزهایی که، قلب و اندیشه اش را مشغول می کنند، خود را آزاد نماید. رسول گرامی و محبوب اسلام | در این رابطه این گونه می فرماید که؛

لا ينظر الله إلى صلاة لا يحضر الرجل فيها قلبه مع بدنه³
«خداوند به نماز کسانی نگاه رحمت و قبول نمی اندازد که، جسم و قلبشان هماهنگ با آن عبادت نیست»

گفته اند که، نماز حال و هوایی معنوی اخروی دارد، هرگاه به نماز ایستادی با همه چیز این جهان باید خداحافظی نمائی.

1 - رواه ابن المبارك في الزهد والرقائق مرسلًا

2 - مسند أحمد - (19 / 351) عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

3 - مسند الفردوس و إسناده ضعيف

از حضرت حسن (ع) نقل نموده اند

« كل صلاة لا يحضر فيها القلب فهي إلى العقوبة أسرع »^۱

« هر نمازی که با حضور قلب خوانده نشود، به اینکه سبب عذاب

باشد، نزدیکتر است تا اینکه وسیله نجات و سعادت! »

5 - در عبادت نباید به کم قناعت نمود، بلکه آن چنان باید تشنه آن

بود که هر چه بیشتر انجام داده شود اشتیاق بیشتری پیدا گردد.

و بوسیله نمازهای نفل و مستحب ، هر چه بیشتر بخدا احساس نزدیکی

نماید. رسول گرامی اسلام در نقل قولش از طرف خداوند ، می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ قَالَ مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي

بشيء أحبَّ إِلَيَّ مما افترضْتُ عليه وما يزال عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالْتَّوْفَلِّ حَتَّى

أُحِبُّهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَيَدَهُ الَّتِي

يَبْطِشُ بِهَا وَرِجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا وَإِنْ سَأَلَنِي لأُعْطِيَنَّهُ وَلَئِنْ اسْتَعَاذَنِي لأُعِذَّنَّهُ

وَمَا تَرَدَّدْتُ عَنْ شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ تَرَدَّدِي عَنْ نَفْسِ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَأَنَا أَكْرَهُ

مَسَاءَتَهُ^۲

«کسیکه با دوستانم دشمنی ورزد من خود با او اعلان جنگ خواهم

داد! برای نزدیک شدن انسانها به من هیچ وسیله ای بهتر و بالاتر از،

عملی کردن فرایض وجود ندارد. آنانی را هم که، نمازهای نافله را به

عنوان وسیله ای نزدیک شدن بیشتر بمن ادا می کند ، محبتم پیوسته

نسبت به آنها بیشتر می گردد و آنگاه که برآستی در حلقه دوستی ام در

آمد ، چشم آن خواهم شد که با آن می بیند، گوشش خواهم گردید که

1- إحياء علوم الدين - (1 / 167)

2- صحيح البخارى (ج 20 / ص 158 باب التواضع) عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

با آن می شنود، دستش می شوم که آن را وسیله کارش قرار خواهد داد. وپائی که با آن راه می رود. اگر از من چیزی را بخواهد. دست رد بر سینه اش نخواهم زد ، چنانچه بمن پناه بیاورد، پناهگاهش خواهم بود. هر چه را اراده نمایم در قلب او همان خواسته وجود خواهد داشت. در هیچ کاری بخود تردیدی راه نداده ام مگر در گرفتن جان مومنی که او را دوست می دارم در حالیکه او از مرگ ناخشنود باشد.»

6- در قیام به نماز شب، لازم است بسیار جدی باشد، سعی نماید چندان آن را تکرار و تمرین نماید. که بآن عادت کند. نماز شب برای تقویت ایمان و احساس مسئولیت عامل بسیار مهمی است. خداوند می فرماید :

﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْكَ وَأَوْمٌ قِيلًا ۝۶﴾^۱

7- « بی تردید عبادت [ی که در دل] شب [انجام می گیرد] محکم تر و پایدارتر و گفتار در آن استوارتر و درست تر است .»

همچنین خداوند در توصیف مومنین محبوبش می فرماید که:

﴿كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجُونَ ۝۷ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ۝۸﴾^۲

8- « آنان اندکی از شب را می خوابیدند [و بیشتر آن را به عبادت و بندگی می گذراندند .] (17) و سحرگاهان از خدا درخواست آمرزش می کردند . (18)

باز خداوند علیم در این مورد می فرماید :

﴿نَتَجَافَىٰ جُنُوبَهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ۝۱۹﴾^۳

1- سوره المزمّل آیه 6.

2- سوره الزاریات آیات 17- 18

3- سوره سجده آیه 16 .

«[ملازم بستر استراحت و خواب نیستند ، بلکه] پهلوهایشان از خوابگاه هایشان دور می شود در حالی که همواره پروردگارشان را به علت بیم [از عذاب] و امید [به رحمت و پاداش] می خوانند و از آنچه آنان را روزی داده ایم ، انفاق می کنند ،»

9 با قرآن انس و علاقه نشان دهید و در آیاتش اندیشه نمائید، بخصوص بهنگام سحر و سپیده دم، خداوند کریم می فرماید :

﴿إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾^۱

«بدون تردید، قرائت قرآن در سحرگاهان، مشهود (فرشتگان شب و روز) است»

رسول گرامی اسلام □ | هم در این مورد می فرمایند،

«إن هذا القرآن نزل بحزن ، فإذا قرأتموه فابكوا ، فإن لم تبكوا فتابكوا»^۲

«در وضع و شرائط حزن انگیزی این قرآن فرود آمده، سعی کنید قرائت آن - بخاطر مهجور و متروک ماندنش - با حزن و اندوه همراه باشد.»

با تفکر و اندیشه و خشوع به تلاوت بپردازیم ، و آن فرموده خدا را نباید فراموش نمائیم که :

﴿لَوْ أَنزَلْنَاهُ الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ﴾^۳

« اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم ، قطعاً آن را از ترس خدا فروتن و از هم پاشیده می دیدی ..»

1- سوره اسراء آیه 78.

2- مسند أبی یعلی الموصلی - (ج 2 / ص 169 باب هذا القرآن نزل مع حزن / عن سعد بن مالک أ)

3- سوره حشر آیه 21.

هم چنین رسول گرامی اسلام می‌فرمایند که:
« عَنْ صُهَيْبٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا أَمَنَ
بِالْقُرْآنِ مَنْ اسْتَحَلَّ مَحَارِمَهُ »¹

« از صهیب | روایت است که رسول الله | فرمودند : کسیکه، حرام
شده های قرآن را، حلال کند و ملتزم به آنها نباشد، هنوز به قرآن
ایمان نیاورده است.»

و فرموده است .

«گرامی ترین عبادت مردم مسلمان، قرائت و اندیشیدن و فهمیدن
قرآن است»

عبدالله بن مسعود (رض) فرموده ای از رسول خدا را نقل می‌نماید که:
« إن هذا القرآن مأدبة الله فاقبلوا من مأدبته ما استطعتم ، إن هذا القرآن
حبل الله ، والنور المبين ، والشفاء النافع عصمة لمن تمسك به ، ونجاة لمن تبعه ،
لا يزيغ فيستعصب ، ولا يعوج فيقوم ، ولا تنقضي عجائبه ، ولا يخلق من كثرة
الرد ، اتلوه فإن الله يأجركم على تلاوته كل حرف عشر حسنات ، أما إني لا
أقول الم حرف ، ولكن ألف ولام وميم »²

«این قرآن ، خوان مهمانی خداست، تا جایی که برایتان امکان دارد،
از آن استفاده ببرید.

قرآن وسیله بسیار محکمی است برای ایجاد ارتباط میان انسان
و خدا، نوری است روشنگر، شفا بخش و پربرکت، کسی را که از آن
پیروی می‌کند، محفوظ می‌نماید و گره گرفتاری را از کارش می‌

1- (سنن الترمذی ج 10 / ص 160 باب ما جاء فيمن قرأ حرفاً...)

2- المستدرک علی الصحیحین للحاکم - (5 / 104)

گشاید، از راه بدر نمی شود تا سرزنش شود، و کجراهه را در پیش نمی گیرد تا نیاز به هدایت داشته باشد. شگفتیه‌هایش پایان ناپذیر بوده و هر چه بیشتر خوانده شود. مایه ملال و خستگی نمی گردد. آن را قرائت کنید و خوب در آن بیندیشید. چون در برابر هر حرفش ده برابر بشما پاداش داده خواهد شد، نمی گویم «الم» یک حرف است بلکه مرکب از سه حرف است و در مقابل آن سی حسنه را دریافت خواهید کرد»

رسول گرامی اسلام | در وصیتش به ابوذر غفاری | می فرماید:
«عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ ، وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ ، فَإِنَّهُ نُورٌ لَكَ فِي الْأَرْضِ ، وَذِخْرٌ لَكَ فِي السَّمَاءِ»^۱

«در ذکر الله و قرائت قرآن بسیار جدی و فعال باش، زیرا، برای تو در دنیا نور است و در آخرت توشه و ذخیره»

10 - در همه شئون زندگی، «دعا را، وسیلهٔ عروج بسوی خدا قرار دهید. «دعا» مغز، عصاره و خلاصه بندگی است. سعی کنید دعا‌هایی را بخوانید که، معتبر و مأثور باشند. راجع به «دعا» قرآن کریم می فرماید:
﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾^۲

اینک نمونه هایی از دعا‌های روایت شده و معتبر:

هنگام رفتن به رختخواب :

« بِاسْمِكَ رَبِّ وَضَعْتُ جَنِيَّ وَبِكَ أَرْفَعُهُ إِنْ أَمْسَكَتَ نَفْسِي فَارْحَمْهَا وَإِنْ أَرْسَلْتَهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ»^۳

1- صحیح ابن حبان - (2 / 72)

2- سوره مومن (غافر) آیه 60 .

3- صحیح البخاری - (ج 19 / ص 387 عن ابی هريره)

«پروردگارا، بنام واجازه تو پهلوی بر زمین نهاده‌ام، و با نام واجازه تو آن را از زمین برخواهم داشت. اگر از این خواب بیدار نشدم و جانم را گرفتی، قلم عفو بر گناهانم بکش، و چنانچه، اراده فرمودی، باز برخیزم، همچون بندگان صالحت مرا از، گناهان و بدیها مصئون بدار.»

. پس از بیدار شدن از خواب:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ»¹

«ستایش و بندگی تنها متعلق بخدائی است که، بعد از آنکه ما را میمیراند، دوباره زندگی بخشید، و بازگشت همه به سوی اوست.»

. در موقع پوشیدن و بیرون آوردن لباس:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ كَسَوْتَنِيهِ أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِهِ وَخَيْرِ مَا صُنِعَ لَهُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا صُنِعَ لَهُ»².

«خداوندا، ثنا و صفت خاص تراست زیرا تو این لباس را به من پوشانیدی، خیر اینها و خیر آن چیزی را که لباس‌ها بخاطرش پوشیده می‌شود از تو می‌خواهم و از شری که ممکن است در پوشیدن لباس باشد، بتو پناه می‌برم.»

. به هنگام وارد یا خارج شدن از منزل:

بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ³

«به نام و یاری الله، همه امورم را به او می‌سپارم، هیچ نوع تغییر

1- صحیح البخاری - (ج 19 / ص 374 باب ما یقول اذا نام عن

حذیفه بن الیمان)

2- سنن أبی داود - (11 / 36) عن أبی سعید الخدری

3- سنن أبی داود (ج 13 / ص 290 باب ما یقول إذا خرج من بیته /

عن انس بن مالک)

و تحولی و هیچگونه قوتی بغیر از کانال اراده و اجازه او ممکن نیست صورت بگیرد.»

. در موقع رفتن به مسجد:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي بَصَرِي نُورًا وَفِي سَمْعِي نُورًا وَعَنْ يَمِينِي نُورًا وَعَنْ يَسَارِي نُورًا وَفَوْقِي نُورًا وَتَحْتِي نُورًا وَأَمَامِي نُورًا وَخَلْفِي نُورًا وَعَظْمٌ لِي نُورًا»¹

«پروردگارا، در قلب و چشم و گوش و راست و چپ و روی سر وزیر پا و در پیش رویم، نورهایی را بتابان و نوری از انوارت را نصیبم بگردان.»

. بهنگام وارد شدن به مسجد:

(اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ)²

«پروردگارا، درهای رحمت را بر من بگشا.»

. موقع خروج از مسجد:

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ)³

«پروردگارا، من از تو می خواهم که، از فضل و کرمات بی نصیبم نفرمائی.»

. در ابتدای خوردن غذا:

«اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيْمَا رَزَقْتَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»⁴

خداوندا، این نعمت‌هایی را که نصیب ما فرموده ای، بر دوام و بیشترش کن، و از، عذاب آتش، دورمان بگردان،

1- صحیح مسلم - (ج 4 / ص 153) عن ابن عباس أ

2- سنن النسائی - (3 / 161) عن ابی حمید و ابی اسید

3- سنن النسائی - (3 / 161) عن ابی حمید و ابی اسید

4- موطأ مالک - (5 / 469) عن زبیر بن العوام أ

. پس از خوردن غذا:

(اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ اَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَجَعَلَنَا مُسْلِمِيْنَ)

«ستایش و بندگی تنها از آن پروردگاری است که، بما خوراک و نوشیدنی عطا فرموده و از مسلمانان قرارمان داده است.»

. هنگام رفتن به قضای حاجت:

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْخُبْثِ وَالْخَبَائِثِ¹

پروردگارا، من از همه ناپاکیها و پلیدی‌ها به تو پناه می‌برم.

. پس از قضای حاجت:

الحمد لله الَّذِيْ اِذْقَنِيْ لَذَّةَ، وَصَرَفَ اِذَاه.

بندگی و سپاس خداوندی را که، مرا از لذت طعام بهره‌مند کرد و از اذیت‌های آن راحت‌م گردانید.

. پیش از همبستری:

اَللّٰهُمَّ جَنِّبْنَا الشَّيْطَانَ وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا²

پروردگارا، ما را از شر شیطان محفوظ بفرما، و شیطان را از- فرزندی که بما خواهی داد دور کن.

. بموقع بیدار ماندن و بیخوابی:

اَللّٰهُمَّ غَارَتْ النُّجُومُ ، وَهَدَّاتِ الْعُيُونُ ، وَاَنْتَ حَيُّ قَيُّوْمٌ ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمٌ اَنْمِ عَيْنِيْ³

پروردگارا،- تو خود بهتر می‌دانی که- ستاره‌ها آمدند، و چشم‌ها به آرامی بر روی هم نشستند، تنها توئی که، زنده حقیقی و نگاه دارنده

¹. صحیح البخاری - (1 / 246) عن انس بن مالک]

². صحیح البخاری - (1 / 244) عن ابن عباس]

³ - المعجم الكبير للطبرانی - (5 / 33) عن زيد بن ثابت

مخلوقاتی، ای زنده - بیدار - نگاه دارنده، چشمانم را با خواب آشنا کن.
بعد از نماز:

چنانچه نماز گزاری پس از ادای نمازش، سی و سه بار این اذکار را
(سبحان الله ، الحمد لله ، الله اکبر) بخواند، گناهان او اگر به اندازه کف
دریاها هم باشد بخشوده خواهد شد.

سبحان الله. الله از هر نقص و کمبودی دور است. وبا بهره گیری از،
اطاعت و بندگی، در دریای زندگی بسوی او باید شنا کرد.
الحمدلله. ستایش و بندگی خاص خداست.

الله اکبر. بزرگی و عظمت تنها متعلق به الله می باشد.
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ . فرمانروا و فریادرسی بغیر از الله، حقانیت
و مشروعیت ندارد.

و برای آنکه ذکر تکمیل شود. این اوراد خوانده شود.
(لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ)

هیچ معبود و مستعانی بغیر از الله، ارزش و اعتبار ندارد. او- در خلق
و امرش- تنهاست و کسی با او همکاری ندارد. فرمانروائی از آن اوست
و او را فقط بندگی و ستایش باید کرد. زیرا او قدرت انجام دادن هر
کاری را دارا می باشد.

در پایان هر مجلس :
(سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ
إِلَيْكَ)¹

1- سنن الترمذی - (مکتوبه معتبره / سنن معتبره) عن ابی هریره]

تو از هر نقصان و عیبی پاک هستی پروردگارا، و من به ستایش و بندگیت باید مشغول باشم، گواهی می‌دهم که، فرمانروا و فریادری جز تو ارزش و اعتبار ندارد. از تو می‌خواهم که گناهانم را ببخشی - و در محضر مبارکت - اظهار ندامت می‌کنم.

. هنگام سوار شدن به وسیله نقلیه:

(سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ)¹

پاک است پروردگاری که، این وسیله را در اختیار ما گذاشت، و اگر - اراده او نبود - ما قدرت چنین چیزی را نداشتیم، و تردیدی هم نیست که، همه ما در نهایت بسوی او خواهیم رفت.

. در وقت آماده شدن برای مسافرت:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوَىٰ وَمِنْ الْعَمَلِ مَا تَرْضَىٰ اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا هَذَا وَاطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعَثَاءِ السَّفَرِ وَكَآبَةِ الْمُنْتَظَرِ وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ²

خداوندا! من از تو، نیکی و پرهیزکاری را در این سفرم درخواست می‌نمایم.

واز تو می‌خواهم مرا موفق فرمائی هر عملی را که بدان بسیار راضی هستی انجام دهم.

پروردگارا! سختیهای سفر را بر ما آسان گردان، و دوری مقصد را برایمان نزدیک کن.

1- سوره زخرف آیات 13-14

2- (صحيح مسلم - (7 / 56) عن ابن عمر أ باب ما يقول إذا ركب إلى سفر الحج

خداوندا! رفیق راه، ونگهبان خانواده تنها توئی.
از تو می خواهم مشکلات را هم بر طرف فرمائی.
از زشتی ها و ناگواریهای مسیر را هم واز برگشتنی ناخوشایند
و ناموفق واز پیش آمدها و ناراحتیهای، دارائی وزن و فرزند، به تو پناه می
برم.

. بهنگام باریدن باران چند مرتبه تکرار شود:
اللَّهُمَّ صَيِّبًا نَافِعًا¹

خداوندا، بارانی بموقع بر مزارع و با برکت و منفعتش گردان.
. هنگام شنیدن صدای رعد و برق:
اللَّهُمَّ لَا تَقْتُلْنَا بِغَضَبِكَ وَلَا تُهْلِكْنَا بِعَذَابِكَ وَعَافِنَا قَبْلَ ذَلِكَ²
خداوندا ! ما را با خشم خود مکش، و بوسیله عذابت هلاکمان
مگردان، - اگر هم چنین می شود- پیش از آن ما را ببخشای.
. وقتی که «ماه» مشاهد می شود:

اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْإِيمَانِ , وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ , وَالتَّوْفِيقِ لِمَا تُحِبُّ
وَتَرْضَى , رَبُّنَا وَرَبُّكَ اللَّهُ.³

پروردگارا! آمدن ماه را برای ما مایه برکت و ایمان و سلامتی و اسلام
خواهی بگردان، و در این ماه توفیقمان عطا بفرما تا آنچه را که، دوست
می داری و به آن راضی هستی انجام دهیم.
ای ماه- ما می دانیم که- به وجود آورنده و صاحب ما و تو خداوند می باشد.

1- روایت بخاری .

2- (سنن الترمذی - (11 / 345) باب ما يقول إذا سمع الرعد ، عن

عبدالله بن عمر

3- المعجم الكبير للطبرانی - (10 / 490) عن ابن عمر

. تبریک ازدواج:

بَارَكَ اللَّهُ لَكَ وَبَارَكَ عَلَيْكَ وَجَمَعَ بَيْنَكُمَا فِي الْخَيْرِ¹

خداوند خیر و برکت این ازدواج را به تو عطا فرماید، و هر دوی شما را مشمول رحمت و خیر خویش گرداند.

. موقع بدنیا آمدن کودک:

أُعِذُّكَ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ

تو را درپناه کلمات _ شریعت و هدایت _ کامل پروردگار می سپارم، تا اینکه، شیاطین - بدان و بدآموزان دین ستیز- و چشمان سرزنش گر و عیب جو نتوانند ضرری را متوجه تو بنمایند.

. وقتی غمگین و افسرده هستی:

(لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ)²

پروردگارا، بغیر از تو فرمانروا و فریادری را- به رسمیت نمی شناسم ، بری از هر نقص و عیبی هستی، من نسبت بخود مرتکب ظلم و ناروا شدم، و تو مهربانترین مهربانانی.

. بهنگام عیادت از بیمار:

(أَذْهَبَ الْبَاسَ رَبَّ النَّاسِ أَشْفَى وَأَنْتَ الشَّافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ شِفَاءً لَا

يُغَادِرُ سَقَمًا)³

بار الها ! تنها تو پروردگار و مالک مردمی، این درد و مشقت را -از این بیمار- برطرف فرما شفا دهنده تنها تویی، او را شفا عطا کن، شفا و بهبودی همان است که تو می دهی، شفائی که، هیچ درد و مرضی را

1- «سنن الترمذی - (4 / 271) عن ابی هريره ا

2- سوره انبياء آیه 87

3- (صحيح البخاری - (17 / 426 عن عائشه رضی الله عنها)

باقی نخواهد گذاشت.

. در تعزیه و تسلیت:

إِنَّ لِلَّهِ مَا أَخَذَ وَلَهُ مَا أُعْطِيَ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَ اللَّهِ بِأَجَلٍ مُّسَمًّى فَلْتَصْبِرْ
وَلْتَحْتَسِبْ^۱

خداوند این حق را دارد که ببخشد و باز پس گیرد. همه مخلوقات را برای زمان معینی بوجود آورده، پس چه بهتر که شکبیا باشیم و آن را بحساب آخرتمان واگذار نمائیم.

. در نماز جنازه خوانده می شود:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ وَاعْفُ عَنْهُ وَعَافِهِ وَأَكْرِمْ نُزُلَهُ وَوَسِّعْ مَدْخَلَهُ
وَاعْسَلْهُ بِمَاءٍ وَلَنْجٍ وَبَرْدٍ وَنَقِّهِ مِنَ الْخَطَايَا كَمَا يَنْقَى الثَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ
وَأَبْدِلْهُ دَارًا خَيْرًا مِنْ دَارِهِ وَأَهْلًا خَيْرًا مِنْ أَهْلِهِ وَزَوْجًا خَيْرًا مِنْ زَوْجِهِ وَقِهِ فِتْنَةَ
الْقَبْرِ وَعَذَابَ النَّارِ^۲

خداوندا، او را ببخشای و با او مهربان باش، بی نیازش کن و از گناهانش چشم پوشی بفرما مقدمش را گرمی و جاییش را بزرگ گردان، پروردگارا، گناهان او را با آب و برف و ژاله رحمت بشوی، و او را بسان لباس سفید تازه شسته شده پاک گردان.

خداوندا، به او منزلی بهتر از منزلش، و خانواده ای صالحتر و نیکوتر از خانواده اش و همسری مهربانتر از همسرش را عطا بفرما.

بار الهی، او را به بهشت - پر از نعمت و لذت - ببر، و او را از، سختی و گرفتاری قبر و عذاب آتش در پناه خود گیر.

- 1- سنن النسائی (6 / 417) باب الأمر بالإحتساب عن أسامة بن زید
- 2- صحیح مسلم - (5 / 75) باب الدعاء للمیت فی الصلاه عن عوف بن مالک الأشجعی

فصل سوم

- مسلمان بودن در اخلاق و رفتار.
- ویژگیها و صفات اخلاقی، «مسلمان»
- 1 - پرهیز از امور «شبه» و مشکوک.
 - 2 - چشم پوشی از ناعرمان.
 - 3 - حفظ زبان.
 - 4 - شرم و حیا .
 - 5 - صبر و شکیبائی.
 - 6 - صداقت و درستکاری.
 - 7 - تواضع و فروتنی.
 - 8 - پرهیز از بدگمانی و غیبت و کشف اسرار مسلمان .
 - 9 - سخاوت و بخشنده‌گی.

ضرورت پابندی به اخلاق اسلام

هدف اساسی دعوت و رسالت اسلام، آراسته شدن اهل ایمان به -
اخلاق خوب و پسندیده می باشد، رسول خدا | در این مورد می
فرماید :

« إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ ».^(۱)

«بدین جهت به رسالت برگزیده شدم که اخلاق کریمانه را به
اتمام و اکمال برسانم.»

قرآن کریم در این رابطه می فرماید :

﴿ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ
وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَاللَّهُ عَلَيْكَ الْأُمُورُ ﴾^(۲)

« همانان که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکن دهیم ، نماز را
برپا می دارند ، و زکات می پردازند ، و مردم را به کارهای پسندیده
و می دارند و از کارهای زشت بازمی دارند ؛ و عاقبت همه کارها
فقط در اختیار خداست

هم چنین می فرماید :

(لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ
وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ

1 - السنن الكبرى للبيهقي - م م - (10 / 191) عن أبي هريره |

2 - سورة حج آیه 41.

وَالنَّبِیِّنَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِ الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ
وَالْمَسْكِیْنَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِیْنَ وَفِی الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ
وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤَفَّقُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِیْنَ
فِی الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِیْنَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ^(۱)

«نیکوکاری آن نیست که، گاهی بسوی شرق وزمانی هم بطرف
غرب روی بیاورید. بلکه خیر و خوبی برای کسی است که به خدا و روز
آخرت و ملائکه و کتاب «قرآن» و پیامبران ایمان داشته باشد، و هر چند
مال و سرمایه اش را دوست می دارد، از کمک و مساعدت به نزدیکان
، کودکان بی سرپرست، ، فقراء ، مسافرین و امانده از سفر، ، گدایان
و برای آزاد ساختن انسانهای برده، کوتاهی نکند. و نماز را بر پای دارد
وزکات را پرداخت نماید، و چنانچه تعهدی بکنند به آن وفادار هستند،
و بهنگام سختیها و مشکلات در هنگامه های وحشتناک، شکیبایند، آنها
هستند که، راست و صادق و پاک و پرهیزکارند.»

اخلاق خوب ثمر و نتیجه ایمان بوده و ایمان بدون اخلاق پسندیده
دارای هیچگونه ارزشی نمی باشد. رسول گرامی اسلام | در یکی از
فرموده هایش مهربانی می کنند :

إِنَّ الْإِيمَانَ لَيْسَ بِالتَّحَلِّيِ ، وَلَا بِالتَّمَنِّيِ ، إِنَّمَا الْإِيمَانُ مَا وَقَرَ فِي الْقَلْبِ وَصَدَقَهُ
الْعَمَلُ...^(۲)

1- البقره/177

2- مصنف ابن ابی شیبۀ (235) - (13 / 504) امام بیهقی در شعب
الإیمان و ابن بطه در الإبانة الكبرى و امام احمد در کتاب الزهد و امام

« به امید و آرزو «ایمان» را نمی توان بدست آورد. بلکه «ایمان» چیزی است که در «قلب» قرار گیرد، و احساس مسئولیت و عمل بر آن گواه باشد.»

از رسول خدا | سوال شد که «دین» چیست؟ ایشان در جواب فرمودند، دین یعنی «اخلاق و رفتار خوب و پسندیده». و در مورد، شومی و بدی، از ایشان پرسش نمودند، فرمود، «بد اخلاقی»^(۱)

در میزان اعمال روز قیامت انسانها، هیچ چیز با ارزشتر و سنگینتر از اخلاق خوب نیست. کسانی که دارای اخلاقی بد و رفتاری نادرست هستند، نسب و فامیل درد آنها را در قیامت نمی تواند درمان کنند.

رسول گرامی و محبوب اسلام، فرموده است:
 « مَا شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي مِيزَانِ الْمُؤْمِنِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ خُلُقٍ حَسَنٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَيُبْغِضُ الْفَاحِشَ الْبَذِيءَ »^۲

« در روز قیامت عملی سنگین تر از اخلاق نیک در میزان مومن نیست . همانا خداود انسان بد زبان یاوه سرا را مورد خشم خود قرار میدهد »

هدف اسلام از واجب نمودن عبادات آن است که، ثمر و نتیجه اش،

عبدالله بن مبارک در کتاب الزهد و الرقائق در جمله اقوال حسن بصری نقل کرده اند . و روایت مرفوع آنرا که ابن النجار از انس | روایت کرده است ، امام البانی موضوعی دانسته است . " السلسلة الضعيفة و الموضوعه " (218/3)

1- به روایت امام احمد

2- سنن الترمذی - (7 / 284) باب ماجاء فی حسن الخلق عن ابی

الدرداء |

اخلاق خوب باشد، در غیر این صورت، عبادات چیزی بجز مراسم و اعمالی تشریفاتی و تو خالی و بی فائده نخواهد بود.

در مورد نماز خداوند حکیم می‌فرماید:

(إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ)^۱

«همانان، نماز از ارتکاب کارهای زشت و گناهان جلوگیری می‌کند.»

و رسول خدا | فرموده است :

«هر که نمازش او را از، پستیها و بدکاری ها باز ندارد، - چنین نمازی - بغیر از دور شدن از خدا نتیجه ای نخواهد داشت .

و راجع به روزه فرموده اند:

(وَالصَّيَامُ جُنَّةٌ إِذَا كَانَ يَوْمٌ صَوْمٍ أَحَدِكُمْ فَلَا يَرْفُثُ وَلَا يَصْخَبُ فَإِنْ سَابَهُ أَحَدٌ أَوْ فَاتَلَهُ فَلْيَقُلْ إِنِّي امْرُؤٌ صَائِمٌ)^۲

«روزه سپری است _ در مقابل گناهان - چنانچه روزه دار بودید، از بدگوئی و بدکرداری پرهیز نمائید. اگر کسی هم، حرف بدی به شما گفت، یا قصد دشمنی و دعوا داشت بگوئید که، من روزه دارم)

در مورد حج هم ایشان فرموده اند :

مَنْ حَجَّ لِلَّهِ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ^۳

«کسی که، تکلیف حج را بدون بد گوئی و تجاوز از حدو شریعت

1- سوره عنکبوت آیه 45.

2- صحیح البخاری - (6 / 474) باب هل يقول إني صائم إذا شتم ،
عن ابی هريره |

3- صحیح البخاری - (5 / 400) باب فضل حج مبرور عن ابی
هريره |

انجام داد، چنان از گناهان پاک می‌گردد که گوئی نو از مادر تولد شده است.»

در رابطه با حج قرآن می‌فرماید:
(الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَةٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ) ^۱

«فریضه حج در ماههای مشخصی انجام می‌گیرد، کسی که، برای انجام دادن آن در آن ماهها آمادگی پیدا نمود، باید از، بدگوئی و کردار بد، و درگیری و اختلاف، دوری کند.»

صفات و ویژگیهای اخلاقی «مسلمان».

مهمترین صفاتی که، لازم است، انسان مسلمان به آنها آراسته شود تا از نظر اخلاق سزاوار نام «مسلمان بودن» را داشته باشد عبارتند از:

دوری از امور «شبه» و مشکوک .

پرهیز از امور حرام، و احتیاط در مورد مسائل نامعلوم برای هر انسانی ضروری است. و التزام او را به این فرموده رسول گرامی می‌رساند که:

الْحَلَالُ بَيْنَ وَبَيْنَهِمَا مُشَبَّهَاتٌ لَا يَعْلَمُهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ فَمَنْ اتَّقَى الْمُشَبَّهَاتِ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعَرْضِهِ وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ كَرَّاعٍ يَرْعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يُوَاقِعَهُ أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى أَلَا إِنَّ حِمَى اللَّهِ فِي أَرْضِهِ مَحْرَمَةٌ أَلَا وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضَغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ ^۲

1-سوره حج آیه 197 .

2- متفق علیه عن النعمان بن بشير .

«هر یک از «حلال و حرام» معلوم و مشخص هستند، اما در این میان چیزهای دیگری وجود دارند که، حکم آنها برای بسیاری از مردم روشن نیست. هر کس، - تا زمان روشن شدن - از آنها دوری کند، دین و آبرو و اعتبار خود را حفظ نموده است. اما چنانچه کسی بی‌باکانه در دایره آن‌ها داخل شود، ممکن است مرتکب حرام و ناروایی شود. همچون چوپانی که نزدیک مزارع مردم به چرانیدن می‌پردازد و بالاخره گوسفندان او داخل آن مزارع خواهند شد. این را فراموش نکنید، که هر حاکمی دارای مقررات و حدودی است، و حدود خدا هم اموری است که حرام قرار داده است، هم چنین آگاه باشید که، در وجود انسان پاره گوشتی است چنانچه اصلاح شود، همه امور اصلاح خواهد گردید، آری آن «قلب» است»

رسول گرامی | در یکی از فرموده‌هایش به، بلندترین درجه پرهیز از شبهات اشاره می‌فرمایند:

« لَا يَبْلُغُ الْعَبْدُ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَدَعَ مَا لَا بَأْسَ بِهِ حَذَرًا لِمَا بِهِ الْبَأْسُ »^(۱)

«انسان به درجات بالای تقوی دست رسی پیدا نمی‌کند مگر آنکه: اموری را که ظاهراً دارای اشکالی نیستند، بخاطر اینکه مرتکب نافرمانی نشود، ترک کند.»

پرهیز از نگاه کردن به نامحرم.

چه خوب است مسلمان، از دیدن آنچه گناه است و نباید ببیند،

1- سنن الترمذی - (8 / 490) باب ما جاء فی صفة اوانی الجنة «عن عطیة السعدی»

خودداری نماید، زیرا نگاه به نامحرم، سبب شورش شهوانی گردیده،
وزمینه گرفتار شدن به گناه و گردنکشی را فراهم می‌سازد.

بهمین علت است که، قرآن در مورد نگاه‌های غیر ضروری هشدار

می‌دهد:

(قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ)^۱

« به مردان مؤمن بگو: چشمان خود را [از آنچه حرام است مانند

دیدن زنان نامحرم و عورت دیگران] فرو بندند »

و رسول گرامی | فرموده است.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ
النَّظْرَةَ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ، مَنْ تَرَكَهَا مَخَافَتِي أَبْدَلْتُهُ إِيمَانًا يَجِدُ
حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ.²

«از عبدالله بن مسعود | روایت است که رسول الله | فرمودند: نگاه

به نامحرم تیری است از تیرهای زهر آلود ابلیس است که قلب انسان را

نشانه می‌گیرد. پس اگر کسی آنرا از ترس من ترک کرد، او را چنان

ایمانی عطاء میکنم که لذت آنرا در قلب خود احساس نماید »

ومی‌فرماید.

لُعْضُنْ أَبْصَارَكُمْ، وَلْتَحْفَظُنْ فُرُوجَكُمْ، وَلْتَقِيمَنَّ وُجُوهَكُمْ أَوْ لَتَكْسَفَنَّ
وُجُوهَكُمْ.^(۳)

«باید، از نگاه کردن به نامحرم پرهیز کنید و دامن خویش را به

1- سوره نور ایه 30.

2- المعجم الكبير للطبرانی - (9 / 17)

3- المعجم الكبير للطبرانی - (7 / 232) عن أبي امامه |

فحشاء آلوده نسازید، در غیر این صورت، خدا رویتان را سیاه می‌گرداند- احترام و آبرویتان را در دنیا و سعادت و سربلندی تانرا در آخرت از دست خواهید داد-»

حفظ زبان:

زبان را از بیان مسائل زیر باید حفظ کرد.

-گفتار اضافه و غیر ضروری.

-سخنان زشت و ناپسند.

-الفاظ و عبارات رکیک و بی محتوی.

-پشت سر دیگران سخن گفتن (غیبت)

-سخن چینی و فتنه گری (نمیمه)...

در این رابطه، امام نووی (ر) سخنی دارد که: «برای هر انسان رشیدی لازم است، از همه نوع سخن گفتنی خودداری کند، مگر آنکه: کلامی باشد که، خیر و مصلحتی را بیان کند، و چنانچه گفتن و نگفتن سخن در مورد آن مصلحت بی اثر باشد، بهتر آن است که، چیزی گفته نشود. چون بسیار پیش می‌آید. که بدنبال سخن سنجیده و روا، بحث به جاهای نامطلوب و ناروایی کشانده می‌شود. و برآستی هیچ چیزی را با «محفوظ» ماندن نمی‌توان مقایسه کرد.»

فرموده‌های فراوانی، از رسول گرامی | وجود دارد، که نمونه‌هایی از گرفتاری و مشکلات بوجود آمده بوسیله زبان را بیان می‌فرماید. برای نمونه:

وَهَلْ يَكُفُّ النَّاسَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ أَوْ عَلَى مَنَاحِرِهِمْ إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ (1)

1- سنن ابن ماجه (11 / 469) باب كف اللسان في الفتنه عن معاذ بن جبل

«بجز دست آوردها و ثمرات زبان چه چیز دیگری است که زمینه رفتن ناگوار انسان را به جهنم فراهم کرده است؟»
و فرموده است که،

لَيْسَ الْمُؤْمِنُ بِالطَّعَانِ وَلَا اللَّعَانِ وَلَا الْفَاحِشِ وَلَا الْبَذِيءِ^(۱)

«تحقیر و لعن و ناسزا و بدگوئی از ویژگیهای اهل ایمان نیست»
مَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ سَقَطُهُ ، وَمَنْ كَثُرَ سَقَطُهُ كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ ، وَمَنْ كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ كَانَتْ النَّارُ أَوْلَى بِهِ^(۲)

«کسیکه پرحرفی می کند، بیشتر به خطا و اشتباه می افتد . و کسیکه خطاء و اشتاهش زیاد شد، گناهانش افزون میگردد و کسیکه گناهانش زیاد شد آتش به او سزاوار ترست.»

حیا و شرم .

در همه امور زندگی مراعات شرم و حیا بسیار زیبنده و ارزشمند است. البته بشرطیکه داشتن شرم سبب بی شهادتی نگردد.

-عدم دخالت در مسائل زندگی و کار دیگران.

-سر به زیر بودن و نگاه نکردن به نامحرم.

-پرهیز از نعره کشیدن و داد و فریاد.

-قناعت و عدم خورده گیری از کار و گفتار دیگران.

پیامبر محبوب اسلام | می فرماید :

الْإِيمَانُ بَضْعٌ وَسَبْعُونَ أَوْ بَضْعٌ وَسِتُّونَ شُعْبَةً فَأَفْضَلُهَا قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَدْنَاهَا إِمَاطَةُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ وَالْحَيَاءُ شُعْبَةٌ مِنَ الْإِيمَانِ^(۳)

1- سنن الترمذی - (7 / 246) عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ |

2- المعجم الكبير للطبرانی - (11 / 225) عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ |

3- صحیح مسلم (1/140) باب عدد شعب الإيمان عن أبي هريرة |

«ایمان» دارای هفتاد و چند و یا شصت و چند بخش است، مهمترین گفتن آنها، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، و کمترین آنها، برداشتن اشیاء آزار دهنده از راه مردم است، یکی از بخشهای مهم «ایمان» هم «حیاء» است.

راجع به رسول خدا | نقل می کنند که. «هیچ کس را در حیاء و شرم نمی توان با او مقایسه نمود.»

بعضی از اندیشمندان راجع به «حیاء» گفته اند که: «روح و حقیقت شرم داشتن آن است که، حالتی را در انسان بوجود آورد که، ترک گناه برایش ساده گردد. و هیچگاه حاضر به قصور و خیانت در حق دیگران نشود.»

صبر و شکیبائی.

خصوصیت و خصلتی که، نسبت به دیگر خصلتها لازم است در مسلمان وجود و نمودش بیشتر باشد، صبر و بردباری است. زیرا کار برای اسلام همرا با مشکلات و ناگواری ها می باشد. شکنجه و آزار و تهمت و هتک حرمت، تمسخر و... موانعی هستند در مسیر خدمتگذاران اسلام. و وسائلی اند در دست دیگران که در راستای ایجاد تزلزل اراده، و انصراف از تلاش و مجاهدت و به هدف ممانعت از دعوت و حرکت اهل ایمان بسوی خدا صورت می گیرد.

در اینجا است که در می یابیم، مسئولیت مسلمان دارای پیام و رسالت، از مشکلترین و سنگینترین مسئولیتهاست. مسئولیت رساندن پیام دین به همه انسانها با توجه به تضادهای روانی، و فکری، و فرهنگی متفاوت، از، دانا و نادان، باسواد و بی سواد، اندیشمند و احساساتی، کندرو و تندرو و انسانهای آرام و عجول و...

همچنین لازم است، با هر انسانی به اندازه، استعداد و توانائیش سخن بگویند. واز همه مهمتر آنکه، هیچ کس را از خیر دعوتش بی بهره نکند. وسیعی نماید راه ورود به دلهایشان را دریابد و به آرامی در آن نفوذ کند .

اقدام و تلاش در این زمینه چندان ساده نیست، و نیازمند نیروی فراوان و صبر و تحملی بسیار است.

بهمین علت است که، در رهنمودهای قرآن و فرموده های رسول گرامی | به صبر و شکیبایی و آرامش بسیار سفارش شده است. به نمونه های زیر توجه فرمائید.

الف - رهنمودهای قرآن :

(وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ)^۱

« و کسی که شکیبایی ورزد و گذشت کند ، بی تردید این از

اموری است که ملازمت بر آن از واجبات است.»

(وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ)^۲

« و باید عفو کنند و درگذرند ؛ آیا دوست نمی دارید خدا شما را

بیامرزد ؟ [اگر دوست دارید ، پس شما هم دیگران را مورد عفو

و گذشت قرار دهید] ؛ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است .»

(إِنَّمَا يُؤَقِّبُ الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ)^۳

1- سوره شورا آیه 43.

2- سوره نور آیه 22.

3- سوره زمر آیه 10.

« فقط شکیبایان پاداششان را کامل و بدون حساب دریافت خواهند کرد »

ب- رهنمودهای، رسول گرامی اسلام |

« إن الرجل ليدرك بالحلُم درجة الصائم القائم »^۱

« انسان با شکیبائی، به درجات روزه داران و نماز خوانان خواهد رسید. »

أَلَا أُنَبِّئُكُمْ بِمَا يَشْرَفُ اللَّهُ بِهِ الْبَنِيَانِ وَيَرْفَعُ بِهِ الدَّرَجَاتِ أَنْ تَحْلُمَ عَنْ مَنْ جَهِلَ عَلَيْكَ ، وَتَعْفُوَ عَنْ مَنْ ظَلَمَكَ ، وَتُعْطِيَ مَنْ حَرَمَكَ ، وَتَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ.^۲

« می‌خواهید بدانید که، خداوند توانا چه چیزی را وسیله ساختن کاخ

سعادت انسان و پلکان عروج او به درجات ارزش آفرین، قرار می‌دهد؟

جمعی که در آنجا حضور داشتند، فرمودند، بسیار علاقه مندیم که بدانیم. رسول خدا فرمود. نسبت به بدیهای نادانان شکیبائی نمائی. از گناه کسی که ظلمی را نسبت به تو مرتکب گردیده گذشت کنی. با شخصی که، سرناسازگاری و قهر با شما را دارد، تفاهم داشته باشی، و از یاری و بخشش به کسی که، حاضر به هیچگونه همکاری با تو نیست، دریغ نمائی. »

رسول محبوب اهل ایمان، و پیام آور نور و سربلندی و سعادت، در یکی از گفتارهای گهربارش می‌فرماید:

« إذا جمع الله تعالى الخلائق نادى مناد : أين أهل الفضل ؟ فيقوم ناس هم

1- المعجم الأوسط للطبرانی - (14 / 33) عن علي |
2- مسند البزار - (1 / 419) عن عبادة بن الصامت | جامع الأحاديث - (6 / 17)

یسیر ، فیطلقون سراحا إلى الجنة فتلقاهم الملائكة ، فيقولون : إنا نراكم سراحا إلى الجنة ، فمن أنتم ؟ فيقولون : نحن أهل الفضل ، فيقولون : ما كان فضلکم ؟ فيقولون : كنا إذا ظلمنا صبرنا ، وإذا أسيء إلينا غفرنا ، وإذا جهل علينا حلمنا ، فيقال لهم : ادخلوا الجنة فنعم أجر العاملين»¹

«آن موقع که خدا همه مخلوقات را گرد هم می آورد، اعلان میکنند که، بزرگواران اهل فضل بیایند- و خود شانرا بهمهم بشناسانند.» گروهی راه می افتند وپیش می آیند، وبا اشتیاق بسیار بسوی بهشت می شتابند، ملائک خود را به آنها رسانیده ودر مورد فضل وبزرگواریشان سوال می نمایند. آنها در جواب می گویند. وقتی - از طرف مسلمانی- مورد ظلم قرار می گرفتیم او را می بخشیدیم، چنانچه، مورد آزار واقع می شدیم صبر می کردیم، ملائک به آنها می گویند، بفرمائید به بهشت تشریف فرما شوید.

خوشا بحال شما اهل عمل، بخاطر آن همه پاداش ونعمتی که در انتظارتان است.»

ج- نمونه هایی از، روش عملی رسول خدا | :

در روز غزوه حنین، فردی از کیفیت تقسیم غنائم اعتراض داشت وگفت: «بخدا قسم، این تقسیم بسیار ناعادلانه بود، وهدف از آن رضایت خدا نبود.»

موضوع اعتراض آن شخص را برای رسول خدا | نقل نمودند، ایشان فرمودند:

1- شعب الإيمان للبيهقي - (17 / 124) عن عبدالله بن عمر بن عاص
| و في الحديث ضعف

رَحِمَ اللَّهُ مُوسَى قَدْ أُؤْذِيَ بِأَكْثَرِ مِنْ هَذَا فَصَبَرَ^۱

«رحمت خدا بر حضرت موسی، که خیلی بیشتر از اینها آزارش دادند اما او تحمل کرد.»

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ كُنْتُ أَمْشِي مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَلَيْهِ بُرْدٌ نَجْرَانِيٌّ غَلِيظُ الْحَاشِيَةِ فَأَذْرَكُهُ أَعْرَابِيٌّ فَجَذَبَهُ جَذْبَةً شَدِيدَةً حَتَّى نَظَرْتُ إِلَى صَفْحَةِ عَاتِقِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ أَثَرَتْ بِهِ حَاشِيَةُ الرَّدَاءِ مِنْ شِدَّةِ جَذْبَتِهِ ثُمَّ قَالَ مُرْ لِي مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي عِنْدَكَ فَأَلْتَفَتَ إِلَيْهِ فَضَحِكَ ثُمَّ أَمَرَ لَهُ بِعَطَاءٍ^۲

حضرت انس روایت می فرماید که: «روزی همراه با رسول خدا | در حالی که پتوی ضخیم وبافته شده در یمن را بر تن داشت، روان بودم که ناگهان بادیۀ نشینی از پشت به او نزدیک گردید و گوشه پتوی رسول خدا | را آنچنان کشید، که کناره آن بر گردن حضرت اثر گذاشت، و خطاب به ایشان گفت که، ای محمد، از مالی که خدا به تو داده مقداری را هم به ما بده، رسول خدا | با لبخندی بر لب به ایشان نگریستند و به همراهان فرمودند، ببینید چه می خواهد به او بدهید.»

عن أبي هريرة ، قال : كنا نقعد مع رسول الله صلى الله عليه وسلم بالغدوات في المسجد ، فإذا قام إلى بيته لم نزل قياما حتى يدخل بيته ، فقام يوما ، فلما بلغ وسط المسجد ، أدرکه أعرابي فقال : يا محمد ، احملني على بعيرين ، فإنك لا تحملني من مالك ولا من مال أبيك وجبذ بردائه حين أدرکه ،

1 - صحيح البخاری - (13 / 230) باب غزوه الطائف في الشوال ،

عن عبدالله بن مسعود |

2 - صحيح البخاری - (10 / 402) باب التبسم و الضحك

فاحمرت رقبته ، فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم : « لا ، وأستغفر الله ، لا أحملك حتى تقيدني » قالها ثلاث مرات ، ثم دعا رجلا فقال له : « احمله على بعيرين : على بعير شعير ، وعلى بعير قمر »¹

حضرت ابوهريره (رض) روایت می فرماید که :بادیه نشینی به رسول خدا | گفتم ، من از تو بار دو شتر لوازم می خواهم - منتهی هم ندارد- از مال خود و پدرت که نمی دهی ! و چون به نزدیک رسول خدا رسید آن چنان ردای او را کشید ، که گردن رسول خدا | از شدت آن قرمز شد ، اما ایشان دستور فرمودند که ، بار دو شتر یکی جو ، و دیگری خرما به او بدهند .

عَنْ أَبِي أُمَامَةَ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ ، قَالَ : كَانَتْ امْرَأَةٌ تُرَافِثُ الرَّجَالَ ، وَكَانَتْ بِدِينَةٍ ، فَمَرَّتْ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَهُوَ يَأْكُلُ ثَرِيدًا عَلَى طَرِيَانٍ ، قَالَتْ : انْظُرُوا إِلَيْهِ يَجْلِسُ كَمَا يَجْلِسُ الْعَبْدُ ، وَيَأْكُلُ كَمَا يَأْكُلُ الْعَبْدُ ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ : "وَأَيُّ عَبْدٍ أَعْبَدُ مِنِّي؟" ، قَالَتْ : وَيَأْكُلُ وَلَا يُطْعِمُنِي ، قَالَ : "فَكُلِّي" ، قَالَتْ : نَاوَلْنِي يَدَكَ ، فَتَاوَلَهَا ، قَالَتْ : أَطْعِمْنِي مِمَّا فِي فِيكَ ، فَأَعْطَاهَا ، فَأَكَلَتْ ، فَعَلَبَهَا الْحَيَاءُ ، فَلَمْ تُرَافِثْ أَحَدًا حَتَّى مَاتَتْ .

طبرانی روایت می نماید که: زنی در زمان رسول خدا | عادت شوخی های دور از ادب و نزاکت داشت ، او روزی ، جایی می رفت و دید رسول خدا | بر زمین نشسته و دارد غذای ساده ای را می خورد ، تا او را دید شروع نمود به استهزاء و تمسخر و داد زد ، های مردم! بیائید و ببینید که ، محمد مثل برده ها بر خاک نشسته و دارد غذا می خورد .

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَجُلًا قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لِي قَرَابَةً أَصْلُهُمْ وَيَقْطَعُونِي

وَأَحْسَنُ إِلَيْهِمْ وَبُيُوتُونَ إِلَيَّ وَأَحْلُمُ عَنْهُمْ وَيَجْهَلُونَ عَلَيَّ فَقَالَ لَئِنْ كُنْتَ كَمَا قُلْتَ فَكَأَنَّمَا تُسْفِهُمُ الْمَلَّ وَلَا يَزَالُ مَعَكَ مِنَ اللَّهِ ظَهِيرٌ عَلَيْهِمْ مَا دُمْتَ عَلَيَّ ذَلِكَ^۱

ابوهریره باز روایت می‌نماید که: شخصی به خدمت رسول گرامی اسلام آمد و گفت، من قوم وخویشانی دارم، هر چه با آنها محبت می‌کنم و سر می‌زنم، آنها به من اعتنائی ندارند و برایم ارزشی قائل نیستند؛ پیامبر | فرمودند: در صورتیکه این حرف شما درست باشد، - آنها کار بی ارزشی را- مثل فوت کردن برگرد و خاک دارند انجام می‌دهند تا وقتی که، با آنها این گونه باشی دست یاری و محبت خدا روی سر تو خواهد بود.

یک نفر یهودی که از رسول خدا | از او قرض دار بودند، خطاب به ایشان گفت، شما طائفه «عبدمناف» به اذیت طلبکاران عادت کرده اید شما «دوپه» هستید.

حضرت عمر (رض) - که در آنجا حضور داشت- بر روی یهودی معترض شمشیر کشید، حضرت محمد | خطاب به حضرت عمر (رض) فرمود:

يَا عُمَرُ ، أَنَا وَهُوَ كُنَّا أَحْوَجَ إِلَى غَيْرِ هَذَا ، أَنْ تَأْمُرَنِي بِحُسْنِ الْأَدَاءِ ، وَتَأْمُرُهُ بِحُسْنِ التَّبَاعَةِ^۲

« بهتر آن است، مرا به پرداخت بموقع قرض، و او را به مطالبه آرام

1- صحیح مسلم - (12 / 412) باب صله الرحم و تحریم

2- المستدرک علی الصحیحین للحاکم - (15 / 211) باب ذکر اسلام

زیدبن سعنه

و مطلوب پولش، نصیحت کنی.»

نقل کرده اند که: حضرت عیسی (ع) به همراه حواریون و پیروانش، به روستاها می رفتند و مردم را بدین خدا دعوت می کردند، با آنها رفتاری بسیار خوب و پسندیده داشت، و در مقابل آنها با او بسیار بد و ناروا رفتار می نمودند، حواریون، با تعجب از سرّ این وضع از ایشان سوال نمودند، حضرت عیسی (ع) در جواب فرمودند، «هر کس از چیزی می بخشد که در جیب دارد؟!»¹

همه مواردی که بیان گردید. بر ضرورت آراسته بودن، خدمتگزاران اسلام، به صبر و گذشت تاکید دارند، بخصوص زمانی که، آزار و ایجاد مشکلات از طرف، اقوام، دوستان و هم مسیران باشد، زیرا، صبر در مقابل آزاری که از طرف آنها ایجاد می گردد، باعث بوجود آمدن، الفت و محبت شده و درد دوری و اختلاف را شفا می بخشد. و بهتر از آن، رضایت خدا را بدنبال خواهد داشت.

صداقت و درستکاری.

سخن راست و صادقانه، و پرهیز از دروغ بسیار ضروری است. مدام حقگو باشید، هر چند گفتن آن به ضرر خود شما تمام شود. و در بیان حق از سرزنش کسی در هراس نباشید و اهمیتی به سخن دیگران ندهید.

«دروغ» از صفات بسیار زشت و ناپسند بوده دروازه ای بسیاری از بدیها و لغزشها را به روی انسان می گشاید.

پرهیز و احتیاط در مورد سخنان نادرست - هر چند کم ارزش هم

باشد- روحیه ای را در انسان بوجود خواهد آورد که او را از وسوسه و تحریکات نفس و شیطان مصئون نموده و صفا و پاکی و شخصیت خویش را حفظ خواهد کرد.

گفتن دروغ، شخصیت انسان را بی ارزش کرده و دیوار بلند عزتش را فرو می ریزد . بهمین دلیل است که، اسلام دروغ گفتن را حرام نموده و آن را آفتی از آفات دور کننده انسان از رحمت خدا قلمداد کرده است.

رسول گرامی اسلام | می فرماید:

« عَلَيْكُمْ بِالصِّدْقِ فَإِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْحَنَّةِ وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَصْدُقُ وَيَتَحَرَّى الصِّدْقَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ صِدِّيقًا وَإِبْرًاكُمُ وَالْكَذِبُ فَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَكْذِبُ وَيَتَحَرَّى الْكَذِبَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذَّابًا¹ »

« همیشه به راستی پابند باشید، زیرا صداقت انسان را به سوی نیکی رهنمون می شود و نیکی هم او را به جانب بهشت می برد. کسیکه، هر چند بیشتر صادق و راستگو باشد، در نزد خداوند، از جمله صدیقین بحساب خواهد آمد. از دروغ همیشه اجتناب کنید، زیرا دروغ گفتن انسان را به سوی، فساد و تباهی می برد، فساد و تباهی هم، انسان را کشان کشان بجانب جهنم سوق می دهد. و شخص که بسیار دروغ می گوید، نزد خداوند نامش را در لیست دروغگویان ثبت می کنند.»

تواضع و فروتنی

یکی از صفات با ارزش و شایسته، تواضع است، بخصوص، تواضع با

¹ - متفق علیه .

برادران ایمانی، وبدون توجه به دارائی و ناداری و کوچک و بزرگ. پیامبر نور و هدایت | از تکبر و گردنکشی بخدا پناه می برد و می فرمود:

« لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ »^(۱)

«کسیکه، حتی یک ذره تکبر و خودخواهی در درونش وجود داشته باشد به بهشت راهش نخواهند داد»

وایشان از خداوند نقل می فرمایند:

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْكِبْرِيَاءُ رِدَائِي وَالْعَظَمَةُ إِزَارِي فَمَنْ نَازَعَنِي وَاحِدًا مِنْهُمَا قَذَفْتُهُ فِي النَّارِ^۲

«الله متعال میفرماید : کبریاء ردای من و عظمت ازار منست ، پس کسیکه درین دو با من نزاع کند او را در جهنم می اندازم.»

دوری از بدگمانی و کنجکاوی در امور مخفی دیگران.

پرهیز از سوء ظن و غیبت و تجسس در مسائل شخصی مردم، در راستای پای بندی به فرمان فرمانروای راستین، بسیار ضروری است. در این رابطه خداوند می فرماید :

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ^۳﴾

«ای اهل ایمان ! از بسیاری گمان ها [در حق مردم] بپرهیزید ؛

1 - صحیح مسلم - (1 / 249) باب تحریم الکبر و بیانه ، عن عبد الله بن مسعود |

2- سنن أبی داود - (11 / 127) باب ما جاء فی الکبر ، عن أبی هريره |

3- سوره حجرات آیه 12 .

زیرا برخی از گمان‌ها گناه است، و [در اموری که مردم پنهان ماندنش را خواهند] تفحص و پی‌جویی نکنید، و از یکدیگر غیبت ننمایید، آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ بی‌تردید [از این کار] نفرت دارید، و از خدا پروا کنید که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا كَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾^۱

«و کسانی که مردان و زنان مؤمن را [با متهم کردن] به اعمالی که انجام نداده‌اند، می‌آزارند، بی‌تردید بهتان و گناه بزرگی بر عهده گرفته‌اند.»

دوری از آن گناهان، به منظور پیروی از سفارش رسول خدا [بسیار لازم و ضروری است.

ایشان فرموده‌اند که:

يَا مَعْشَرَ مَنْ آمَنَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يَدْخُلْ الْإِيمَانُ قَلْبَهُ لَا تَتَّبِعُوا الْمُسْلِمِينَ وَلَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ فَإِنَّهُ مَنْ اتَّبَعَ عَوْرَاتِهِمْ يَتَّبِعِ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَاللَّهُ عَوْرَتُهُ يَفْضَحْهُ فِي بَيْتِهِ^۲

«با شما هستم، ای کسانی که، با زبانتان ایمان آورده‌اید، اما درونتان خالی از ایمان است. پشت سر مسلمانان بدگوئی نکنید، بدنبال افشاء اسرار آنان نباشید، مطمئن باشید کسیکه در پی کشف اسرار و آبروریزی برادران مسلمان خود می‌باشد، اگر در درون خانه‌اش هم

1- الاحزاب آیه 58.

2- سنن أبی داود - (13 / 23) باب فی الغیبه عن ابی برزه الأسلمی

باشد ، خدا او را رسوا خواهد کرد.^(۱)

سخاوت و بخشندگی.

چه زیباست که انسان، اهل بخشش- وسخاوتمندی برای مستمندان- باشد. وجان و مال خویش را دو دستی تقدیم راه خدا نماید.

با محک مصرف پول و مادیات ، بسیاری از نهانیهای درون انسان و حس پول پرستی او، روشن می شود. کم نبودند، اشخاص سر شناسی که از آزمایش مسائل مادی توفیق رفیقشان نگردیده است.

خداوند یکی از صفات مومنین باورمند به غیب را انفاق در راه خدا قلم داد می کند : (الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ)^۲

«آنان که به غیب ایمان دارند و نماز را بر پا می دارند و از آنچه به

آنان روزی داده ایم ، انفاق می کنند.»

(لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنْفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلُمُونَ)^۳

[ای پیامبر ! هدایت آنان] به سوی اخلاص در انفاق و ترک منت و آزار [بر عهده تو نیست ،] وظیفه تو ابلاغ پیام و اتمام حجت است [بلکه خداست که هر کس را بخواهد هدایت می کند .] ای

1- روایت ابوداود .

2- بقره آیه 3.

3- سوره بقره آیه .

اهل ایمان! [و هر مالی را که انفاق کنید به سود خود شماست ، و این در صورتی است که انفاق نکنید جز برای طلب خشنودی خدا . و آنچه از مال [بارزش و بی عیب] انفاق کنید ، پاداشش به طور کامل به شما داده می شود ، و مورد ستم قرار نخواهید گرفت . انسانهای، بخیل وپول پرست لازم است به این فرموده رسول خدا خوب گوش فرا دهند:

« مَا مِنْ يَوْمٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ فِيهِ إِلَّا مَلَكَانِ يَنْزِلَانِ فَيَقُولُ أَحَدُهُمَا اللَّهُمَّ أَعْطِ مُنْفِقًا خَلْفًا وَيَقُولُ الْآخَرُ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُمْسِكًا تَلَفًا¹ »

«در عمر انسانها، بامدادی را نمی یابی که در آن، دو نفر از ملائک فرو نیایند، یکی از آنها دعا می کند: پروردگارا، خدایا به سخاتمندان عوض عطا کن و دیگری می گوید: خداوندا، مال وثروت انسانهای خسیس وپول پرست را تلف کن .»

در نهایت، بسیار مطلوب وکارساز خواهد بود که، - مسلمان هدفمند ودارای رسالت وپیام- در بین مردم الگوی ارزشمندی از ارزشهای اسلامی وآداب واخلاق آن در خوراک وپوشاک، وسلام وکلام، مسافرت واقامت در محل سکونت، وبالاخره ، تمام حرکات وامورش، باشد.

1- صحیح البخاری - (5 / 270) باب قول الله تعالى و اما من اعطى ...، عن ابی هريره ا

فصل چهارم

- 1- مسئولیتهای دینی، در خانه و خانواده،
- الف- قبل از ازدواج.
- ب- بعد از ازدواج.
- ج- در تربیت فرزندان.

ضرورت پابندی بر سه وظیفه‌ی دینی در خانواده

پذیرش اسلام، در حقیقت مسئولیت بزرگی را بر عهده انسان قرار می‌دهد طوری که، در همه جوانب زندگی، احساس هدفمند نموده و خود را دارای پیام و رسالتی بداند. و در پی آن باشد که، همه امور را مطابق با آن پیام اداره و تنظیم نماید.

همانگونه که مسلمان بودن انسان، لازمه اش داشتن عقائد و عبادات و اخلاق صحیح اسلامی است، تلاش همه جانبه در راستای اسلامی کردن اجتماعی که در آن زندگی می‌کند. نیز از مسئولیتهای مهم او بحساب می‌آید.

بدون اهتمام و توجه به اطرافیان، زندگی سالم و اسلامی برای هیچکس امکان ندارد. یا حداقل کافی و کامل نیست. از جهت دیگر یکی از پیامدهای پذیرش اسلام، ایجاد انگیزه قوی، در ارتباط با دیگران، و مسئولیت و فراخواندنشان به اسلام و خیر خواهی و دفاع از آنهاست. رسول گرامی^۱ می‌فرماید:

من بات ولم یهتم للمسلمین عامة فلیس منهم^۱
«کسیکه، شب را در غفلت و بی توجهی به امور مسلمانان، به روز آورد، از جمع آنها نیست»

1- المستدرک علی الصحیحین للحاکم - (18 / 260) باب من أصبح

و الدنيا اکبر همه

از همین جا، مسئولیت تازه ای - مسئولیت، برپائی جامعه اسلامی، و رسانیدن پیام دین به همه مردم - در زندگی اهل ایمان مطرح می گردد. گام اول در این مسیر آن است که، خانه و خانواده مسلمان دعوتگر، اسلامی اداره و تربیت شوند، و پیام اسلام را قبل از رسانیدن به جامعه گسترده تر، به جمع کوچک خانواده اش برساند. زن و فرزندان و نزدیکانش را از نور دعوتش بی بهره ننماید.

این روش، درست همان روش رسول خدا | در اوائل دعوتش به اسلام می باشد. قرآن کریم خطاب به پیامبر | چنین می فرماید :

(فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذِّبِينَ ﴿٢١٢﴾
وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ﴿٢١٤﴾ وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ)^۱

» پس با خدا معبودی دیگر را مپرست ، که از عذاب شدگان خواهی شد . و خویشان نزدیکت را [از عاقبت اعمال زشت] هشدار ده ، و پر و بال [فروتنی و تواضع] خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند بگستر)

بهمین خاطر، اولین مسئولیت مسلمان پس از خود، توجه به تربیت خانواده و خویشاوندان است.

قرآن در این زمینه می فرماید:

(يٰۤأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ)^۲

1- سوره شعرا آیات 213-215.

2- سوره تحریم آیه 6.

«ای مؤمنان! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است، حفظ کنید. بر آن فرشتگانی خشن و سخت‌گیر گمارده شده‌اند که از آنچه خدا به آنان دستور داده، سرپیچی نمی‌کنند، و آنچه را به آن مأمورند، همواره انجام می‌دهند.»

مسئولیت‌های پیش از ازدواج.

برای پیروزی در زمینه ساختن خانواده ای مسلمان، اسلام رهنمودهای لازم را بیان کرده، واسباب و عواملی را که با بهره‌گیری از آنها، کار را آسانتر و رسیدن به هدف را تضمین می‌نماید، معلوم نموده است.

الف: هدف از ازدواج ادای وظیفه دینی و ایجاد خانواده ای اسلامی می‌باشد. خانواده ای که در آن، فرزندان پاک و صالحی تربیت شوند، و با بدوش کشیدن بار مسئولیت و امانت دین و هدایت الهی، وسیله استمرار و ادامه آن قرار گیرند.

(إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿۳۳﴾ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ)¹

«بی تردید خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را [به خاطر شایستگی‌های ویژه‌ای که در آنان بود] بر جهانیان برگزید. فرزندانی [را برگزید] که [از نظر پاکی، تقوا، درستی و راستی] برخی از [آنان از نسل] برخی دیگرند؛ و خدا شنوا و داناست.»

ب- پرهیز از، نگاه کردن به نامحرم، و حفظ پاکدامنی نیز، از جمله

1- سوره آل عمران آیات 33-34.

اهداف و مقاصد ازدواج می باشد، تا زمینه پرهیزگاری مخلصانه را فراهم نماید.

در این رابطه، رسول گرامی اسلام می فرماید:

ثَلَاثَةٌ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ عَوْنُهُمُ الْمُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُكَاتِبُ الَّذِي يُرِيدُ الْأَدَاءَ وَالنَّكَاحُ الَّذِي يُرِيدُ الْعِفَّافَ^(۱)

«خداوند، کمک کردن به سه نفر را بر خود لازم گردانیده است، مجاهد در راه اسلام، برده ای که با اربابش، برای آزادی خود قرار دادی را بسته است و کسی که، برای آلوده نشدن به گناه، قصد ازدواج داشته باشد.»

پیامبر بزرگوار | می فرماید:

« من تزوج فقد استكمل نصف الإيمان ، فليترك الله في النصف الباقي »^(۲)

«کسیکه ازدواج کرده و شریک زندگیش را برگزیده، نیمی از دینش را بیمه نموده، برای حفظ نیم دیگر، راه پرهیزگاری را در پیش گیرد و از خدا شرم کند.»

ج- در انتخاب همسر و شریک زندگی و رفیق همراه لازم است، به مقررات دینی و حسن انتخاب اهمیت و توجه کافی بشود.

در این رابطه، رسول خدا | می فرمایند:

« تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ وَأَنْكِحُوا الْأَكْفَاءَ وَأَنْكِحُوا إِلَيْهِمْ »^(۳)

1- سنن الترمذی - (6 / 214) باب ما جاء في المجاهد و انكاح... عن ابی هريره |

2- المعجم الأوسط للطبرانی - (16 / 438) عن انس بن مالك |

3- السنن الكبرى للبيهقي - م م - (7 / 133) باب اعتبار الأكفاء عن عايشه رضی الله عنها

برای نطفه های خود مکان نیکی انتخاب کنید و با همسران کفو خود ازدواج کنید و دختران خود را به هم کفو شان به نکاح دهید»
 د- در انتخاب شریک زندگی، اولویت به کسانی است که، مومن و پایبند به مسئولیتهای دینی می باشند، و مهم نیست که در ثروت و زیبایی به پای دیگران نمی رسند.

حضرت محمد | فرموده اند که:

لَا تَزَوَّجُوا النِّسَاءَ لِحُسْنِهِنَّ فَعَسَىٰ حُسْنُهُنَّ أَنْ يُرْدِيَهُنَّ وَلَا تَزَوَّجُوهُنَّ لِأَمْوَالِهِنَّ فَعَسَىٰ أَمْوَالُهُنَّ أَنْ تُطْفِئَهُنَّ وَلَكِنْ تَزَوَّجُوهُنَّ عَلَى الدِّينِ وَلَأَمَّةٌ خَرَمَاءُ سَوْدَاءُ ذَاتُ دِينٍ أَفْضَلُ^(۱)

«همسر خود را تنها بخاطر زیبایی انتخاب نکنید، هیچ بعید نیست که، همان زیبایی، وسیله ای برای بدبختی و آبروریزی او بشود. وبخاطر ثروت و دارائی کسی را بهمسری نگیرید، این احتمال وجود دارد که، ثروت و دارائیش، باعث سرکشی و طغیان او بشود. ملاک شما برای انتخاب شریک زندگی فقط «ایمان والتزام» به اسلام باشد، یقیناً کنیزک سیاه چهره بینی شکافته و لب کلفت اما صاحب دین بهتر از همه است»

ه- سرپیچی از رهنمودهای خداوند را در این زمینه، نباید ساده و عادی دانست، بلکه، بی مبالاتی به آنها، مایه خشم وانتقام خداوند خواهد گردید.

رسول گرامی اسلام | می فرماید:

1 - سنن ابن ماجه - (5 / 457) باب تزویج ذوات الدین ، عن عبدالله بن عمرو |

«من تزوج امرأة لعزها لم يزد الله إلا ذلاً ، ومن تزوجها لما لها لم يزد الله إلا فقراً ، ومن تزوجها لحسبها لم يزد الله إلا دناءة ، ومن تزوج امرأة لم يتزوجها إلا ليغض بصره أو ليحصن فرجه ، أو يصل رحمه بارك الله له فيها ، وبارك لها فيه»^(۱)

«چنانچه نیت کسی در ازدواج تنها بخاطر، مقام و ثروت او باشد، بجز ذلت خیری از او نخواهد دید. و اگر صرفاً به خاطر مال و ثروتش، تن به ازدواج با او می دهد، بغیر از فقر و ناداری نصیبی نخواهد داشت. و در صورتیکه، نسب و سرشناسی خانواده اش، سبب انتخاب او بشود، دست آوردشان از آن ازدواج، چیزی بجز پستی و بی شخصیتی نمی باشد. اما اگر انتخاب همسر با هدف و قصد، پرهیز از نگاه به نامحرم، و حفظ پاکدامنی و تقویت محبت خانوادگی، باشد، هم مرد برای زن مایه خیر و برکت می گردد. و هم زن زمینه، محبت و آرامش را برای مرد فراهم خواهد آورد.»

مسئولیت پس از، ازدواج.

انتخاب خوب و شایسته همسر، به این معنی نیست، که مسئولیت در ارتباط با او خاتمه پیدا کرده. بلکه، از همان لحظات شروع زندگی مشترک مسئولیت مهمتر آغاز می گردد. و در این موارد بخصوص لازم است احساس مسئولیت شود.

الف: خوش رفتاری، احترام، و برخورد سالم، باعث بوجود آمدن، محبت و اطمینان دو طرفه می گردد.
رسول گرامی | می فرمایند:

1- المعجم الأوسط للطبرانی - (5 / 388) عن انس بن مالک |

خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي^(۱)

«بهترین شما کسی است که با خانواده اش، بهترین رفتار را داشته باشد. و من هم از همه شما با خانواده ام بهتر رفتار می نمایم.»

همچنین ایشان فرموده اند:

إِنَّ مِنْ أَكْمَلِ الْمُؤْمِنِينَ إِيْمَانًا أَحْسَنَهُمْ خُلُقًا وَأَلَطْفَهُمْ بِأَهْلِهِ^(۲)

«درمیان اهل ایمان، کسی از همه ایمانش کاملتر است که، اخلاقش بهتر و با خانواده اش مهربانتر باشد.»

ب : علاقه و دوستی زن و شوهر نباید در روابط زناشویی ولذت بردن از یکدیگر خلاصه شود. بلکه، مهمتر از آن، ضرورت تحقق، همفکری و هماهنگی در اخلاق و خواسته هاست، در مطالعه، وادای عبادتها، و اداره امور خانواده، با هم همکاری و هم فکری داشته باشند. و در شبانه روز فرصتی را هم برای تفرج و شوخی سالم با همدیگر در نظر بگیرند.

در مورد انجام دادن عبادت، قرآن می فرماید:

(وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعِيقَابُ لِلتَّقْوَى)^۳

« و خانواده ات را به نماز فرمان بده و خود نیز بر آن شکیبایی ورز ؛ از تو رزقی نمی طلبیم ، ما به تو روزی می دهیم و عاقبت نیک برای پرهیزکاری است .»

1- سنن ابن ماجه - (6 / 119) باب حسن معاشره النساء عن ابن عباس

2- سنن الترمذی - (9 / 196) باب ما جاء فی استكمال الإیمان عن عایشه رضی الله عنها .

3- سوره طه آیه 123 .

(وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا)^۱
 « و همواره خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد ، و نزد پروردگارش پسندیده بود »
 در مورد ضرورت در نظر گرفتن اوقاتی برای تفریح و سرگرمی با همسر، حضرت عائشه (رض) نقل می نماید که: «با رسول خدا | مسابقه دوش ترتیب می دادیم.»
 راجع به، همکاری و همفکری در امور منزل نقل نمودند که: رسول خدا | در بسیاری از کارهای خانه، با همسرانش همکاری می نمود، از جمله، دوختن کفش، ولباس، و جارو کردن و...
 د: نهایت تلاش را باید بکار برد که، در مورد همه مواردی که گفته شده یا نشده اند، موازین مراعات شود. علاقه و محبت و همکاری زمانی مطلوب و مفید است که از، حدود شرعی آن خارج نشود.
 رسول الله | می فرمایند :
 (من أطاع امرأته، كُتِبَ الله عز وجل في النار على وجهه)^۲
 «کسی که، تسلیم، خواسته های نامشروع همسرش می شود و بخاطر او دست به هر کاری می زند، خداوند او را با سرافکنندگی به دوزخ خواهد انداخت.»

1- مریم آیه 55

2- این حدیث را علامه البانی موضوعی خوانده است. سلسله الأحادیث الضعیفة والموضوعة وأثرها السيئ في الأمة - (14 / 939) آورده السیوطی فی " ذیل الأحادیث الموضوعة " (ص 132 / 623 بترقیمي) من رواية الديلمي بسنده عن المطلب بن شعيب بن حيان الأزدي

وباز فرموده است:

لا یلقى الله سبحانه أحد بذنب أعظم من جهالة أهله^۱

«هیچ کسی با گناه بزرگتر ازین با الله (در روز قیامت) ملاقی نخواهد شد که اهل خود را جاهل بگذارد.»

و فرموده اند:

تعیس عبد الزوجة^۲

«بدبخت اند، زن ذلیلان»

مسئولیت مشترک، تربیت اولاد.

واقعیت آن است که، موفقیت ازدواج، در انتخاب همسر خوب و مناسب و همکاری و همفکری آنان در محدوده مقررات دینی بوده و این زمینه بسیار مساعدی را برای تربیت اسلامی و مطلوب فرزندان فراهم می‌کند. اما در صورتیکه، در انتخاب همسر دقت لازم صورت نگرفته، وارزشهای ایمانی مورد توجه نبوده باشد، نتایج کاملاً ناگوار و گرفتاری همه جانبه ای را برای کل اعضای خانواده در پی خواهد داشت.

هر گونه ناسازگاری و ناهماهنگی بین زن و شوهر، تاثیر مستقیم و فوری برافکار و روحیات و در نتیجه پرورش فرزندان، خواهد نهاد. و اسباب بسیاری از انحرافات و عقده ها را بوجود می آورد... بهمین

1 این حدیث اصل نداشته و در جمله موضوعات میباشد. أحادیث الإحیاء التي لا أصل لها - از علامه البانی (6 / 310)

الفوائد المجموعة (1/ 137) و تذكرة الموضوعات للفتنی - (1 / 57)

2 - اصل ندارد. رک: كشف الخفاء - (2 / 3) أحادیث الإحیاء التي لا أصل لها - (6 / 311) الفوائد المجموعة - (1 / 135) تذكرة الموضوعات للفتنی - (1 / 56)

خاطر، عامل مهم و اساسی در تربیت صحیح فرزندان، ازدواج اسلامی و انتخاب همسر مومن و ملتزم است.

از نظر دین اسلام هدف نهائی، از تربیت خانواده ای مسلمان، فراهم کردن ، زمینه و محیط مناسب برای پرورش فرزندانی خوب و نیکوکار می باشد.

قرآن می فرماید :

(وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا)^۱

و آنان که می گویند: پروردگارا! ما را از سوی همسران و فرزندانمان خوشدلی و خوشحالی بخش ، و ما را پیشوای پرهیزکاران قرار ده .

اگر در پرتو رهمود های دین ، محیط مناسبی برای رشد و پرورش کودکان فراهم گردد، آنها خوب بار خواهند آمد، اما در صورتیکه ، پدر و مادر او در بینشان اختلاف وجود داشته باشد، و دارای کجروی باشند، آنها هم همانگونه پرورش خواهند یافت.

رسول گرامی اسلام | می فرماید:

«كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ يُهَوِّدَانِهِ أَوْ يُنَصِّرَانِهِ أَوْ يُمَجِّسَانِهِ»^۲

«کودکان با فطرتی پاک قدم به جهان می گذارند، این پدر و مادر هستند که او را یهودی، و مسیحی، یا مجوسی بار می آورند.»
به همین دلایل در مورد تربیت اولاد، اسلام بسیار اهمیت می دهد.

1- سوره فرقان آیه 74.

2- صحیح البخاری - (14 / 447) باب لا تبدل لخلق الله، عن ابی

هریره |

وسفارش می نماید. که همه زمینه ها واسباب وفضای مناسب برای تحقق صحیح تربیت فرزندان باید فراهم گردد.

رسول گرامی | می فرمایند:

لَا يُؤَدَّبُ الرَّجُلُ وَلَدَهُ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَتَصَدَّقَ بِصَاعٍ ^(۱)

«اینکه مردی فرزندش را ادب دهد برایش بهتر از آنست که یک

صاع چیزی را صدقه نماید»

باز ایشان | می فرمایند:

مَا نَحَلَ وَالِدٌ وَلَدًا أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ ^(۲)

«هیچ هدیه ای از طرف پدر و مادر برای فرزندان شان ، بهتر و با

ارزشتر از تربیت و پرورش صحیح آنان نیست »

در یکی دیگر از سخنانش رسول خدا | فرموده است: «انسان بعد از

مرگ، دستش از انجام دادن «عمل صالح» کوتاه می شود، به استثنای

سه مورد- که پس از مرگ او احسانش ادامه خواهد یافت-...کاری خیر

و پسندیده... علم ودانشی که پس از او، مورد استفاده قرار گیرد....

فرزند خوب وشایسته ای، که از دعای خیر فراموشش نکند.

1- سنن الترمذی - (7 / 205) باب ما جاء فی ادب الولد ، عن جابر

بن سمره . و سنده ضعیف

2- المعجم الكبير للطبرانی - (10 / 458) عن عبدالله بن عمر |

فصل پنجم
تسلط بر خویشتن.

- 1 - گروه‌های مختلف مردم
- 2 - عوامل پیروزی در جنگ با «نفس»
- 3 - بازتابها و نمودهای، شکست در میدان مبارزه با «خویشتن» .
- 4 - عوامل بازدارنده از نفوذ و تسلط «شیطان».

ضرورت مسأله برپوشیدن

میان انسان و خواسته های درونیش، کشمکش دامنه داری، تا پیروزی یکی از آن دو بر دیگری، ادامه داشته، و یا اینکه، هیچکدام بر طرف دیگر توفیق نیابد، و تا زمان مرگ انسان این وضع ادامه خواهد داشت.

قرآن در این مورد می‌فرماید:

(وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ﴿٧﴾ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ﴿٨﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا ﴿٩﴾ وَقَدْ خَابَ مَن دَسَّاهَا ﴿١٠﴾)

« و به نفس و آنکه آن را درست و نیکو نمود، (7) پس بزه کاری و پرهیزکاری اش را به او الهام کرد. (8) بی تردید کسی که نفس را [از آلودگی پاک کرد و] رشد داد، رستگار شد. (9) و کسی که آن را [به آلودگی ها و امور بازدارنده از رشد] آبیالود [از رحمت حق] نومید شد. (10) »

رسول گرامی هم به این مطلب اشاره فرموده که:

تُعَرِّضُ الْفِتْنُ عَلَى الْقُلُوبِ كَالْحَصِيرِ غُودًا غُودًا فَأَيُّ قَلْبٍ أُشْرِبَهَا نُكْتٌ فِيهِ نُكْتَةٌ سَوْدَاءٌ وَأَيُّ قَلْبٍ أَنْكَرَهَا نُكْتٌ فِيهِ نُكْتَةٌ بَيْضَاءٌ حَتَّى تَصِيرَ عَلَى قَلْبَيْنِ عَلَى أَبْيَضٍ مِثْلَ الصَّفَا فَلَا تَضُرُّهُ فِتْنَةٌ مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَالْآخِرُ أَسْوَدُ مُرْبَادًا كَالْكُوزِ مُحْتَجِبًا لَا يَعْرِفُ مَعْرُوفًا وَلَا يُنْكِرُ مُنْكَرًا إِلَّا مَا أُشْرِبَ مِنْ هَوَاهُ ٢

1- سوره شمس آیات 7-10

2- صحیح مسلم - (1 / 349) باب بیان أن الاسلام بدأ غریبا ، عن حذیفه |

« فتنه های مانند بوریای بافته شده یکی پی دیگری بر قلوب پیش میشود، پس هر قلبی که با فتنه ها خلط شده و با آن انس گرفت در آن نکته سیاهی پیدا میشود و هر قلبی که آنرا از خود دور کرده و از قبول آن انکار کرد، نکته سفیدی در آن پیدا میشود تا آنکه یکی مانند سنگ سفید و درخشان گردیده و تا آنکه آسمان و زمین است هیچ فتنه ای به آن ضرر نمیرساند و قلب دیگری تیره و تار گردیده و مانند کوزه معکوسی میگردد که نه نیک را میشناسد و نه در برابر بدی احساس انکار میکند و در هر گناهی که مطابق هوایش باشد دست می یازد »

گروه های گوناگون مردم.

در میدان مبارزه با «نفس» انسانها به سه گروه تقسیم می شوند.
الف: گروه اول کسانی هستند که خواسته های نفسانی بر آنها چیره گردیده، زمین گیر شده، ودل به دنیا بسته اند، اینها و کسانی که دنباله روشن هستند، چون خدا را بدست فراموشی سپرده اند و در نتیجه به خود فراموشی و بی هویتی دچار گشته اند آنان کافران و حق ناپذیرانند، خداوند در قرآن این گونه حالتشان را بیان می فرماید:
(أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشْوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ)^۱

پس آیا کسی که معبودش را هوای نفسش قرار داده دیدی ؟ و خدا او را از روی علم و آگاهی خود [بر اینکه شایسته هدایت نیست] گمراه کرد ، و بر گوش و دلش مُهر [تیره بختی] نهاد ، و بر چشم

[دلش] پرده ای قرار داده است ، پس چه کسی است که بعد از خدا او را هدایت کند ؟ آیا متذکر [حقایق] نمی شوید ؟

ب: جمعی دیگر درگیر جهاد با نفس و خواسته های ناروای آن هستند. گاهی بر او پیروز می شوند و زمانی در مقابله با آن شکست خورده و به زمین می خورند، گاهی دچار نافرمانی می شوند و سپس با پناه بردن به خدا و اظهار ندامت دوباره سر راه می آیند، در مورد اینها قرآن می فرماید:

(وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ)^۱

« و آنان که چون کار زشتی مرتکب شوند یا بر خود ستم ورزند ، خدا را یاد کنند و برای گناهانشان آمرزش خواهند ؛ و چه کسی جز خدا گناهان را می آمرزد ؟ و دانسته و آگاهانه بر آنچه مرتکب شده اند ، پا فشاری نمی کنند ؛ »

رسول خدا | در مورد این گروه می فرماید:

كُلُّ بَنِي آدَمَ خَطَّاءٌ وَخَيْرُ الْخَطَّائِينَ التَّوَّابُونَ^(۲)

«همه فرزندان آدم امکان افتادن در خطا کاری را دارند ، اما بهترین خطا کاران کسانی هستند که راه توبه را در پیش می گیرند. »

در این زمینه، از «وهب بن منبه» مطلبی را نقل می کنند که، گفته است. «روزی شیطان به حضرت یحیی فرزند حضرت زکریا (ع) برخورد نمود حضرت یحیی، در مورد نوع انسانها از دیدگاه او سوال

1- سوره آل عمران آیه 135 .

2- سنن ابن ماجه - (12 / 302) باب ذکر التوبه ، عن انس بن مالک |

فرمود، شیطان گفت: گروهی همانند شما پیامبران، معصوم هستند و ما توانائی تسلط بر آنها را نداریم، گروهی دیگر، همچون تویی که در دست کودکان قرار دارد و با آن بازی می کنند، در دست ما قرار دارند و هر کاری را که بخواهیم، با آنان انجام می دهیم.

گروه سوم، که ما را بسیار اذیت می کنند واز دستشان بسیار در زحمت هستیم، کسانی اند، که بهر حيله و فریبی که شده، آنها را وادار به گناه و معصیتی می نمائیم، ولی ناگهان به توبه و استغفار پناه برده، و زحمت ما را بی نتیجه می کنند، در این میان ما سرگردان مانده ایم، نه آن است که از آنها ناامید بشویم و نه می توانیم، بر آنها تسلط پیدا نمائیم و در اختیار خودمان قرارشان دهیم.»

عوامل پیروزی در جنگ با «نفس».

1- بیداری قلب.

یکی از عوامل بسیار موثر در مقابله با «نفس»، قلب بیدار، حساس، مقاوم و نورانی است.

حضرت علی (ع) در مورد قلب می فرماید:

«در این جهان خداوند دارای ظرفی است، آن ظرف، «قلوب» انسانها است. محبوبترین آنها در نزد او، نرمترین و حساسترین- در مقابل گناه- و پاک ترین و مستحکمترین آنهاست.»

بعد توضیح می فرماید: قلبی که، نسبت به برادرانش نرمتر و پاک ترین، در «ایمان و یقین» استوارترین و در پای بندی به «مسئولیت‌های دینی» شکیباترین^۱

ایشان هم چنین می فرمایند:

«قلب اهل ایمان، همانند طاقچه سفیدی است، که چراغی در آن روشن باشد و قلب کافر، بسان غاری، تاریک و بی خاصیت است.»^(۱)

در توصیف قلوب اهل ایمان، قرآن می‌فرماید:
(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ)^۲

مؤمنان، فقط کسانی هستند که چون یاد خدا شود، دل هایشان ترسان می‌شود، و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان می‌افزاید، و بر پروردگارشان توکل می‌کنند.

از طرف دیگر، «قلب» اهل کفر را، این گونه تصویر می‌نماید:
(وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ أُذُنٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ)^۳

و مسلماً بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم [زیرا] آنان را دل‌هایی است که به وسیله آن [معارف الهی را] در نمی‌یابند، و چشمانی است که توسط آن [حقایق و نشانه‌های حق را] نمی‌بینند، و گوش‌هایی است که به وسیله آن [سخن خدا و پیامبران را] نمی‌شنوند، آنان مانند چهارپایانند بلکه گمراه‌ترند؛ اینانند که بی‌خبر و غافل [از معارف و آیات خدای] اند.

1- بروایت امام احمد و طبرانی

2- سوره انفال آیه 2.

3- سوره اعراف آیه 179.

در جایی دیگر می فرماید:

(أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ أَلَمْ يَكُنْ أَمْرٌ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَفْقَالُهَا)^۱

«آیا در قرآن نمی اندیشند [تأخلاق را بفهمند] یا بر دل هایشان قفل هایی قرار دارد؟»

2- عقل :

عامل اساسی و مهم دیگر، در راستای مبارزه با «نفس» اندیشه و عقلی است. روشن و تمیزگر، و آراسته به علوم و معرفتی که، بوسیله آنها پی به عظمت و قدرت خداوند ببرد و بیش از پیش به او نزدیکتر شود.

و آیاتی از قرآن هم به این قضیه اشاره می نماید که :

(إِنَّمَا تَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ)^۲

«از بندگان خدا فقط دانشمندان از او می ترسند؛ یقیناً خدا توانای شکست ناپذیر و بسیار آمرزنده است»

رسول خدا | در مورد اهمیت نعمت «عقل» می فرماید:
ما خلق الله خلقاً أكرم عليه من العقل^(۳)

«خدا چیزی را محترمتر و با ارزشتر از «عقل» نیافریده است.»

و ایشان، خطاب به حضرت علی | فرموده است:

إذا تقرب الناس إلى الله تعالى بأنواع البر فتقرب أنت بعقلك^۱

1- سوره محمد آیه 24.

2- سوره فاطر آیه 28.

3- إحياء علوم الدين - (2 / 219)

«اگر مردم بوسیله انواع کردارهای نیک در پی تقرب به خدا هستند، تو هم بوسیله عقل و اندیشه ات سعی کن خود را به او نزدیک نمائی.»
رسول خدا | هم چنین می‌فرماید:

« ما اکتسب المرء مثل عقل یهدی صاحبه إلی هدی ، أو یرده عن ردى »^۲
«هیچیک از نعمت‌های که برای انسان داده شده است ، به اندازه ای ، عقلی که او را در راه هدایت رهنمون شود واز بدیها بازش دارد. ارزشمند نیست.»

بهمین دلائل است که، اسلام اهمیت فراوانی به کسب علم و معرفت و آگاهی از مسوولیت‌های دینی، می‌دهد، تا عقل و اندیشه انسان، نیروی کافی برای تشخیص میان خیر و شر و حق و باطل را بدست آورد.

رسول گرامی اسلام | می‌فرماید:
مَنْ يُرِدُ اللَّهَ بِهِ خَيْرًا يُفْقَهُهُ فِي الدِّينِ^۳
«خداوند اگر نظر رحمت و خیر را بکسی داشته باشد، او را از دین آگاه می‌سازد»

و فرموده است:
فَضْلُ الْعَالَمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِي عَلَى أَذْنَاكُمْ^(۴)

4- إحياء علوم الدين - (2 / 219)

1- شعب الإيمان للبيهقي - (10 / 183) باب ما اکتسب المرء مثل عقل ، عن عمر بن الخطاب |

2- صحيح البخاری - (1 / 126) باب من یرد الله به خیرا ، عن معاویه |

3- سنن الترمذی - (9 / 299) باب ما جاء فی فضل الفقه ، عن ابی امامه الباهلی |

«برتری عالم اهل عبادت، بر ناآگاهان عبادتگذار، بسان تفاوت من - به عنوان دریافت کننده وحی - با پائینترین یاران واصحاب است. »
همه تشویق هایی که برای کسب دانش ومعرفت صورت گرفته، بخاطر نقش واهمیتی است که، علم در استحکام وآشنا گرداندن انسان به حقائق نظام آفرینش دارد.
اندیشه ایمان داران، اندیشه ای بیدار، وبابصیرت به تشخیص میان، خیر وشر، حلال وحرام، و امور بیگانه وناسازگار با ساختار خلقت او - می باشد، زیرا، او با نور خدا -قران وهدایت او - واز پشت پرده ای نازک به آنها می نگرد.

قرآنکریم می فرماید:

(وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ)¹

«اگر خدا با نور - هدایت و شریعت - خود، راه کسی را روشن ننموده باشد، نور دیگری برای او وجود نخواهد داشت»
آشکارا گناه ونافرمانی خدا، را انجام دادن، وپشیمان نشدن وتوبه نکردن از آنها، تنها چیزهایی هستند که، - همچون طوفانی سهمگین - نور عقل را خاموش می نمایند.

از رسول گرامی نقل کرده اند:

من قارف ذنبا فارقه عقل لا يعود إليه أبدا²

«کسیکه مرتکب گناهی میشود، به اندازه آن عقل از وی دور شده و هرگز بسویش بر نمیگردد »

1- سوره نور آیه 40.

2- لم يعرف له اصل، أحاديث الإحياء التي لا أصل لها - (6 / 331)
تذكرة الموضوعات للفتنى - (1 / 72)

ایشان هم چنین فرموده اند:

هَذِهِ الشَّيَاطِينُ يَحُومُونَ عَلَى أَعْيُنِ بَنِي آدَمَ أَنْ لَا يَتَفَكَّرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَرَأَوْا الْعَجَائِبَ^(۱)

«این شیاطین در برابر دیدگان فرزندان آدم موانع ایجاد کرده و آنها را مانع تفکر در ملکوت آسمانها و زمین میشوند، اگر این عمل آنها نبود فرزندان آدم عجایب قدر الهی مشاهده میکردند.»

انس ابن مالک | نقل می نماید که:

«روزی برای کاری به خدمت حضرت عثمان بن عفان | می رفتم، در مسیر راهم به زن زیبایی برخوردم، زیباییهای او توجهم را جلب و بیش از حد به او نظر کردم، وقتی، بخدمت حضرت عثمان | رسیدم ایشان فرمودند یکی از شما، در چشمش آثار ومقدمات زنا وجود دارد. مگر نمی دانید، نگاه به نامحرم زنایی است که چشم مرتکب آن می شود؟! اگر توبه نکند مطمئناً تنبیه خواهد شد. خطاب به ایشان گفتم، پس از رسول خدا | مگر قرار بوده است که وحی نازل شود؟! ایشان گفتند، نه وحی نازل نشده اما، بصیرت وعلامات وزیرکی خاصی است – که پیشگامان در ایمان و تقوی از آن بهره مندند.»

بازتابها ومظاهر، شکست در میدان مبارزه با «نفس»

چنانچه، قلب انسان را موت وسنگینی فرا گیرد ونور آن به خاموشی گراید. وعقل او، سراسیمه سر در بیابان گمراهی نهد، ودرد میدان مبارزه با کششهای نفسانی وشیطانی، طعم تلخ شکست را بچشد، همه روزنه های به روی هجوم شیاطین گشوده می گردد. و شیطان همچون جریان خون

در رگهای بدن، به زوایای وجود انسان، به دوران می افتد .
در صورتیکه، مقاومت انسان در مقابل نفس و شیطان در هم شکست، و عوامل باز دارنده در درونش نابود گشت، شیطان در تصمیماتش مداخله می کند و هم نشین او می شود.

قرآن در این مورد می فرماید :
(كَمْثَلَ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَنِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ) ^۱

[داستان منافقان که کافران از اهل کتاب را با وعده های دروغ فریفتند] چون داستان شیطان است که به انسان گفت : کافر شو . هنگامی که کافر شد ، گفت : من از تو بیزارم ، من از خدا که پروردگار جهانیان است ، می ترسم »

در جایی دیگر قرآن به این موضوع اشاره دارد که:
(قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١٦﴾ ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَنِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا يَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ) ^۲

«گفت : به سبب اینکه مرا به بیراهه و گمراهی انداختی ، یقیناً بر سر راه راست تو [که رهروانش را به سعادت ابدی می رساند] در کمین آنان خواهم نشست . سپس از پیش رو و پشت سر و از طرف راست و از جانب چپشان بر آنان می تازم و [تا جایی آنان را دچار وسوسه و اغواگری می کنم که] بیشترشان را سپاس گزار نخواهی یافت .»

1- سوره حشر آیه 16 .

2- سوره اعراف آیات 16- 17 .

از جهت دیگر، یکی از خطرناکترین گرفتاریهای، شکست خوردگان در میدان مبارزه با نفس، گرفتاری ضعف اراده و دنباله روی کورکورانه از شیطان است. آن هم در همه امور زندگی، و در نتیجه بازماندن آنها از قرار گرفتن در مسیر صحیح بندگی خدا.

رسول خدا | می‌فرماید:

إِنَّ الشَّيْطَانَ قَعْدٌ لِابْنِ آدَمَ بِأَطْرُقِهِ فَقَعَدَ لَهُ بِطَرِيقِ الْإِسْلَامِ فَقَالَ تُسَلِّمُ وَتَذُرُ دِينَكَ وَدِينَ آبَائِكَ وَآبَاءَ أَبِيكَ فَعَصَاهُ فَأَسْلَمَ ثُمَّ قَعَدَ لَهُ بِطَرِيقِ الْهَجْرَةِ فَقَالَ تُهَاجِرُ وَتَدْعُ أَرْضَكَ وَسَمَاءَكَ وَإِنَّمَا مَثَلُ الْمُهَاجِرِ كَمَثَلِ الْفَرَسِ فِي الطَّوْلِ فَعَصَاهُ فَهَاجَرَ ثُمَّ قَعَدَ لَهُ بِطَرِيقِ الْجِهَادِ فَقَالَ تُجَاهِدُ فَهُوَ جَهْدُ النَّفْسِ وَالْمَالِ فَتُقَاتِلُ فَتُقْتَلُ فَتُنْكَحُ الْمَرْأَةَ وَيُقَسِّمُ الْمَالُ فَعَصَاهُ فَجَاهَدَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ وَمَنْ قُتِلَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ وَإِنْ غَرِقَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ أَوْ وَقَصَّتْهُ دَابَّتُهُ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ¹

«هیچ راهی از راههای، بندگی خدا خالی از کمین شیطان نیست، نخست بر سر راه مسلمان شدن آنها نشسته و می‌گوید: چرا دین آباء و اجداد را ترک می‌کنی و داری مسلمان می‌شوی؟ اما او، تحت تاثیر وسوسه شیطان قرار نمی‌گیرد و مسلمان میشود.

بر سر راه هجرت او کمین کرده و سعی نمود، او را تحت تاثیر وسوسه هایش قرار دهد. به او گفت، تو داری هجرت می‌کنی، اما به فکر زمین و زندگی در این سرزمین نیستی؟ اما او تسلیم وسوسه شیطان نشد

1- سنن النسائی - (10 / 193) باب ما لمن اسلم و هاجر و جاهد ،

عن سبره بن ابی فاکه

و تصمیم به مهاجرت گرفت، و همچنین بر راه جهاد و مبارزه او دامش را گسترده و در دلش وسوسه انداخت که، مگر نمی دانی که با شرکت خود در جهاد جانت را در معرض مرگ قرار می دهی، دیگران ثروتت را صاحب می شوند، و با زنت ازدواج خواهند کرد؟

اما مسلمان مجاهد، مقاومت خود را در مقابل او از دست نداده و به جهادش ادامه داد.

پس از آن رسول گرامی اسلام فرمود: «چنانچه، کسی این گونه باشد و عمرش پایان یابد، بر خدا حق دارد که او را به بهشت ببرد.

عوامل، بازدارنده از، «تسلط شیطان».

اسلام، همگام با کمک انسان، در جهت مبارزه با دشمنیهای شیطان و دخالتهای رذیلانه ابلیسهای پیدا و پنهان - او را به بهره گیری از عواملی سرنوشت ساز در جهت پایداری در میدان مقاومت و پیروزی بر بدترین دشمنانش رهنمون شده است.

یکی از مردان صالح بصورت خلاصه آنها را بیان نموده و می فرماید: «مدت زیادی در این اندیشه بودم، که راههای نفوذ شیطان و تسلط او بر انسان را شناسائی نمایم، بالاخره به این نتیجه رسیدم که، او از ده راه وارد می شود.

1 - حرص و سیری ناپذیری. برای مقابله با آن، از اطمینان به تقسیم قبلی روزی و قناعت استفاده نمودم.

2 - عشق به زندگی و آرزوهای دور و دراز.

برای رویارویی با آن. به تذکر مرگ ناگهانی و پایان پذیری عمر توسل جستیم.

- 3 - علاقه شدید، به خوش گذرانی و رفاه طلبی.
راه مقابله با او را در: اطمینان به پایان پذیری نعمت، و حساب پس دادن در دادگاه قیامت یافتیم.
- 4 - غرور و خودبینی.
راه مقابله اش را در: سپاسگزاری از خدا، و ترس از بدعاقبتی یافتیم.
- 5 - بی ارزش نگاه کردن به مردم و کم احترامی به آنها.
روش جلوگیری از آن را در: رعایت حق و احترام و قدردانی شان دانستیم.
- 6 - «حسادت» و بدخواهی در مورد نعمت های داده شده به دیگران.
راه برخورد با آن را در: قناعت و راضی گشتن به روزی خدا تصور نمودم.
- 7 - ریاء و ستایش دیگران.
راه مبارزه با آن را در: خالص گرداندن نیت و عمل یافتیم.
- 8 - «بخل» و عدم بخشش به نیازمندان.
پادزهرش را در: اطمینان به از دست رفتن نعمتهای دنیا، و باقی ماندن خیر و حسنات دانستیم.
- 9 - خود برزگ بینی.
راه علاج را در: تواضع و فروتنی دانستیم.
1. «طمع» و چشمداشت به دست دیگران.
برای نجات از آن چاره را در: با ارزش دانستن احسان و نیکی بخاطر خدا و باقی ماندن آن و زخیره گشتنش برای قیامت و بی نیازی نسبت بمال مردم دیدم.
- از تعلیماتی که اسلام برای محفوظ ماندن انسان از هدف قرار

گرفتن تیرهای ابلیس ارائه می نماید، یاد و ذکر خدا را پیش از هر کاری فراموش نکردن است.

از عبدالله بن مسعود نقل گردیده است که:

إِنَّ شَيْطَانَ الْمُؤْمِنِ يَلْقَى شَيْطَانَ الْكَافِرِ، فَيَرَى شَيْطَانَ الْمُؤْمِنِ شَاحِبًا أَغْبَرَ مَهْزُولًا، يَقُولُ شَيْطَانُ الْكَافِرِ: مَا لَكَ؟ وَيَحْكُ، قَدْ هَلَكْتَ، يَقُولُ شَيْطَانُ الْمُؤْمِنِ: لَا وَاللَّهِ مَا أَصِلُ مَعَهُ إِلَى شَيْءٍ، إِذَا طَعِمَ ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ، وَإِذَا شَرِبَ ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ، وَإِذَا دَخَلَ بَيْتَهُ ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ، يَقُولُ الْآخَرُ: لَكِنِّي أَكُلُ مِنْ طَعَامِهِ، وَأَشْرَبُ مِنْ شَرَابِهِ، وَأَنَا مُعَلَى فِرَاشِهِ، فَهَذَا سَاحٌّ، وَهَذَا مَهْزُولٌ¹

«شیطانی که مامور کافری بود با شیطانی که مسئولیتش در ارتباط با مسلمانی بود به همدیگر رسیدند، شیطان مامور بر انسان کافر، بسیار چاق، و آراسته و سرحال، اما شیطان مامور شده بر انسان مسلمان، بسیار لاغر و مردنی و دارای سر و وضعی چرکین و نامرتب بود.

شیطان همراه انسان کافر خطاب به شیطان دیگر گفت، چرا اینقدر لاغر شده ای؟ گفت: من رفیقم مسلمان است، وقتی که می خواهد، غذا صرف نماید، نام خدا را می برد، و در نتیجه من گرسنه باقی می مانم، هرگاه می خواهد آب بیاشامد، با یاد خدا مرا تشنه نگاه می دارد. بهنگام پوشیدن لباس ذکر خدا را بر زبان دارد، و در نهایت من، عریان می مانم، شیطان هم نشین مرد کافر گفت، نه، من با کسی رفیقم که این کارها را انجام نمی دهد. و در غذا و نوشیدن و لباس.. من هم مثل او استفاده می برم»

از اسباب حفظ کننده انسان، یکی هم، پرهیز از، شکم چرانی و بسیار خوردن است، هر چند حلال هم باشد.

1- المعجم الكبير للطبرانی - (8 / 67) عن عبدالله بن مسعود

قرآن در این مورد می‌فرماید:
(وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ)¹
بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید؛ زیرا خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد.

رسول خدا | می‌فرماید:
(إن الشيطان يجري من ابن آدم مجرى الدم فضيقوا مجاريه بالجوع)^(۱)
«همچون خون، شیطان در رگهای شما می‌گردد، راههای گردش او را بوسیله گرسنگی سد نمائید.
یکی از نگاهبانان بیدارگر انسان در مقابله با نفس و شیطان، خواندن قرآن، و یاد خدا و طلب آمرزش از اوست.»

رسول گرامی | می‌فرماید:
«إن الشيطان واضع خطمه في قلب ابن آدم، فإن ذكر الله خنس وإن نسي الله التقم قلبه»^(۲)

«شیطان – همچون زالو- نوکش را بر روی قلب انسان می‌نهد، اگر او خانه قلبش با یاد خدا روشن باشد، شیطان خود را عقب خواهد کشید. و چنانچه یاد خدا را فراموش نماید، قلب او را خواهد بلعید. «
پرهیز از «عجله» مانع دیگری است در برابر نفوذ و تسلط شیطان.
حضرت محمد | فرموده است:

-
- 1- قال العراقي متفق عليه دون فضيقوا مجاريه بالجوع فإنه مدرج من بعض الصوفية كشف الخفاء - (1 / 221)
 - 2- التوبة - لابن أبي الدنيا (1 / 170) باب إن الشيطان واضع خطمه في القلب .

الْأَنَاءُ مِنَ اللَّهِ وَالْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ^۱

«عجله کاری است شیطان پسند، و آرامش عملی است خدا پسندانه»

بیش از این، فرصت، بیان اسباب، عوامل، و توصیه و سفارشهای اسلام برای، جلوگیری از نفوذ و سلطه و نیرنگهای شیطان وجود ندارد.

خداوند خیلی، زیبا و دلچسب می فرماید که:

(إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَئِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ)^۲

«پرهیزگاران ، هر گاه مورد هجوم گروههایی از شیاطین - جن وانس - قرار می گیرند بیاد خدا افتاده و بیدار و بینا می شوند.»

1- سنن الترمذی - (7 / 298) باب ما جاء فی التَّائِي ، عن سهل بن

سعد الساعدي

2- سوره اعراف آیه 201.

فصل ششم

اطمینان به اینکه، آینده از آن اسلام خواهد بود.

1 - روش و نظام زندگی اسلامی، «رنگ خدائی» دارد.

2 - روش و نظام زندگی اسلامی، «جهانی» است

3 - روش و نظام زندگی اسلامی، «انعطاف پذیر» است

4 - روش و نظام زندگی اسلامی، در برگیرنده و «همه جانبه» می باشد.

5 - شکست و ناتوانی، روشهای غیر اسلامی.

ایمان دوازده بلایم که آینده از اسلام است

«ایمان» به حقانیت اسلام، باید به حدی از یقین برسد، که آینده را متعلق به اسلام بداند، اینکه، برنامه اسلام از جانب خداست. پروردگار این توانائی را به آن داده است، که قافله سالار کاروان بشریت گردد، و همه جوانب زندگی را بصورت شایسته ای مرتب و اداره نماید. برنامه اسلام، تنها برنامه ای است که، با فطرت انسان و خواسته های جسمی و روحی او هماهنگی و سازگاری کامل دارد.

قرآن در این رابطه می فرماید :

(أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ)^۱

«مگر- می شود تصور نمود- آن کسی که پدیدآورنده مخلوقات است ناآگاه باشد، -نه، بلکه- او به جزئیات- نظام آفرینش- آگاه است و اطلاعات دقیق دارد.»

«خدائی بودن» قوانین اسلامی.

این ویژگی خاص برنامه اسلام، آن را بر همه مکاتب و قوانین دیگر برتری داده، و در هر گونه شرائط زمانی و مکانی آنرا سرچشمه خیر و سازندگی قرار داده بقاء و ماندن آن را بیمه می کند.

«جهانی بودن» برنامه اسلام.

از این نظر که، نظام زندگی اسلامی، نظامی است کاملاً سازگار با نوع سرشت بشریت، و دارای ویژگی «تحمل پذیری و گشایش»، و توان تحمل این مسئولیت را هم به همراه خود دارد. که به خوبی بتواند، همه مرزهای، جغرافیائی، نژادی، ملی، قومی و مسلکی را از میان بردارد. و در واقع این ویژگیها، همه به «خدایی بودن» برنامه اسلام برمی گردد.

برنامه ای «انعطاف پذیر»

برخورداری از این خصوصیت، اسلام را قابلیت آن بخشیده که، بر همه جوانب زندگی انسان سایه سعادتبخش خود را گسترش دهد، و برای حل همه مشکلات روزمره زندگی تازه و متنوع، راه حل مطلوب را ارائه نماید.

این ویژگی، زمینه لازم را برای تدوین و تهیه قوانین و مقرراتی که در قرآن و سنت - مورد اشاره قرار نگرفته اند، فراهم می نماید. آنهم از طریق «اجتهاد» و با بهره گیری از اصول و ارزشهایی چون «قیاس» «مصالح مرسله» و «استحسان»^۱ و...

برنامه ای: «همه جانبه»

نقطه تقابل و ویژگی جدا کننده برنامه اسلام از برنامه های حاصل اندیشه محدود انسان، «همه جانبه بودن» آن است. - همه قوانین انسانی، از دردهای غیر قابل علاجی، چون محدودیت اندیشه انسان به

1- این ها اصطلاحات اصولی هستند برای فهم بهتر آن به اصول فقه مراجعه شود .

زمان و مکان و... و تاثیر پذیری از کششهای، نژادی، منطقوی، ملی و گروهی، رنج می برند. اما برنامه اسلام، از جانب خدائی است که نقص و محدودیتی در علم و آگاهی او وجود ندارد. آگاهی به، همه امور مردم، نیازها و مصالح آنها و آنچه، سبب ضرر و گرفتاری و اموری که مایه نفع و حل مشکلاتشان می شود و همه آن چیزهایی که، زمینه سعادت آنها را فراهم می نماید و یا آنها را بسوی شقاوت و عذاب سوق می دهد. بهمین دلیل، برای تامین نیازهای انسان از نظر فردی و اجتماعی و تهیه مقررات و احکام، داخلی و خارجی تنها باید دست به دامن، برنامه اسلام گردید. قرآن در این مورد می فرماید:

(صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ صِبْغَةً ۖ وَخَنَّ لَهُ
عَبْدُونَ)^۱

«دین و قوانین اسلام، روش مورد پسند خداست، کیست که، بهتر و زیباتر از خدا راه مطلوب را به انسان ارائه نماید.»

ایرانیان به نه‌هوانی قوانین و برنامه‌های غیر خدای

آگاهی به دامنه ناتوانی و شکست‌های همه جانبه مکاتب و نظام‌های غیر خدائی اعم از، سرمایه داری، و سوسیالیسم، و دموکراسی و مارکسیسم، بخاطر، آنکه تراوش اندیشه محدود انسان عاجز- در برخورد با واقعیتها- بودند. لازم و بسیار مفید خواهد بود.

الف: در زمینه مسائل اجتماعی، مکاتب چپ و راست، نه اینکه از تأمین رفاه و آسایش، و امنیت برای انسانها کاملاً ناموفق بودند، بلکه عامل بسیاری از مصیبتها و مشکلات هم گردیدند، اساس خانواده و اجتماع را منهدم نموده، سبب فسادهای اخلاقی شده، ارزشها و فرهنگهای گرمی را نابود ساخته، و آشوب و درگیری را جایگزین آرامش و امنیت، و برج خودپرستی و خودخواهی را بر ویرانه‌های همکاری از خودگذشتگی و محبت دیگران، بنا نهادند.

ب: و در ارتباط با امور اقتصادی، نظامهای، سرمایه داری و مارکسیستی با شعارهای ایجاد بهشت موعود، و جامعه بی طبقه، به تمام معنی شکست خورده و ناتوان ماندند.

در زیر سایه آنها، پدیده‌های شوم تر، جنگ طبقاتی، ظلم اجتماعی سرمایه داری حزبی، احتکار، فقر و بیکاری لجام گسیخته، و مشاكل بسیار دیگری رشد روزافزون یافتند.؟!

ج: و در ارتباط با شرائط سیاسی، نظامهای، دموکراسی، نظامی،

جمهوری و پادشاهی، پارلمانی، مسئول مستقیم، فساد و انحراف در همه جوانب زندگی سیاسی - جوامع - می باشند.

انحصار طلبی، طائفه گری، رشوه خواری، دیکتاتوری، و در پی آنها، فتنه ها، کشتارها، کودتاهای خونین، تصفیه های انقلابی؟! و ترورهای فراوان به عنوان پدیده های عادی و روزمره جوامع غربی جلوه گر گردیدند.

د: در زمینه مسائل نظامی، همه آن مکاتب وارداتی، مسئول قصور و ناتوانی در دفاع از، مسائل اساسی مردم مسلمان تحت سلطه، همچون قضیه کشمیر، اتیوپی، اریتره، فیلیپین، فلسطین، می باشند.

آنها نه اینکه در فکر دفاع از مسلمانان تحت ستم نبوده و نیستند. - بلکه سالهاست که، آنها را وسیله معامله های سیاسی و بهره برداری قرار داده اند.

همچنین، عدم آمادگی مادی و معنوی ملت های مسلمان برای مقابله و مواجهه با استعمار غاصب اسرائیل ، حاصل کوتاهی و ناتوانی افکار و احزاب وارداتی در جوامع اسلامی است.

پیش‌دوم

معنی و وسعیت گرویدن به «حرکت جهانی اسلام»

مقدمه :

فصل : 1- زندگی را وقف خدمت به اسلام باید کرد.

فصل : 2- «ایمان» به ضرورت خدمت به اسلام و «عمل اسلامی».

فصل : 3- اهداف، ویژگیها، وامکانات ووسائل، «حرکت جهانی اسلام».

فصل : 4- ضرورت آشنائی با روشهای مختلف «عمل اسلامی».

فصل : 5- آگاهی به دامنه ومسئولیت، گرویدن «بحرکت جهانی اسلام».

فصل : 6- نیاز ضروری به فهم، محورهای «عمل اسلامی».

فصل : 7- ضرورت اطلاع از، شرائط همکاری و «بیعت».

••
مقدمه

معنی گرویدن به، «حرکت جهانی اسلام» که عنوان بخش دوم این کتاب است، در مورد مهمترین ویژگیها و صفات لازم برای گرویده گان به اسلام- تا در نتیجه مسلمان بودن آنها، صحیح و واقعی باشد- صحبت می کند.

اساس، همکاری با حرکت جهانی اسلام، بدین معناست که، در شخص همکار خصوصیات ضروری پذیرش اسلام تحقق یابد. و این قضیه حرکت جهانی اسلام را در مقابل مسئولیت، آماده سازی و پرورش اسلامی در راستای واقعیت پیدا کردن اسلام خواهی قرار می دهد، تا در نتیجه فرد، شایستگی هم مسیری با خدمتگزاران اسلام را در خود بیابد.

از این نظرکه، اساس، پذیرش مسئولیتهای دینی است، گرویدن به «حرکت جهانی اسلام» هم جزئی جدائی ناپذیر از «صداقت در قبول دین اسلام می باشد.

والله الموفق وبه نستعین مولف

فصل اول

زندگی را وقف خدمت به اسلام باید کرد.

الف- گروهی، دنیا ومادیات را هدف زندگی خود نموده اند.

ب- جمعی وامانده در بین دنیا پرستی و آخرت گرائی.

ج- کسانی که، دنیا را کشتزار آخرت می دانند.

د- چگونه، می توان در خدمت اسلام بود؟

ه- صفات خدمتگزاران به اسلام.

زندگی را مؤمنانه اسلام باید کرد.

از آنجای که گرویدن به اسلام به معنای برخوردار بودن از، عقیده سالم، عبادت نیکو و اخلاق پسندیده است و باید قوانین خدا پسندانه اسلام، در عرصه فردی و خانوادگی حضورش را حفظ نماید، از جانب دیگر باید هر مسلمان در زندگی - با همه ابعادش - کلیه تواناییها و امکانات را برای، تقویت نفوذ و فراهم کردن زمینه حاکمیت اسلام فراهم کند.

مردم را در این زمینه می‌توان به سه گروه تقسیم کرد. وجه خوب است هر کس خویشتن را محاسبه کرده و متوجه شود، که به کدامیک از آن گروهها تعلق دارد.

الف: دنیا پرستان.

ماده پرستان اعتقادی، یا کسانی که در عمل هدف زندگی خود را منحصر به مادیات نموده‌اند. آنان که، قرآن «دهری» شان نامیده است و راجع به ایشان می‌فرماید:

(وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ)^۱
و [زمانی که در دنیا بودند] گفتند: جز این زندگی دنیای ما
زندگی دیگری نیست و [پس از مرگ] برانگیخته نخواهیم شد.

1- .سوره انعام آیه 29.

(وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ)^۱

گفتند: زندگی و حیاتی جز همین زندگی و حیات دنیای ما نیست که [همواره گروهی از ما] می میریم و [گروهی] زندگی می کنیم، و ما را فقط روزگار هلاک می کند. آنان را نسبت به آنچه می گویند یقینی در کار نیست، آنان فقط حدس و گمان می زنند.

در عصر ما کمونیست ها، علمانیها^(۲)، معتقدین به «وحدت وجود» و دنباله روانشان، در واقع نسخه جدیدی از دهریه‌های قدیم بوده و باورهایشان از یک چشمه سیراب می شود.

در رابطه با سخن یکی از فلاسفه، که گفته بود: «این جهان ساخته دست هیچ خدا و انسانی نیست، از قبل بوده و هم چنان به حیات خود ادامه خواهد داد، شعله فروزانی است، که تحت تاثیر، بعضی قوانین حاکم بر جهان هستی، گاهی خاموش و دوباره روشن می شود.»
«لنین» گفته است:

«چقدر زیبا ورسا- ایشان- ارزشهای دیالکتیک را توضیح داده اند!؟»

چنانچه انسان، حیات پس از مرگ را انکار کند، زندگی که در آن راجع به اعمال و نوع زندگی او در دنیا مورد بازخواست قرار می گیرد.

1- .سوره جاثیه آیه 24.

2- «علمانی». اندیشه جداسازی دین از حکومت و واقعیت‌های مهم اجتماعی و اقتصادی و... «وجودی» کسانی که معتقدند، کل جهان هستی حقیقتی واحد است و خالق و مخلوقی در کار نیست و هر چیزی هم خالق است و هم مخلوق.

مهمترین مسئله زندگی خود را دنیا پرستی و مادیات خواهد دانست. و علم و حیات خود را وسیله ای برای دست یابی به آن نموده، نَفَسُ زنان بدنبال کششهای نفسانی حرکت کرده و در گرداب لذتهای زودگذر و پرزرق و برق غرق خواهد گردید.

ب: وامانندگان سرگردان:

همه انسانهایی که، به درد فساد و انحراف در عقیده مبتلا گردیده، وبا این تصور که بهترین کار را دارند انجام می دهند، همه توان و استعداد خویش را در بدست آوری و بهره گیری از مادیات، بکار گرفته و در حقیقت آنها را در غیر حق خود بکار برده اند، از جمله این گروه بحساب می آیند.

اینان هر چند به خدا و حیات پس از مرگ باور دارند، اما این باورشان، باوری ظاهری و شکلی و به تمام معنی با، واقعیات عملی زندگی بیگانه است.

اینان هر چند بعضی از عبادتهای رسمی و ظاهری را انجام می دهند، اما در واقع دنباله رو ماده پرستان می باشند. در مورد آنها، سخن شاعر بسیار متناسب است که:

برای ساختن و تعمیر دنیا کنند ویرانه کاخ دین و ایمان
نه دین ماند نه دنیای سرانجام فروشند گوهر ایمان به شیطان
امام شهید حسن البناء «رح»، در رساله «مردم را به چه چیز دعوت می کنیم؟»، می فرماید.

«اهداف زندگی، و سرمنزل مردم را قرآن مشخص نموده و بیان می نماید که، بعضی از مردم هدف مهم شان در زندگی، لذتهای زودگذر

و خوراک و کامجویی است.

قرآن می فرماید :

(وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى هُمْ)^۱

«کافران همواره سرگرم بهره گیری از [کالا و لذت های زودگذر]
دنیاوند و می خورند، همان گونه که چهارپایان می خورند
و جایگاهشان آتش است.»

وهم چنین قرآن بیان می نماید که: بعضی دیگر. شبانه روز در پی
بدست آوردن، اشیاء زینتی، و کالاهای گران قیمت هستند، چیزهائی
که ماندنی نیستند. می فرماید:

(زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ
وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ
وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ
حُسْبُ الْمَآبِ)^۲

« محبت و عشق به خواستنی ها [که عبارت است] از زنان
و فرزندان و اموال فراوان از طلا و نقره و اسبان نشاندار و چهارپایان
و کشت و زراعت ، برای مردم آراسته شده است ؛ اینها کالای زندگی
[زودگذر] دنیاست ؛ و بهترین و زیباترین چیزها نزد خداست.»

راجع به گروهی هم که، هدف اساسی شان در زندگی، آتش افروزی
و کمک به، گسترش شر و فساد است، قرآن می فرماید :

1- سوره محمد آیه 12 .

2- سوره آل عمران آیه 14 .

(وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ
اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ ۖ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي
الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا تُحِبُّ
الْفُسَادَ)^۱

«در میان انسانها هستند کسانی که، سخنانشان در مورد دنیا، بسیار دلرباست، و برای آنچه در دل دارند خدا را بشهادت می‌گیرند. اما در عین حال، او سرسخت‌ترین دشمنان است، اگر قدرت و حاکمیت پیدا کند سعی خواهد کرد فساد را گسترش دهد، زمین‌های کشاورزی و جان انسانها را به تباهی و هلاک بکشاند. قطعاً خداوند، فساد را دوست ندارد.»

اینها نمونه‌هایی بودند، از سر منزل و کعبه آمال بعضی از انسانها، اما خداوند، مومنین را از آلوده شدن به آن‌ها محفوظ نموده، و مسئولیت مهم و ارزشمندی را جایگزین آنها فرموده است. مسئولیت راهنمایی و دستگیری انسانها برای پیروی از حق و خیر و سلامت دنیا و سعادت آخرت و روشن کردن تاریکیهای جهل و بی‌مسئولیتی حاکم بر جهان به وسیله نور خورشید اسلام.

ج: کسانی که، دنیا را مزرعه آخرت می‌دانند.

انسانهایی که، به حقیقت زندگی دنیا پی برده، و در مقایسه با حیات جاویدان آخرت آن را بسیار کوتاه و کم ارزش می‌دانند، و متوجه هستند که، زندگانی دنیا زمینی است برای کشت و زرع، - که در روز قیامت باید بر سر خرمنش رفت و از ثمرش بهره برداری نمود، همین‌ها مومنین واقعی می‌باشند.

1- .سوره بقره آیه 204-205.

قرآن می فرماید:

﴿وَمَا الْحَيَوةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُوَ الدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَذْكُرُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾^۱

«زندگی در دنیا چیزی جز بازی و سرگرمی نیست، بهترین مکان برای پرهیزکاران خانه آخرت است، چرا عقل تانرا بکار نمی اندازید؟»
زندگی ومظاهر دنیا آنها را مشغول نکرده وفریشان نمی دهد، واز حرکت در راستای رسیدن به اهدافی که برای تحقق آنها خلق شده اند، بازشان نمی دارد.

خداوند می فرماید:

(وَمَا خَلَقْتُ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)^۲

«من جن وانسان را نیافریدم جز به خاطر اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)».

گرویدگان راستین اسلام، دنیا را میدان رقابت ومسابقه، در جهت فرمانبرداری وکسب رضای خداوند می دانند، وهمه آن چیزهایی را که در زندگی از آن برخوردارند، اعم از علم، ثروت تجارت، اندیشه، وقت و... در این راستا مورد بهره برداری قرار می دهند. برعکس ماده پرستان ودنیا طلبان، که همه چیزشان را برای رسیدن به کششها وتمایلات نفسانی وشیطانی بخدمت می گیرند.

شاهد بر این مدعا، آن است که، همه دست آوردهای تمدن امروزه، ونتایج تحقیقات دانشمندان ومخترعین، بغیر از فراهم نمودن رفاه وآسایش مادی وجسمی انسان، هدف دیگری را دنبال نمی کنند.

1- الأنعام: ۳۲.

2- سوره ذاریات آیه 56

در پدیده های مختلف مولود تمدن امروزی، کمتر به مواردی برخورد می‌نمائیم، که مستقیماً در خدمت، امنیت- فکری، اخلاقی، اجتماعی- و آرامش- سیاسی و بین‌المللی- قرار داشته باشند.

اتومبیل، هواپیما، لباسشویی، یخچال، جاروبرقی، آب میوه گیری، پنکه و کولر، لوازم آرایش وزینتی، و دیگر مایحتاج زندگی، که بیش از صدها و هزارها نوع بوده، و بوسیله کشورهای مختلف تولید می‌شوند، بلا استثنا، در خدمت رفاه و آسایش جسمی انسان قرار دارند و لاغیر؟!

- اما باید بپذیریم که- اسلام به هیچوجه با، تحقیقات علمی، اختراعات و تولید و... مخالفتی نداشته ندارند. اما نباید این موارد را از نظر دور داشت.

الف: - توجه به صنعت و اختراعات- در محدوده ای باید باشد، که، زیان و تباهی- فکری، اخلاقی- و ویرانی را برای انسان به ارمغان نیاورد.
ب: همه پدیده ها و وسائل، در خدمت، تامین، خیر و سعادت، اجتماعی انسان، قرار گیرد.

ج: به جنبه های مختلف و استفاده های گوناگون آن، رنگ شرعی داده شود و موازین دینی در بهره گیری از آنها مراعات گردد.

امام شهید حسن البنا _ رحمه الله تبارک و تعالی _، در رساله، «ما مردم را به چه چیز فرا می‌خوانیم؟» راجع به این موضوع می‌فرماید:
«شما را بخدا دوستانم، آیا مسلمانان به این حد از معرفت دینی دست یافته اند که، در اثر آن، شخصیت ارزشمند خود را باز یابند، و روح و قلبشان، لطیف و نورانی شود. از بندگی ماده، آزاد گردند و به لذات زودگذر و کوششهای کم ارزش، پشت پا زنند، و امور بی ارزش و اهداف پست، - فریبشان ندهد- و از بلندای معراج ایمان، در

سراشویی ذلت سقوط نمایند؟! به جانب پروردگاری که، پدید آورنده، آسمانها و زمین است، روی آورند، آیا حق طلبی و بازگشت به خویشتن، وزمینه حاکمیت دین خدا را فراهم نمودن، هدف اساسی زندگی خود قلمداد می کنند. و در تبلیغ دین تلاشگر و در پاسداری از حرمت آن ایثارگرند، یا اینکه اسیر دست کششهای نفسانی و خواسته های خودخواهانه شده، و همه تلاش و عمر خود را در بدست آوردن، لقمه ای لذیذ، موثر تیز رفتار و آخرین سیستم، اشیاء لوکس، آرامش زود گذر، زنی زیباروی، ظاهری فریبنده، ولقیی پوچ، بکار می گیرند؟! رسول گرامی اسلام می فرماید:

« تَعَسَّ عَبْدُ الدِّينَارِ وَالدَّرْهَمِ وَالْقُطِيفَةِ وَالْخَمِصَةِ »^(۱)

«هلاک باد بندگان دینار و درهم و بندگان قطیفه و خمیصه (نام دو نوع چادر است).»

د: چگونه، می شود در خدمت اسلام بود؟

بخاطر یکه، این امکان را بیابیم تا، همه جوانب زندگی را در مسیر اسلام جهت بدهیم، فهم و احساس مسئولیت راجع به بعضی از امور بسیار ضروری است. از جمله:

1 حرک، فلسفه زندگی:

قرآن می فرماید:

(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)¹

1- صحیح البخاری - (20 / 64) باب ما یتقی من فتنه المال ، عن ابی هریره

«من جن وانسان را نیافریدم جز به خاطراینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)»

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ^۲

و او کسی است که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید ، در حالی که تخت فرمانروایی اش بر آب [که زیربنای حیات است] قرار داشت ، تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید ؟ و اگر بگویید : [ای مردم !] شما یقیناً پس از مرگ برانگیخته می شوید ، بی تردید کافران می گویند : این سخنان جز جادویی آشکار نیست .»

2 - درک ارزش دنیا ، در مقایسه با آخرت:

قرآن می فرماید :

(يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتِلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَّعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ)^۳

ای اهل ایمان ! شما را چه عذر و بهانه ای است هنگامی که به شما گویند : برای نبرد در راه خدا باشتاب [از شهر و دیارتان] بیرون

1-سوره زاریات آیات 56- 57

2-سوره هود آیه 7.

3-سوره توبه آیه 38.

روید؛ به سستی و کاهلی می گرایید [و به دنیا و شهواتش میل می کنید؟!]. آیا به زندگی دنیا به جای آخرت دل خوش شده اید؟ کالای زندگی دنیا در برابر آخرت جز کالایی اندک نیست.

هم چنین قرآن می فرماید:
(فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَّعُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ)^۱

«پس آنچه [از کالا، وسایل و ابزار مادی] به شما داده اند، متاع [اندک و زودگذر] زندگی دنیاست، و آنچه [از بهره و پاداش] نزد خداست، برای کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان توکل می کنند، بهتر و پایدارتر است.»

نقل می نمایند که: روزی پیامبر، در محلی که، مردم اشیاء اضافی وبدون استفاده خود را در آنجا می ریختند، ایستاد، از گوش بزغاله «گر» مرده ای گرفتند خطاب به همراهانش فرمودند، آیا کسی دوست دارد به یک درهم خریدارش باشد؟! همراهان گفتند کسی به مفت حاضر نیست با این بزغاله مرده و گر چه می توان کرد، اگر زنده هم می بود لایق نگهداشت نبود. پیامبر! فرمودند بخدا سوگند دنیا در نزد الله از این هم بی ارزش تر است!^۲

1- سوره شورا آیه 36.

2- أَنْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرَّ بِالسُّوقِ دَاخِلًا مِنْ بَعْضِ الْعَالِيَةِ وَالنَّاسُ كَنَفْتُهُ فَمَرَّ بِجَدِي أَسْكًى مَيِّتٍ فَتَنَاوَلَهُ فَأَخَذَ بِأُذُنِهِ ثُمَّ قَالَ أَيْكُمْ يُحِبُّ أَنْ هَذَا لَهُ بِدَرَاهِمَ فَقَالُوا مَا نُحِبُّ أَنَّهُ لَنَا بِشَيْءٍ وَمَا نَصْنَعُ بِهِ قَالَ أَتُحِبُّونَ أَنَّهُ لَكُمْ قَالُوا وَاللَّهِ لَوْ كَانَ حَيًّا كَانَ غَنِيًّا فِيهِ لِأَنَّهُ أَسْكًى فَكَيْفَ وَهُوَ مَيِّتٌ فَقَالَ فَوَاللَّهِ لَلدُّنْيَا هَوْنٌ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَذَا

حدیث دیگری حقیقت دنیا را بهتر روشن می‌کند :
 (عَنْ الْمُسْتَوْرِدِ بْنِ شَدَّادٍ قَالَ كُنْتُ مَعَ الرِّكْبِ الَّذِينَ وَقَفُوا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى السَّخْلَةِ الْمَيْتَةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَرُونَ هَذِهِ هَائِتْ عَلَى أَهْلِهَا حِينَ أَلْقَوْهَا قَالُوا مِنْ هَوَانِهَا أَلْقَوْهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ فَالْذُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ هَذِهِ عَلَى أَهْلِهَا¹)

از مستورد فرزند شداد روایت است که گفت من همراه رسول الله | بودم و ایشان از محلی که ، گوسفند مرده ای را در آن رها کرده بودند، عبور می نمود، ایشان ایستاده و خطاب به همراهانشان فرمودند: «می بینید که این گوسفند در نظر صاحبش تا چه حد بی ارزش شده و آن را دور انداخته است. بخدا قسم، دنیا از نظر خداوند بسیار بی ارزشتر از این گوسفند است .

و می فرماید :

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْ كَانَتْ الذُّنْيَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ مَا سَقَى كَافِرًا مِنْهَا شَرْبَةَ مَاءٍ²

چنانچه دنیا در نظر خداوند به اندازه بال پشه ای ارزش می داشت، هیچ کافری را از آشامیدن یک جرعه آب بهره مند نمی کرد...»
 ایشان هم چنین فرموده اند: «آخرت دارد فرا می رسد. - اما متأسفانه - حرص و علاقه مردم به دنیا روز به روز بیشتر می گردد؛ ودوری شان از خدا پیوسته فزونی می گیرد.»
 وایشان فرموده اند که:

عَلَيْكُمْ» روایت مسلم

1- سنن الترمذی - (8 / 300) باب ما جاء في هوان الدنيا ...

2- روایت ترمذی .

« الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ »^(۱)

« برای اهل ایمان دنیا همچون زندان، و برای اهل کفر، بسان بهشت می باشد. »^۲

3 - یقین به ، حتمی بودن مرگ، و پند پذیرى از آن: .

قرآن می فرماید: (كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿٣٦﴾ وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَلِ وَالْإِكْرَامِ) ^۳

« هرچه بر زمین است فانی شونده است ؛ و تنها ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی خواهد ماند »

باز قرآن در این رابطه می فرماید:

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ^۴

هر کسی مرگ را می چشد ؛ و بدون تردید روز قیامت پاداش هایتان به طور کامل به شما داده می شود . پس هر که را از آتش دور دارند و به بهشت درآورند مسلماً کامیاب شده است ؛

3 - روایت از مسلم

1- باید گفت که منظور پیامبر | این نبوده است که مسلمان باید در دنیا به رنج باشد بلکه هدف این است که نعمت های دنیا برای مومن هرچند فراخ باشد به تناسب نعمت های که آخرت برایش در نظر گرفته شده است دنیا برای او به منزله زندان نمایان می شود .

^۳ . سوره الرحمن آیه 26- 27 .

^۴ . سوره آل عمران آیه 185 .

و زندگی این دنیا جز کالای فریبنده نیست .

از رسول گرامی اسلام نقل می نمایند که فرموده است:

أَكْثَرُوا ذِكْرَ هَازِمِ اللَّذَاتِ يَعْنِي الْمَوْتَ^(۱)

«از مرگی که همه خوشیها را از یاد می برد، و جمع ها را متفرق می

سازد، بسیار یاد آوری نمائید.»

ابوذر غفاری | می فرماید:

« قلتُ يا رسول الله ، فما كَانَتْ صَحْفُ مُوسَى ؟ قال : «كانت عبرا

كلِّها : عَجِبْتُ لِمَنْ أَتَقَنَّ بِالْمَوْتِ ، ثُمَّ يَفْرَحُ ، عَجِبْتُ لِمَنْ أَتَقَنَّ بِالنَّارِ ثُمَّ يَضْحَكُ ،

عَجِبْتُ لِمَنْ رَأَى الدُّنْيَا وَتَقَلَّبَهَا بِأَهْلِهَا ثُمَّ يَطْمئن ، عَجِبْتُ لِمَنْ أَتَقَنَّ بِالْقَدَرِ ثُمَّ

يَنْصَبُ ، عَجِبْتُ لِمَنْ أَتَقَنَّ بِالْحِسَابِ ، ثُمَّ لَا يَعْمَلُ»^(۲)

روزی از رسول گرامی | پرسیدم که، در صحیفه های حضرت موسی

«تورات» چه مطالبی موجود بود؟

ایشان در جواب فرمودند: همه اش هدایت و اندرز بود، - مثل این

نمونه ها که- «تعجب می نمایم از اظهار، خوشحالی آنهائیکه، مرگ را

حتمی می دانند! واز کسانی که، با ایمان به وجود آتش سوزنده جهنم،

مدام می خندند واز آن کسی که، به تعیین سرنوشت انسان یقین دارد،

اما ناآرامی و ناسپاسی می نماید ودر مقابل مشکلات شکیبائی خود را از

دست می دهد.وهمچنین تعجب می نمایم از انسانهاییکه، به دادگاه

ومحاکمه آخرت ایمان دارند، اما، در تلاش و عمل کوتاهی می کنند.»

حضرت ابوهریره | روایت می نماید که:

1- سنن الترمذی - (8 / 279) باب ما جاء فی ذکر الموت عن ابی

هریره |

2- صحیح ابن حبان - (2 / 72) تابع کتاب البر و الإحسان

خَرَجْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي جَنَازَةٍ، فَجَلَسَ إِلَى قَبْرِ مِنْهَا، فَقَالَ: "مَا يَأْتِي عَلَى هَذَا الْقَبْرِ مِنْ يَوْمٍ، إِلَّا وَهُوَ يُنَادِي بِصَوْتٍ طَلَقَ زَلْقِي: يَا ابْنَ آدَمَ، كَيْفَ نَسِيتِي؟ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنِّي بَيْتُ الْوَحْدَةِ، وَبَيْتُ الْغُرْبَةِ، وَبَيْتُ الْوَحْشَةِ، وَبَيْتُ الدُّودِ، وَبَيْتُ الضِّيقِ، إِلَّا مَنْ وَسَّعَنِي اللَّهُ عَلَيْهِ" (1)

همراه با رسول خدا | جنازه ای را همراهی می کردیم، -وقتی که به قبرستان رسیدیم- ایشان کنار یکی از قبرها نشسته و فرمودند: «روزی نیست که، این قبر- با زبان حال- وبا صدای رسا و گویا فریاد نکشد که، ای انسانهایکه، مرا فراموش کرده اید؟ مگر نمی دانید، من کلبه تنهایی و تنگ و تاریک و در من کرم ها کار خود را می کنند، و جای بسیار وحشتناکی هستم؟ - اما نه برای همه کس- زیرا خداوند مرا برای بعضی از بندگان نیکوکارش وسیع می گرداند!؟

4 - آگاهی یافتن به حقیقت اسلام .

آگاهی پیدا نمودن از روح و ماهیت اسلام، بوسیله کسب دانش و آگاهی فقهی و دینی، و اطلاع از احکام حلال و حرام و...قرآن می فرماید:

(وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا) ۲

«بگو، که، خداوندا، دانشم را فزونی بخش.»

پیامبر محبوب اسلام فرموده اند که:

إِنَّمَا الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ، وَالْفَقْهُ بِالْفَقْهِ، وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ (3)

1- المعجم الكبير للطبرانی - (20 / 68)

2- سوره طه آیه 114 .

3 - المعجم الكبير للطبرانی - (14 / 324) عن معاوية |

«فراگیری علم و دانش دینی، موکول به تلاش و کسب آن‌هاست، و هر کس که مورد لطف و توجه خداوند قرار بگیرد، او را با دین آشنا می‌سازد. «
و فرموده اند:

(إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُورَثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا إِنَّمَا وَرَثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَ بِهِ أَخَذَ بِحِطِّ وَافٍ^(۱))

«پیامبران بعد از خود، پول و سرمایه ای را بجا ننهاده اند، آنها، علم را از خود به جای گذاشته اند، هر کس که در پی بدست آوردنش باشد، سهم به سزایی را نصیب خود خواهد نمود»

5 - شناخت ماهیت جاهلیت و زندگی غیر

دینی:

با کسب اطلاع از، اندیشه ها و آرمانها، برنامه ریزیها، ولغزشها و عیوب جاهلیت، می توان آن را شناخت، واز خطرات و ضررهایش خود و جامعه را حفظ نمود، و برای مقابله با آن امکان بهره گیری از امکانات را بدست آورد.

رسول گرامی اسلام فرموده است:

«کسی که با زبان ملتی - و در نتیجه با فکر و فرهنگ و روشهای برخورد با آنها- آشنائی پیدا کند این امکان را خواهد یافت که- از شرشان در امان ماند.»

صفات خدمتگزاران به اسلام.

اگر قرار بر این است، که، مسلمانانه زندگی کنیم و حیات مان را

1- سنن أبی داود - (10 / 49) باب الحث فی طلب العلم عن ابی الدرداء]

وقف خدمت به اسلام بنمائیم، لازم است، در زندگی از علائم و خصوصیاتِ برخوردار باشیم که، آن را از زندگی دیگران مشخص کند. - در این راستا اهتمام به موارد زیر بسیار ضروری است.

1- پایبندی عملی به دستورات اسلام:

زیرا، «ایمان» چیزی نیست که به آرزو و امید، بدست آید، بلکه، ایمان آن است که در دل ریشه داشته باشد و عمل بر آن گواهی دهد. قرآن هر جا از ایمان صحبت می کند، عمل صالح را هم بدنبالش بیان می نماید:

(وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ)^۱

«و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، اهل بهشت اند و در آن جاودانه اند.»

همچنین قرآن می فرماید:

(أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ)^۲

آیا مردم را به نیکی فرمان می دهید و خود را [در ارتباط با نیکی] فراموش می کنید؟ در حالی که کتاب [تورات را که با شدت به نیکی دعوتتان کرده] می خوانید. آیا [به وضع زیان بار و خطرناک خود] نمی اندیشید؟»

در این رابطه باز هم قرآن می فرماید :

1- سوره بقره آیه 82.

2- سوره بقره آیه 44.

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٢﴾ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ^١

«ای مؤمنان! چرا چیزی را می‌گویید که خود عمل نمی‌کنید؟
در نزد خداوند بسیار بدوناروا و خشم برانگیز است، که چیزهایی را می‌گوئید اما خود به آنها عمل نمی‌کنید.»
امام محمد غزالی (رض) می‌فرماید:

«دو نوع انسان پشتم را شکسته اند، اول، عالمی ناپرهیز کار و بی‌تعهد، دوم: کسیکه بدون علم و معرفت، خود را اهل عرفان و طریقت می‌داند، ناآگاهان از دین و قرآن با ادعای خود سبب انحراف و سرگردانی مردم گردیده و عالم بی‌تعهد با ناپرهیزکاری خود، بهانه‌جوی و بدکاری را بدست مردم می‌دهد؟

رسول گرامی اسلام، مسلمانان را مدام سفارش می‌فرمود که:
: كُونُوا لِلْعِلْمِ رِعَاةً ، وَلَا تَكُونُوا لَهُ رُؤَاةً²

«شما پاسداران و کارگزاران علم و دانش باشید، نه اینکه، کارتان بازگو نمودن آن برای دیگران باشد.»

2 - ترجیح مصلحت دین، بر همه امور

دیگر:

حضرت محمد | می‌فرماید:

« دُورُوا مَعَ كِتَابِ اللَّهِ حَيْثُ مَا دَارَ »^(١)

3- سوره صف آیه 2-3.

1- قال الالبانی (موضوع) انظر حدیث رقم : 4282 فی ضعیف الجامع و صحیح وضعیف الجامع الصغیر - (20 / 337) و کتاب أدب الدنيا والدين - (1 / 61) آنرا در جمله اقوال ابن مسعود نقل کرده است .

«از کتاب خدا دنباله روی نمائید، وهر کجا که خواست شما را ببرد سرپیچی نکنید.»

ایشان باز در این مورد فرموده اند که:

«من أصبح لا يهتم للمسلمين فليس منهم»²

«کسیکه، به امور مسلمانان توجهی ندارد واین وضع برای او بصورت حالتی دائم درآمده، از جمع مسلمانان محسوب نمی شود.»
و فرموده است:

«شما از سنگری و مرزی از مرزهای اسلام، پاسداری می کنی، - تلاش کن - دشمنان از طرف محدوده پاسداری تو نفوذ نمایند.»
سعد بن ربیع در غزوه بدر، حدود هفتاد زخم را در اثر، تیر و شمشیر و نیزه، برداشته بود وداشت نفس های آخر را می کشید، در این حال، رو به زید بن ثابت نموده و فرمودند:

«به رسول خدا خبر بده که من دارم بوی بهشت را احساس میکنم، و به طائفه ام - مردم انصار هم - بگو که، اگر حتی یکنفر از شما زنده باشد، و رسول خدا را تنها بگذارد، در پیشگاه خداوند هیچ عذر و بهانه ای از شما پذیرفته نخواهد شد.» و پس از چند لحظه بشهادت رسید.

3 - افتخار به حق خواهی و اطمینان

مجدد ۱:

از ویژگیهای بارز اهل ایمان، افتخار نمودن به حق طلبی و اطمینان به قدرت و نصرت خداوند است.

2- المستدرک علی الصحیحین للحاکم - (6 / 260) باب ذکر مناقب

عمار بن یاسر

1- المستدرک علی الصحیحین للحاکم - (18 / 260) عن حذیفه]

﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۱

«تنها و تنها عزت و افتخار متعلق به، خدا و فرستاده او و مومنین است مگر منافقین نمیدانند.»

هم چنین می‌فرماید:

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۲

«خود را ضعیف ندانید و اندوهگین نشوید، اگر —براستی— مومن باشید، برتری از آن شماست.»

نقل می‌نمایند: مسلمانانی که، برای مصون ماندن، ایمان و دین خود، به کشور حبشه، پناه برده و مهاجرت نموده بودند، وهنگامی که آنها به نزد نجاشی رفتند، - کشیشها و راهبان، از آنها خواستند، در مقابل او سر خم نمایند و سجده ببرند! جعفر بن ابی طالب | که امیر و سخنگوی مسلمانان مهاجر بود فرمود: «ما کسانی هستیم که، برای غیر خدا سر تسلیم و تعظیم فرود نمی‌آوریم.»

در کتاب درخشان تاریخ اسلام، به صفحات زرینی از، موضعگیری‌های مردانه و شجاعت‌های وصف ناپذیری از طرف، یاران و پیروان رسول خدا | امثال، خبیب بن عدی، زید بن دثنه، ربیع بن عامر، مصعب بن عمیر، سعید بن جبیر، سعید بن مسیب و... برخورد می‌کنیم،- بزرگمردان و مجاهدانی- که، اطلاع از روش و نوع زندگی و حوادث حیات و دنباله روی از آنها، بسیار ضروری و پسندیده است.

2- سوره منافقون آیه 8.

1- سوره آل عمران آیه 139.

4 - همکاری با خدمتگزاران به اسلام:

گرویدن به اسلام، در واقع به معنای، کارگزار و خدمتگزار بودن آنست، آن هم عمل و تلاشی، هماهنگ با، جماعتی، جهت دار، و بسیار ضروری است که، در زمینه، امر به نیکی و نهی از ناروا، و پرورش فرد، و خانواده و جامعه و ایجاد حکومت اسلامی، با دیگر خدمتگزاران و عاملین اسلام، خود را هماهنگ و هم مسیر نمائیم.

خداوند حکیم می فرماید:

(قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ^۱)

«بوسیله برادرت، بازویت را قویتر خواهیم نمود»

هم چنین می فرماید:

(وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ ۖ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ^۲)

«و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید، و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید؛ و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است.»

رسول گرامی اسلام | می فرمایند:

الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا^۳

«رابطه مسلمان با مسلمانان دیگر، همچون رابطه آجرهای یک ساختمان است، که هر کدام مایه استحکام دیگری می گردد.»

1- سوره قصص آیه 35.

2- سوره مائده آیه 2.

3- متفق علیه و اللفظ لمسلم، (12 / 467) باب تراحم المسلمین و تعاطفهم، عن النعمان بن بشیر |

« فَإِنَّمَا يَأْكُلُ الذُّئْبُ مِنَ الْغَنَمِ الْقَاصِيَةَ »¹

« گرگ تنها گوسفندی را مورد هجوم قرار خواهد داد که، از گله دور شده باشد. »

در یکی دیگر از فرموده هایش رسول خدا | می فرماید: «بر تو واجب است که با «جماعت اهل ایمان» و رهبر آنان خود را هماهنگ نمائی» و فرموده است: «جماعت مایه خیر و برکت است» «جماعت مایه رحمت است و تفرقه سبب عذاب»

4- المستدرک علی الصحیحین للحاکم - (2 / 270) عن ابی الدرداء

فصل دوم

ایمان به ، ضرورت «عمل اسلامی»:

الف: ضرورت ووجوب آن ، از نظر اصولی وبنیادی.

ب: ضرورت ووجوب آن از نظر فقهی.

ج: ضرورت ووجوب آن از لحاظ خواست زمان و شرایط

د: ضرورت ووجوب آن از نظر فردی واجتماعی.

ه: هر کسی که جهاد وتلاش می نماید ، قبل از هر کس دیگری خود سود می برد.

ایمان به و درجوب خدمت به اسلام و عمل اسلام

در جهت، پرورش شخصیت دینی، بصورتی که، شایستگی نمایندگی، «ایمان و اخلاق اسلامی» را پیدا کند... و ایجاد جامعه ای که، باورها و رهنمودهای اسلام را قبول داشته و جزء برنامه خویش قرار دهد... و به منظور برپائی حکومتی، که، شریعت و راه و رسم و قوانین اسلام، را در عمل پیاده و اجرا کند، و خود را حامل دعوت و رسالت هدایتگر، در جهت برپائی و گسترش حق و عدالت در میان بشریت، بداند و فراهم نمودن سربلندی دنیا و سعادت آخرت، کار و عمل اسلامی واجب و تکلیفی شرعی است.

نه تنها عمل اسلامی عملی است واجب و ضروری، بلکه، نیازها و اسباب و شاخه های مختلف آن نیز، تا زمانی که، حکومتی اسلامی مسئولیت آن را بر دوش می گیرد، بر همه کس واجب می باشد.

مادامیکه، چنین حکومتی وجود نداشته باشد. هر گونه کوتاهی و بی توجهی از طرف مسلمانان در میزان شریعت اسلام گناه بحساب می آید و توبه و کفاره آن بغیراز، اقدام و تلاش سریع در ادای مسئولیات دینی و دعوی چیز دیگری نمی تواند باشد.

از مواردی که، بر عمل و کار دینی، تاکید جدی دارد، و آن را به صورت تکلیفی قطعی نگاه می کند، دلائل زیر می باشد:

الف: ضرورت عمل اسلامی، از نظر اصولی و بنیادی :

«کار اسلامی»، واجب بوده و مسئولیتی است که از، جانب خداوند، برای کل بشریت، و در پیشاپیش آنان، پیامبران، معین گردیده است. و تا زمانی که، انسانی بر سطح کره زمین زیست خواهد کرد، ادامه خواهد داشت.

خداوند در این رابطه می فرماید:

(وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾)

«به عصر و زمان و تاریخ سوگند، که، بجز، ایمان آوردگان، و انجام دهندگان عمل صالح، و آنانکه یکدیگر را به «حق و صبر» توصیه و سفارش می نمایند همه انسانها،- در مسیر نابودی و زینباری قرار دارند.»

هم چنین می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ ۚ)^۲

«ای پیامبر، آنچه را از پروردگارت برایت نازل گردیده، برسان، اگر چنین نکنی، پیام او را ابلاغ ننموده ای.»

باز می فرماید:

(إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَأَهْدَىٰ مِنْهُ بَعْدَ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعْنُونَ)^۳

1- .سوره عصر .

2- . سوره مائده آیه 67.

3- سوره بقره آیه 159.

«کسانی که، روشنگریها و راهنماییهای فروفرستاده شده، از جانب ما را بعد از آنکه، آنها را در قرآن برای مردم بیان نمودیم، کتمان نمایند، آنان را خدا ولعنت گران نفرین خواهند کرد.»

آثار ارزشمندی، در سنت رسول خدا | راجع به ترغیب ، دعوت به حق، و مبارزه با باطل وجود دارد.

رسول خدا | می‌فرماید:

« مَنْ رَأَى مُنْكَرًا فَلْيُنْكِرْهُ بِيَدِهِ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَلْيَسَانِهِ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ »^(۱)

«هر یک از شما که، متوجه شد گناهی انجام می‌شود. عملاً از آن جلوگیری نماید، اگر امکان این را نداشت، با سخن و موعظه، مانع شود، در صورتیکه، این کار هم برایش میسر نبود، با قلب خویش از آن نفرت داشته باشد. این پایینترین درجه از «ایمان» است، و بغير از این، ایمانی وجود نخواهد داشت.»

وایشان می‌فرمایند:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ مُرُّوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَدْعُونِي فَلَا أُجِيبُكُمْ وَتَسْأَلُونِي فَلَا أُعْطِيكُمْ وَتَسْتَصِرُّونِي فَلَا أَنْصُرُكُمْ^(۲)

«ای مردم ، خداوند بشما امر می‌فرماید، به خوبی و نیکی سفارش نمائید واز بدی و ناروا، مانع شوید، پیش از آنکه، هر چه نزد من درخواست داشته باشید، مورد توجه قرار نگیرد، و هر چه را که

1- سنن الترمذی - (8 / 79) باب ما جاء فی تغییر المنکر بالید ، عن

ابی سعید الخدری |

2- مسند أحمد - (51 / 251) عن عائشه رضی الله عنها

بخواید، بشما ندهم، واز من، طلب کمک نمائید و بهیچ وجه، شما را یاری نکنم

هم چنین می فرمایند:

إِذَا رَأَيْتَ أُمَّتِي لَا يَقُولُونَ لِلظَّالِمِ مِنْهُمْ أَنْتَ ظَالِمٌ فَقَدْ ثَوَّدَ عَنْهُمْ^(۱)

«هر زمانی، مسلمانان را دیدی که، از اینکه، به ظالمی بگویند، تو ظالم و ناحق هستی، وحشت دارند، با آنها خداحافظی کن - خیری را از آنها انتظار نداشته باش -

ب: وجوب «عمل اسلامی» از نظر شرعی:

تلاش همه جانبه دینی از نظر فقهی. واجبی است قطعی، زیرا، تعطیل کردن، حاکمیت خدا- قانون هدایت او- در جنبه های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی، وقرار داشتن، حکومتها و قوانین، در جامعه های بشری، بدست، مکتبهای، غیر خدائی، زمینه سازی برای برپا داشتن، جامعه اسلامی، و باز گرداندن دوباره، زندگی اسلامی را، بر مسلمانان واجب و ضروری می نماید. جامعه ای که در آن، تنها از خدا اطاعت و فرمانبرداری بشود، واز راه رسم اخلاقی و قوانین او، پیروی بعمل آید.

در این مورد قرآن می فرماید:

(فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا)^۲
«به پروردگارت سوگند، ایمان نمی آورند،- در ایمانشان صادق

1- مسند أحمد - (14 / 25) عن عبد الله بن عمرو بن العاص]

2- .سوره نساء، آیه 65 .

نیستند- مگر آنکه- در حل اختلافهایشان، تو را داور و قاضی قرار دهند ، ودر مورد قضاوت تو، اظهار دلتنگی و ناراحتی نکنند، و تسلیم آن شوند.»

ومی فرماید :

(وَمَا اَحْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ اُنِيبُ)^۱

«در هر موردی که اختلاف پیدا نمودید، حکم و راه حلش را از خدا بخواهید، او خدای شما و همچنین پروردگار من است، به او توکل نمودم و روی بجانب او می آورم.»

هم چنین قرآن می فرماید:

(وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ)^۲

«کسانی که به قانون فرود آمده از جانب خدا حکم نکنند، آنها کافرند.» در دو آیه دیگر که از عقب این آیه مبارکه می آیند ، کسانی که بر اساس حکم خدا فیصله نمی کنند «ظالم» و «فاسق» خوانده شده اند .

بدین خاطر که، پایه ریزی، جامعه اسلامی و حاکمیت بخشیدن به قانون و شریعت خدا، در ذات خود «واجب» است. تلاش در جهت برپایی و ایجاد آن هم بنا بر اصل شرعی « فراهم آوردن آنچه که ، واجبی به بوسیله آن تحقق میابد واجب است .^(۳)» تکلیف شرعی می باشد.

1- سوره شورا آیه 10 .

2- سوره مائده آیه 44 .

3- «ما لا يتم الواجب الا به فهو واجب. این یک قاعده اصولی است که ما را برای فراهم آوردن همه وسایلیکه میتوان با استفاده از آن

اگر نگوئیم همه ممالک اسلامی، بلکه در اکثریت، افکار و مکاتب بشری که آمیخته ای از، قوانین، ایتالیا، یونان، فرانسه... است، تسلط دارند. «سرمایه داری و سوسیالیسم» است که زمام، امور اقتصادی را بدست گرفته است، وضعیت غیر قابل قبولی که، جاهلیت جدیدی را حکمفرما نموده و تلاش دامنه دار برای فرو ریختن آنها، و احیاء دوباره زندگی اسلامی را، بر هر مسلمانی فرض عین قرار می دهد، آن هم تا زمانی که، زمام رهبری و تصمیم گیری در دست اسلام قرار گیرد.

عملی نمودن و اجرای بسیاری از مسئولیتهای دینی، موکول به، بودن امام یا خلیفه ای در میان مسلمانان است. و این هم در ذات خود، لازمه اش وجود حکومت و نظام اسلامی می باشد.

همه قوانین مربوط به، نظامهای، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مقررات مربوط به، حکومت، مجازاتها، جنگ و صلح، و پیمانها، معاملات اجتماعی و اقتصادی و.... تنها زمانی امکان اجرایشان فراهم می شود که، حکومت و رهبریتی بر اساس اسلام، وجود داشته باشد.

ج: وجوبی، زائیده ضروریات و نیازها :

برای مقابله با تهاجمات همه جانبه - فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی - و توطئه های گوناگون دشمنان اسلام، جلوگیری از، موج مادیگرایی، و ارتجاع و دین ستیزی، که، حیات و وجود اسلامی را از اساس مورد تهدید قرار می دهند، «عمل اسلامی» واجب و ضرورتی حتمی است.

واجبات دنی را تحقق می بخشد دستور میدهد طور مثال : جهاد یکی از واجبات دینی است که جز بوسیله سلاح و تجهیزات امکان پذیر نیست بنا براین فراهم آوردن سلاح و امکانات نیز واز واجبات می باشد .

نگاهی کنجکاوانه به، وضع موجود در ممالک اسلامی، نه اینکه بر ضرورت قیامی همه جانبه تاکید می‌کند، بلکه آن را واجبی شرعی قلمداد می‌نماید که، عدم اقدام و کوتاهی در مورد آن را به هیچوجه جایز، نمی‌داند.

بعضی از ممالک اسلامی، در زیر سلطه سیاه، نامسلمنان، رنج می‌برد و برای مثال می‌توان به، فلسطین، کشمیر، عراق و... اشاره نمود. بعضی دیگر هم، زیر بار حکومت‌های، حزبی، کینه توز که با بهره‌گیری از آتش و آهن، برگردن مسلمنان سوار شده‌اند، ناله می‌کنند. در ممالک دیگری از سرزمین‌های اسلامی، احزاب راست و چپ، بر مسند قدرت تکیه زده، و در مناطقی دیگر، نزاع‌های خونین و هولناک، میان چپ و راست، بر سر قدرت، سایه شومش را بر سر مردم گسترش داده است.

اضافه بر همه آنچه گفته شد، بر کلیه ممالک اسلامی، شرائط ناهنجار و هلاک کننده و ناآرامی، از نظر، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حکمفرما گردیده، بخصوص در زمینه پابندی به اخلاق و ارزش‌ها، و باورها، در وضع بسیار ناهنجاری قرار گرفته است.

اینها و موارد دیگر مجموعاً بر روی یک مسئله حساس که «ضرورت کار و تلاش دینی است، انگشت می‌گذارد، تلاش و مجاهدتی در راستای، مقابله با هجوم همه جانبه ای که اسلام را مورد هدف قرار داده است. هجومی از طرف قدرتهای استعماری، از خارج و یا از جانب مزدوران و نوکران وهم مسیران داخلی آنها.

قرآن می‌فرماید:

(وَفْتَلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ أَنْتَهُوا^ص

فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ^۱

و با آنان بجنگید تا فتنه ای [چون شرک، بت پرستی و حاکمیت کفار] بر جای نماند و دین (حاکمیت) فقط ویژه خدا باشد. پس اگر بازایستند [به جنگ با آنان پایان دهید و از آن پس] تجاوزی جز بر ضد ستمکاران جایز نیست.

د: ضرورت تلاش، فردی و گروهی :

مسئولیت تلاش دینی، از این نظر که تکلیفی است شرعی، مسئولیتی فردی هم قلمداد می شود. و همچون همه واجبات و مسئولیات شرعی دیگر، که التزام به آنها، اجر و پاداش را در پی خواهد داشت و پشت نمودن به آنها، مجازات را سبب خواهد شد. اجر و پاداش برای خدمتگزاران خواهد بود.

قرآن در این مورد می فرماید :

(كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ^۲)

«هر انسانی در گرو اعمال و کردار خویش قرار دارد.»

(وَكُلُّهُمْ ءَاتِيهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَرْدًا)^۳

«همه انسانها جداگانه، به- دادگاه و محضر خداوند خواهند آمد.»

(إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا)^۴

«اگر نیکوکاری نموده اید، خود سود برده اید، و چنانچه مرتکب

1- سوره بقره آیه 193.

2- المدثر آیه 38.

3- سوره مریم آیه 95.

4- سوره اسراء آیه 7.

بدی گردیده اید، زیانش بخود شما برمی گردد.»

(وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى)¹

«بارگناه هیچ کسی را بر دوش دیگری نخواهند انداخت.»

«کسی که در راه خدا زحمت می کشد و تلاش می نماید، سود آن

تنها بخودش برمی گردد.» العنکبوت: 6

اسلام بدین خاطر که، در عملیات ساختن و بازسازی، کاخ زندگی بر پایه های «حق و خیر» همه انسانها را مشارکت دهد. آنها را در حدود توانائی و امکانات، مکلف به کار و تلاش نموده است. چیزی که، جامعه را جامعه ای پویا و متحرک بار آورده، و هر فرد از افراد آن، در راستای سازندگی و بذل آنچه را که در اختیار دارد کوتاهی نکرده و با هم در این مشارکت به رقابت می پردازند.

از اینجاست که، درمی یابیم، «عمل اسلامی» مثل بسیاری از واجبات دیگر، برای افراد مسئولیت و تکلیفی شرعی است.

و بدین خاطر که، مشارکت در کار اسلامی، مسئولیت هر فرد مسلمانی است، در ارتباط با، کار عملی و اجرایی مسئولیتی است گروهی و جمعی، جریانات و مسائل غیر قابل مناقشه ای، بر این نظریه، تاکید دارند، برای مثال:

1 اقدام به «عمل اسلامی» دامنه دارتر و سنگینتر از آن است که افراد از عهده آن برآیند، زیرا هدف اساسی، عمل و دعوت اسلامی فرو ریختن کوخ جاهلیت، و ساختن کاخ اسلام بر فراز ویرانه های آن است. و تحقق چنین هدفی محتاج تامین امکانات و ادای مسئولیات و تلاشهای

دامنه داری است که، از توان فرد خارج است. و برای رسیدن به آن هدف، تنها از طریق حرکتی متشکل و سازمان یافته و در حد بسیار بالائی از، درک واقعیات و توانائی و تشکل و آمادگی برای هر گونه تلاش و تحمل همه گونه مشکلات، ممکن و میسر خواهد بود.

2 «سنت عملی» رسول خدا | در مقابله با جاهلیت و پایه گذاری جامعه اسلامی، و به واقعیت در آوردن نوع زندگی دینی، دلیل شرعی غیر قابل مناقشه ای، برای اثبات واجب بودن «کار جمعی» در «دعوت اسلامی» می باشد.

رسول خدا | هیچگاه در ادای مسئولیتهای عملی، روش فردی را پیش نمی گرفتند، واز ابتدای دعوت خود در جهت رسیدن به تغییر واقعیت های موجود جاهلی، در تشکل جماعتی، که افرادش را با دقت فراوان ، خود برمی گزیدند ، بسیار اهتمام می نمودند .جریانها و رویدادهای زندگی رسول خدا | در همه مراحل ودر همه زمینه ها، بیانگر این حقیقت و شاهد صادقی بر آن می باشد.

3 راهی را که کاروان «عمل و دعوت اسلامی» از آن می گذرد راهی است پوشیده از خارها و دست اندازها، واز طرف دشمنان، همه انواع موانع و کمینها قرار داده شده است، دشمنانی که، تعدادشان چندان کم نیست...این مشکلات و واقعیتها، پدیده هایی هستند که، وجود حرکتی منظم و گسترده و فراگیر در کیفیت و کمیت، را برای مقابله با شرایط و احتمالات آینده، توجیه می نمایند.

در لابلای آیات قرآن، و فرموده ها و روش عملی رسول خدا | اشارات و نشانه های روشنی در این زمینه وجود دارد که، بر هماهنگ بودن «عمل و حرکت اسلامی»، تاکید دارند.

وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ ۖ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ
وَالْعَدْوَانِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ^۱

«و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید ،
و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید ؛ و از خدا پروا کنید که خدا
سخت کیفر است.»

پنجم : من جاهد فإنما يجاهد نفسه

مهمترین مطلبی را که، خدمتگزاران ودعوتگران دین لازم است
متوجه باشند، این است که، آنها محتاج به اسلام هستند... وهمه کارها
وتلاشها وتحمل سختیها بخاطر رشد شخصیت، وپاکی وپاکدامنی خود،
وادای بعضی از مسئولیتهای خدائی، است، برای آن است که، همه آن
زحمات ومسئولیتهای را برای روزی که، چشمها اشتباه می بینند وجان
به لب می رسد پس انداز کنند.

چنانچه به میدان آمدند، وتن به مسئولیتهای در دادند، پیروز ودر
صورتیکه از میدان «عمل اسلامی» فرار کردند، ضرر آن تنها متوجه
خودشان می شود.

قرآن می فرماید :

(إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ)^۲

«تردیدى وجود ندارد که، خدا از همه جهانیان بی نیاز است»

ومی فرماید:

(هَآأَنْتُمْ هَآؤُلَآءِ تَدْعُونَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ

1-سوره مائده آیه. 2

2-سوره عنكبوت آیه. 6

مَنْ يَبْخُلْ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنِ نَفْسِهِ ۚ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ
وَأَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا
أَمْثَلَكُمْ^۱

(آگاه باشید! شما همان مردمی هستید که برای انفاق در راه خدا دعوت می‌شوید، پس برخی از شما بخل می‌ورزند، و هر که بخل پیشه کند، فقط نسبت به [سعادت و خوشبختی] خود بخیل است، و خدا [از انفاق و صدقات شما] بی‌نیاز است، و شما باید که نیازمند هستید؛ و اگر [از فرمان‌های او] روی بگردانید به جای شما گروه دیگری را می‌آورد که مانند شما [روی گردان، سست عقیده و بخیل] نخواهند بود.)

هم چنین لازم است عمیقاً درک کنند که، ارزش و اعتبارشان به اسلام بستگی دارد و بدون آن از هیچ ارزش و قیمتی برخوردار نیستند. در این صورت آنان «همچون چهارپایان و حتی گمراه‌تر از آنان» خواهند بود. و تنها در پرتو نور اسلام و هم مسیری با آن است که، کرامت و سربلندی واقعی، تحقق پیدا خواهد کرد، مشارکت و هم مسیری، ادامه دار- نه تک روی و کار فردی- زیرا- کسی که تند و تنها می‌رود، در آتش گرفتاریهای دنیا و آخرت هم تنها خواهد بود. و هر که را توفیق همراهی با کاروان رفیق گردید. به گرمی‌ترین و مبارک‌ترین، ارتباط و هم مسیری، دست یافته و سعادت همراهی قافله

1- سوره محمد آیه 38.

2- ره رو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود ره رو آن است که آهسته و پیوسته رود

هدایتگران و سعادت یافته گان را یافته است، کسانی که قرآن در موردشان می فرماید:

(وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا)¹

«و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی از پیامبران و صدیقان و شهیدان و شایستگان خواهند بود که خدا به آنان نعمت [ایمان، اخلاق و عمل صالح] داده؛ و اینان نیکو رفیقانی هستند.» لازم است، کارگزاران اسلام این مطلب را مورد توجه قرار دهند که، همراهی با کاروان دعوت، شرط استقامت و پایداری خواهد بود. رسول گرامی اسلام می فرماید:

«تنها گوسفندی طعمه گرگ خواهد گردید که، از گله دور شده باشد.» در جامعه ای که، فساد و فتنه، همچون شبهای تاریک و وحشتناک سایه شومش را گسترانده است، کسانی که با «ذکر و قرآن» در ارتباط نیستند، خواسته و یا ناخواسته، در زندگی خود تحت تاثیر ناپاکیها و ناهنجاریهای موجود قرار خواهند گرفت.

قرآن می فرماید (وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ)²

«- قرآن و دستورات دین را به آنها- یاد آوری کن، زیرا این یاد آوری برای مومنان مفید خواهد بود.» وهم چنین. کسانی هم که، در ارتباط با هم نبوده و یکدیگر را به

1- سوره نساء، آیه 69.

2- سوره ذاریات آیه 55.

پیروی از حق و شکیبائی - در تحمل مشکلات مسیر - ترغیب نمی کنند، در معرض مبتلا گشتن به دردهای جاهلی و تسلیم به واقعیت‌های موجود، قرار خواهند گرفت.

قرآن در این باره می فرماید:

(وَالْعَصْرِ ﴿١﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ ^۱

«سوگند به تاریخ و عصر، بغیر از ایمان آورده های، نیکوکار، و آنانکه یکدیگر را به- پیروی از حق و صبر- در مقابل مصائب تشویق می کنند، بقیه انسانها در معرض ضرر و تباهی قرار دارند.»

حقیقت آن است که، بغیر از زندگی در سایه درخت پر بار ایمان چاره دیگری وجود ندارد. و پیوستن به راهیان راه خداوند و زندگی و همراهی همیشگی با آنان بسیار ضروری است.

خداوند می فرماید :

(وَأَصْبِرْ نَفْسِكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا ^۲

«تلاش کن خود را عادت دهی، با کسانی باشی، که به هنگام صبح و شب،- و در آسایش و گرفتاری- بخدا پناه می برند، و هدفشان تنها جلب رضایت اوست از آنان- بخاطر آرایش های زندگی دنیا، روی گردان مشو، و کسی را که قلبش از ذکر و یاد ما غافل مانده، فرمانبرداری مکن،

1- سوره عصر آیه 1-3.

2- سوره کف آیه 28.

کسیکه، از خواسته های ناروایش دنباله روی می کند و همه امور زندگی -مادی و معنوی- دست خوش نابسامانی گردیده است.»

هم چنین لازم است، کارگزاران و عاملین در دعوت اسلامی، به این واقعیت آگاه باشند که، آنها صرفاً برای خدا دارند زحمت می کشند و در تلاش می باشند، و این راه راهی طولانی و پر از مشکلات است.

«برگرد بهشت حصار و دیواری از مشکلات کشیده شده، اما بر اطراف جهنم، لذت‌های زودگذر و فریبنده، خودنمایی می کنند.»

کسانی که؛ وزش آرام نسیم، گونه های نازکشان را اذیت می کند و حریر نرم و نازک، انگشتانشان را زخمی می نماید، مرد این میدان و ره رو این مسیر نیستند!

آنانکه، ترس از قطع لقمه ای نان در اعماق وجودشان، بسان سرطان ریشه دوانیده، جرئت و توان حرکت در این راه را ندارند.

این راهی است که، بیماران مزاجی و بردگان خواهشهای حیوانی، افراد کم تحمل و کم توان، کسانی که، قدرت تحمل حتی یک کلمه را هم ندارند -تا چه برسد به سرزنش و توبیخی- آنهائیکه، آن چنان به حرف خود اهمیت می دهند که فراموش کرده اند، که ناآگاهند و از درناآگاهی درآمده اند، و همچنین کسانی که، تسلیم شدن به «رای جمع» و صرف نظر از نظر شخصی برایشان بسیار سنگین و غیر قابل تحمل است، لیاقت و قدرت پیمودنش را ندارند.

این مسیر، مسیر پاکی و پاکدامنی، راه رحمت و برکت، و طریق صبر و ارتباط دسته جمعی، و دست و پا باز کردن از زنجیرهای مادی، و بلند پروازی، و راه راست و اخلاص، است. طبیعی است که، حرکت در چنین راهی، بغیر از ایمان آورده گانی که، کبوتر قلبشان مدام در آسمان

محبت محبوب در پرواز است، برای دیگران میسر نخواهد بود!

قرآن می فرماید:

(وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ^ج إِنَّ اللَّهَ بَلِّغُ أَمْرِهِ ^ج قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ^۱)

«کسیکه، همه امور خود را بخدا بسپارد خدا برای او کافی است، خداوند فرمان خود را عملی خواهد کرد، و هر چیزی را اندازه و حدودی بخشیده است.»

(إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ ^۲ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا)

«به یقین کسانی که با تو بیعت می کنند، جز این نیست که با خدا بیعت می کنند؛ قدرت خدا بالاتر از همه قدرتهاست. پس کسی که پیمان می شکند فقط به زیان خود می شکند، و کسی که به پیمانی که با خدا بسته است وفا کند، خدا به زودی پاداشی بزرگ به او می دهد.»

1- سوره طلاق آیه 3.

2- سوره فتح آیه 10.

فصل سوم

اهداف، ویژگی‌ها، و امکانات

«حرکت جهانی اسلامی»

الف: اهداف «حرکت جهانی اسلام».

ب: ویژگی‌های، اساسی «حرکت جهانی اسلام».

ج: ویژگی‌های عملی و حرکی «حرکت جهانی اسلام».

د: وسائل و امکانات «حرکت جهانی اسلام».

اهداف حرکت جهانی اسلام

هدف نهائی دعوت اسلامی، این است که فرد و جامعه را در مسیر فرمانبرداری خداوند قرار دهد تا اساس اجتماعی، که احکام و قوانینش را از کتاب خدا و سنت رسول او | اخذ نماید، گذاشته شود.

حرکت اسلامی، جماعتی منظم و جهانی است و دامنه آن، تا وقتی که، همه دعوتگران و خدمتگزاران اسلام را در بر گیرد ادامه خواهد یافت، و برای رسیدن به این هدف، بر دعوت و تبلیغ اسلامی خالص، و بدور از هر گونه دست کاری، سازگار با شرایط و خواسته های زمان، اعتماد و تکیه دارد، و مردم را دعوت به پیوستن به آن نموده، آنها را همآهنگ ساخته، و برای ایمان و اعتماد و تلاش همه جانبه آنها را آماده می نماید.

از لوازم این تلاش و فعالیت، مبارزه همه جانبه با، تفاله های، افکار و فلسفه بی ماهیت استعماری شرق و غرب است، آنهم تا زمانی که، «امت اسلامی» هویت اصیل خود را باز یابد.

از ابتدای تاسیس، حرکت اسلامی، پاک نمودن چهره اسلام از، غبار و تیرگیهای بدعت و خرافات، و ارائه آن، در صورت پاک و نورانی و سازگار با عظمت و بلندی آن را، جزء برنامه های اساسی خود قرار داده است.

«حرکت جهانی اسلامی» بر این باور است که، احکام و رهنمودهای اسلام همه امور و زمینه های مختلف زندگی انسان را در بر می گیرد. و معتقد است که، در طول تاریخ بشریت، اساس کاخ دین بر پایه «لا اله الا الله» و نفی فرمانروائی و فریادرسی از غیر خدا و قانون و هدایت او، استوار بوده

است، اعتقاد و رسالتی که، باوری است در درون، و عبادتی است از عبادات، و مقرراتی است برای، تنظیم واقعیات زندگی فرد و اجتماع.

«حرکت جهانی اسلام» بر این باور است که، برای بیداری و قیام مسلمین و نجات بشریت و آزاد نمودن محرومین از چنگال طاغوتها و ظالمین، و ریشه کن نمودن فتنه و جاهلیت از جامعه و حاکمیت قانون خدا بر همه جوانب زندگی، تنها «اسلام» نیروی فعال و حقیقی خواهد بود.

در مورد، پذیرش، نظام های «سرمایه داری و سوسیالیسم»، و... نظر حرکت اسلامی بر این است که، چنین باور و پذیرشی، کفر و انکار قانون پروردگار بزرگ و پدید آورنده مخلوقات بوده، و حرکتی است کورکورانه، توجیه ناپذیر، و جز به تحلیل رفت توانائیهها، و بهدر دادن زمان، چیزی دیگری را بدنبال نخواهد داشت.

قرآن در این مورد می‌فرماید:

(وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ)^۱

«هر کسی غیر از اسلام، دین دیگری را انتخاب کند، از او پذیرفته نشده و در حیات آخرت، او در جمع زیانکاران قرار خواهد داشت»
اما شهید حسن البنا اهداف حرکت اسلامی را بصورت خلاصه، بیان فرموده است:

«بصورت کوتاه، اهداف و مسئولیتهای «حرکت جهانی اسلام» عبارتند از: مقابله با موج در هم کوبنده تمدن مادی، و هدف قرار گرفتن دنیا و پیروی کورکورانه از کششهای انحرافی است، چیزی که، اساس

وماهیت و ارزشهای مردم مسلمان را هدف قرار داده، از رهبریت جامعه های بشری کنار زده و از هدایت قرآن محروم نموده است، و همچنین جهان را از «نور» پرفروغ تعالیم و رهنمودهای همه جانبه اسلام بی بهره ساخته، و پیروزیاش را صدها سال به تاخیر انداخته است.

باید گفت که تا رخت بر بستن همه جانبه استعمار از سرزمینهای اسلامی، و رهائی ملتهای مسلمان از سرطان مرگبار آن، این مبارزه ادامه خواهد داشت، قطعا بعد از دست یابی به این اهداف، باز هم دست روی دست نخواهیم گذاشت، و استعمار ظالم را در سرزمین خود، مورد تهاجم همه جانبه قرار خواهیم داد. و این مبارزه تا زمانی که، شعار توحید و نفی فرمانروائی و سلطه غیر خدائی، در سرتاسر کره زمین تحقق پیدا کند، و بشریت به حقانیت مکتب اسلام اعتراف نماید و درخت با برکت اسلام، سایه اش را بر تمامی جهان بگستراند با قاطعیت هر چه تمامتر ادامه خواهد داشت.

تنها در این صورت است که، آرزوهای مسلمانان، برآورده می گردد.
(وَقَتِّلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ آنْتَهُوا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ)^۱

«و با آنان بجنگید تا فتنه ای [چون شرک، بت پرستی و حاکمیت کفار] بر جای نماند و دین فقط ویژه خدا باشد. پس اگر بازایستند [به جنگ با آنان پایان دهید و از آن پس [تجاوز] جز بر ضد ستمکاران جایز نیست.»

الْمَغْلَبَتِ الرُّومُ ﴿۱﴾ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ

عَلَيْهِمْ سَيُغْلِبُونَ ﴿٢﴾ فِي بَضْعِ سِنِينَ ۚ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ
وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٣﴾ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ
مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٤﴾

الم (1) رومیان مغلوب شدند، (2) در نزدیک ترین سرزمین [خود
به حجاز که نواحی شام است]، و آنان پس از مغلوب شدنشان به
زودی پیروز خواهند شد، (3) [البته] در ظرف چند سال. عاقبت
و نتیجه کار پیش [از مغلوب شدن رومیان] و پس [از پیروزی
رومیان] فقط در سطره اراده و فرمان خداست، و آن روز [که رومیان
پیروز شوند] مؤمنان شادمان و خوشحال خواهند شد، (4) به سبب
نصرت و یاری خدا، [آری او] هرکس را بخواهد یاری می دهد،
و تنها او توانای شکست ناپذیر و مهربان است. (5)

بطور خلاصه. اینها اهداف ما بودند، اما در تفصیل بیشتر موضوع باید
بگوئیم که، تحقق موارد زیر نیز از جمله اهداف ما هستند.

1 نظام حکومتی در رابطه با مسائل داخلی، امری بسیار مهم
وحساس است، و باید در میان مسلمانان واقعیت پیدا کند.

قرآن می فرماید:
(وَأَنْ أَحْكَمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ
وَأَحْذَرَهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا
فَاعْلَمْ أَنَّهُ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ دُورِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ
النَّاسِ لَفَاسِقُونَ) ۲

1- سوره روم آیه 1-5.

2- سوره مائده آیه 49.

«و میان آنان بر طبق آنچه خدا نازل کرده است داوری کن، و از هواهای نفسانی آنان پیروی مکن، و از آنان برحذر باش که مبدا تو را از بخشی از آنچه خدا به سویت نازل کرده است، منحرف کنند. پس اگر [از داوری حکیمانه ات] روی گردانند، بدان که خدا می خواهد آنان را به سبب پاره ای از گناهانشان مجازات کند؛ و مسلماً بسیاری از مردم فاسق اند.»

2 نظام روابط بین المللی، در راستای تحقق، فرمان خداوند که :
وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ
وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا¹

« بهمین خاطر، شما را ملتی میانه قرار دادیم تا اسوه هایی برای مردم شوید و رسول خدا هم گواه بالای شما باشد.»

3 نظام قضائی، که از این قرآن سرچشمه گرفته باشد:
فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِي مَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا²

«ای پیامبر به پروردگار تو سوگند، ایمان نمی آورند مگر آنکه، در حل اختلافات میان خود، تو را حکم وقاضی قرار دهند، ودر قبول نتایج آن، دلخور نگردیده و با رغبت آن را پذیرا شوند.»

4 برنامه وسازماندهی دفاع نظامی، که، به مقصود این آیه قرآن،
جامه عمل بپوشاند که :

(أَنْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ)³

1- بقره آیه 143.

2- سوره نساء آیه 65.

3- سوره توبه آیه 41.

«در هر صورت ممکن، - پیاده و سواره، زن و مرد، پیر و جوان - در راه خدا قیام و اقدام کنید، و بوسیله مال و جان خود در راه خدا جهاد و تلاش نمائید.»

5 نظام اقتصادی، مستقل و خودکفا، برای بهره‌گیری هر چه بهتر از دارائیه‌ها، توسط حکومت و افراد. و بر اساس این فرموده خداوند:
(وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَمًا)^۱
«اموالی را که خدا وسیله، پایداری - و ادامه‌زندگیتان - قرار داده، در اختیار نادانان - و کسانی که در زمینه امر اقتصادی تخصص و تجربه‌ای ندارند - مگذارید.»

6 نظام فرهنگی و تعلیمی، که، بر دیو جهالت و تاریکی چیره شود و عظمت اولین آیه نازل شده از قرآن را، در عمل پیاده نماید.
(اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ)^۲
«بخوان به نام پروردگارت که [همه آفریده‌ها را] آفریده»
7 مقررات و برنامه اداره منزل و خانواده، تا زمینه، تربیت فرزندان صالح، و پدر و مادر مسئولیت‌پذیر را فراهم نماید.

قرآن می‌فرماید:
(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا)^۳
«ای گروه ایمان آورده، خود و خانواده تانرا، از آتش جهنمی که، آتشگیره آن را انسانها و سنگ تشکیل می‌دهند، دور گردانید.»
8 دستور العمل و برنامه زندگی فردی، در جهت فهم و عمل به

1- سوره نساء آیه 5.

2- سوره علق آیه 1.

3- سوره تحریم آیه 6.

مسئولیت و تحقق رستگاری مورد نظر خداوند در آیه:

(قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا)^۱

«بدرستی کسیکه خود را در جهت رشد و تعالی قرار داد رستگار

گردیده است»

9 بوجود آوردن حالت و روحیه بخصوص نوع دوستی در جامعه بر

مبنای قرآن :

(وَابْتَغِ فِيمَا ءَاتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ)^۲

«آنچه را که خدا به تو داده وسیله دست یابی - به سعادت - آخرت

قرار بده. و سهم خود را از - نعمتهای - دنیا نیز فراموش مکن، و به

همانصورت که خدا با تو نیکی فرموده، با دیگران بدرستی رفتار کن،

و هیچگاه در پی فساد انگیزی در اجتماع مباش. مسلماً خداوند فساد

کاران را دوست نمی دارد.»

10 - هدف ما در دعوت و تبلیغ، پرورش و فراهم آوردن، فرد مسلمان،

خانواده اسلامی، ملت اسلامخواه، حکومت عامل به شریعت اسلامی، و نظامی

که، همه ممالک اسلامی را رهبری نموده و تفرقه ها را تبدیل به وحدت و

شوکت گذشته را دوباره زنده کند، و سرزمینهای از دست رفته را به آنها باز

گرداند، و بدنبال آن، پرچم جهاد و دعوت بسوی خدا را بر دوش گیرد، و تا

تحقق سعادت بشریت بوسیله تعالیم اسلام، از پای ننشیند.^(۳)»

1- سوره شمس آیه 9.

2- سوره قصص آیه 77.

3- به نقل از: رساله «زیر پرچم قرآن» امام شهید حسن البنا.

ویژگی‌های بنیادی حرکت جهانی اسلام

مهمترین ویژگی‌های، حرکت جهانی اسلام، عبارتند از:

الف : خدائی بودن حرکت .

بدین معنی که، جهان بینی، قوانین و اخلاق، و فرهنگ، و اندیشه‌ها را، از دین خدا و رسالت جاویدان رسول او برگرفته است. در واقع دعوتی است از طرف خدا و بسوی او، و به خدمتگزاران و دعوتگران وابستگی ندارد.

قرآن می‌فرماید:

(قُلْ إِن صَّلَاتِي وَنُفْسِي وَحَيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)^۱

«اعلام بدار ، نماز و فرمانبرداری و زندگی و مرگم همه متعلق به خدای پرورش دهنده جهانیان و مخلوقات است.»

حرکت اسلامی، همچون، احزاب و گروه‌های موجود در این عصر، تشکیلاتی حزبی نبوده و همچنین، ابزاری در دست رهبران، برای دست یابی، به اهداف و آرزوهای شخصی، نمی‌باشد. زیرا در دعوت اسلامی اصل بر این است که، بزرگ پیش از کوچک، و رهبر قبل از افراد عادی، مجری و ملتزم به حدود و شرع خداوند باشند.

1- سوره انعام آیه 162 .

ب : خود جوش و خود کفا.

برخلاف، گروهها و تشکیلات و هیئتهای مختلف، حرکت اسلامی، حرکتی است که، ریشه در اعماق جامعه اسلامی دارد، و «وارادتی» و «الهام» شده از طرف شرق و غرب نمی باشد...

کار ما در دعوت اسلامی، فراخوانی مردم به، التزام و پیروی از دین است، زیرا دینداری از بارزترین خصوصیات «امت اسلامی» بوده، و از هم جدائی ناپذیرند و این ریشه در گذشته ای بس طولانی دارد. و مطمئناً آخر این امت جز به آنچه، سبب اصلاح مسلمانان صدر اسلام شد، اصلاح نخواهد شد.

ج : انقلابی و پشستاز:

در مفهوم عقیدتی، و قانونگذاری، و در جهان بینیش راجع به، جهان، انسان وزندگی، از همه مکاتب حاصل اندیشه انسان، در حل مشکلات حیات بشری، جلوتر و تواناتر است.

اما انقلابی بودن اسلام، بدان صورت نیست که، بعضی بر اساس تهمت و کج اندیشی تصور می نمایند که، اسلام انسان را در دریای تخیلات اخلاقی، و آداب خوب و... غرق مینماید... بلکه، در رشد و بالندگی، فهم و فرهنگ و اندیشه و اخلاق مردم نقش اساسی را داشته، و در زمینه های مختلف، علوم هدفدار و گشودن افقهای نورانی جهان بر روی انسان، او را به پیش می برد، آن هم نه فقط به خاطر، آنکه نامش در لیست، مکتبهایی که، در جنبه های مختلف علوم و فنون پیشتاز بوده اند، در صدر اول قرار گیرد، بلکه، علوم و تکنولوژی را برای معرفت هر چه بیشتر خدا، و آشنائی با قدرت و عظمت او- و وسائلی برای امنیت و سعادت انسان- مورد توجه قرار می دهد.

پیشتازی و سازگار بودن اسلام با گذر زمان، لازمه اش بهره گیری از همه دست آوردهای علمی و فنی دانشمندان، در جهت خیر و بهروزی بشریت است.

و رسول گرامی اسلام می فرمایند:

«علم و دانش را از هر کس و هر کجا که باشد فرا گیرید.»

«الْكَلِمَةُ الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ حَيْثُمَا وَجَدَهَا فَهُوَ أَحَقُّ بِهَا»^۱

«علم و دانش، گمشده مومن است، هر کجا که پیدایش نمود د- در فرا گیری آن - از دیگران شایسته تر است.»

د: فرا گیر و همه جانبه.

شمولیت و فراگیری اسلام، بدین معنا که، بصورتی نیست، بخشی از امور زندگی انسان را مورد توجه قرار دهد، و مسائل دیگر آن را بدست فراموشی بسپارد در واقع اسلامی بودن «حرکت جهانی اسلام» بمعنی عمومیت و شمولیت آن است.

بدین علت که، مسلمانان را به بازگشت به اسلام و سرچشمه های پاک قرآن و سنت رسول خدا دعوت می کند، دعوتی است، اصلاحی و اصول گرا.

و بخاطر تلاش در راستای احیاء روش و نوع زندگی رسول خدا در رابطه با فرد و اجتماع، دعوت اسلامی دعوتی است، تابع سنت پیامبر گرامی اسلام.

از این جهت که، اساس خیر را در رشد و طهارت شخصیت انسان و پاکي درون و ارتباط درستش با خدا می داند، دعوتی است «خدائی»

1- سنن ابن ماجه - (12 / 205) عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ

و به خاطر اینکه ، به وضع مسلمانان در کل جهان، اهمیت می دهد،
-و در اندیشه آزادیشان از اسارت دشمنان دین و مزدوران داخلیشان می
باشد- «حرکت اسلامی» حرکتی است «سیاسی».

هـ: درگیر نشدن با مسائل اختلافی،

«دعوت اسلامی» بر این باور است که، چون اختلاف در مسائل
فقهی و فرعی امری اجتناب ناپذیر است، مسلمانان را به گرد آمدن
و هماهنگی بر حول محور، اصول و ارزشهای اساسی اسلام فرا می خواند.
اما شهید (رض) راجع به این موضوع بصورت کوتاه می فرماید:
«هر چند، سیاست سرچشمه گرفته از اصول اسلام، جزء اصول
اندیشه ماست اما ما حزبی سیاسی نیستیم.

اگر چه اهتمام به امور خیریه و یاری مستمندان و اصلاح در بین
مسلمانان، جزء برنامه های مهم ماست، اما ما «جمعیتی خیریه» نمی
باشیم.

ما ورزش و پرورش جسم و روح را از وسائل مهم در کار خود می
دانیم، اما، واقعیت نشان می دهد که ما، گروهی ورزشی و تیمی
ورزشکار نیستیم.

ماهیچ یک از این جمعیتها و گروهها نیستیم زیرا، اهداف مقطعی،
محدود و علاقمندی به تشکیل سازمان و هیئتی خاص در راستای تامین،
اهداف شخصی و گروهی، و دست یافتن به مقام و عنوان، زمینه پیدایش
بیشتر آنها را فراهم نموده است.

-خوب، می خواهید بدانید، پس ما چه اهدافی را دنبال می کنیم-
ما دارای اندیشه و باور، و هماهنگی بر اساس برنامه ای می باشیم که،

زمان و مکان رنگ و نژاد و قبیله، و عوامل جغرافیائی، آنها را به هیچوجه، نمی‌تواند، محدود و مقید نماید. و تا زمانی که، دنیا و مخلوقات، عمرشان خاتمه پیدا کند، هیچ عاملی توان جلوگیری از پیشرفت و حرکت آن را ندارد، چون، دین و برنامه‌ای است متعلق به خدا و برگرفته شده از سنت رسول الله |

ای انسانها، خوب گوش فرا دهید، ما ابلاغ می‌نمائیم، و در این ابلاغ خود بر کسی منت نمی‌گذاریم که، اتباع و پیروان رسول گرامی خدا | بر دوش گیرندگان پرچم رسالت، و بالا برندگان و گسترش دهندگان دعوت و پیام او و پاسداران قرآن، و مایه جلب خیر و دفع شر- همچون مسلمانان صدر اسلام- برای کل بشریت می‌باشیم.

«وطولی نخواهد کشید که، خبرش را خواهید شنید.» حسن البناء

ویژگی‌های عهد و عهد

دوری از تسلط یافتن حکام و سیاستمداران :

هر چند که، در بین افراد «حرکت جهانی اسلام» طبیعی است، حکام و سیاستمدارانی وجود داشته باشند، اما، هیچگاه نفوذ و تسلط، حکام و سیاست پیشه گان را بر کار و تصمیمات خود نخواهد پذیرفت- این ویژگی در واقع، حرکت اسلامی را از بخدمت درآمدن دیگران، و وسیله قرار گرفتن در بازیهای سیاسی، محفوظ نگاه داشته، و آن را به صفات، صدق و اخلاص و تنها برای خدا بودن آراسته خواهد نمود.

مرحله بندی، و برداشتن گامها بصورت آرام و حساب شده.:

حرکت و دعوت اسلامی، به، سخت و طولانی بودن مسیر، و گستردگی و عظمت اهداف خود، بخوبی آگاهی دارد. و مرحله بندی اعمال و اهداف و گامها را حساب شده برداشتن، جماعت را در دست یابی به آرزوها و اهدافش، بیمه خواهد نمود.

امام شهید حسن البنا رحمه الله تعالى علیه، «دعوت اسلامی» را به سه مرحله تقسیم بندی فرموده است،

اول- آگاهی دادن. دوم- تشکل. سوم: عمل و اجراء و در «رساله التعالیم» ایشان در توضیح این مراحل می فرمایند:

مرحله اول: آگاهی و شناساندن دعوت «تعریف» :

در این مرحله، فکر و تصورات عمومی اسلام را، با بهره گیری از وسائل همچون، وعظ وارشاد، کتاب- نشریات، نوار و...- و سازماندهی، برنامه های مختلف- فرهنگی، هنری، اقتصادی و... در میان مردم باید گسترش داد.

مرحله دوم: سازماندهی. :

برای بر دوش کشیدن بار مسئولیت، در زمینه های مختلف «دعوت اسلامی» افراد شایسته و توانا را باید برگزید، و آنها را با هم هماهنگ نمود.

دستوالعمل ها و ویژگیهای این مرحله عبارتند از:

در زمینه مسائل معنوی، کاملاً عارفانه. و در مورد مسائل عملی و آمادگی های جسمی، کاملاً نظامی می باشد.

تنها کسانی به این مرحله از دعوت اسلامی، قدم خواهند نهاد که، برای تحمل و اجرای، مسئولیتهای جهادی دراز مدت، و پراز مشکلات، آمادگی و استعداد کامل را داشته باشند. و اولین نشانه آن آمادگی، «التزام» همه جانبه است.

مرحله سوم: عمل و اجرا. :

این مرحله، مرحله عمل و تلاش است دامنه دار و خستگی ناپذیر در راستای دست یابی به اهداف مورد نظر، و آزمایش و امتحانی است که بغیر از، صادقین، دیگران را توفیق ادامه مسیر رفیق نخواهد بود. در این مرحله، هیچ پدیده ای به اندازه، «التزام و تسلیم» همه جانبه پیروزی را

تضمین نمی نماید.

کار و تلاش را، بر ادعا و تبلیغات برتری دادن.:

اموری هستند که، «حرکت جهانی اسلام» بر اساس آنها، معتقد است که، کار را بر حرف و ادعا باید ترجیح داد. از جمله:

... رهنمودهای اسلام، در این زمینه بخصوص، وبه منظور جلوگیری از، لکه دار شدن اعمال و مسئولیات، بوسیله ریا و ظاهر سازی، و سخنان فریبنده، چیزی که در واقع ارزشی را برای اعمال باقی نخواهد گذاشت و فساد و تباهی را بدنبال خواهد داشت.

نفرتی که طبیعت اسلام از، اعتماد به ادعاهای تو خالی و تحریک احساسات مردم، بوسیله سخنان آتشین که، مسئولیت و عملی را به دنبال نداشته باشد.

جلوگیری از بهدر رفتن تلاشها و استعدادها و وقت ، در مسائل کم اهمیت وبی حاصل.

...دوری از سخنان پراکنده و اطلاعیه های بی مورد، امنیت و سلامت «دعوت اسلامی» و دعوتگران را حفظ خواهد کرد.

پیامبر بزرگوار اسلام می فرماید:

«در جهت رسیدن به اهداف خویش، از کتمان و راز نگه داری بهره گیری نمائید.^(۱)»

طولانی بودن راه « سیاست نفس عمیق » :

حجم گسترده مسئولیتها و سنگینی تکالیف دعوتگران، در میدان

1- به رساله «المؤتمر الخامس» امام شهید مراجعه شود.

«عمل اسلامی»، بر این واقعیت تاکید دارد که، راه بسیار طولانی، و کار همراه با سختی، و تلاش تلخ و طاقت فرسایی در پیش است و بسیار ضرورت دارد که، رهروان بر این راه، برای رویارویی با همه مشکلات و مشقات، و برای هر گونه از خودگذشتگی و فداکاری، خود را آماده سازند.

قرآن می‌فرماید:

الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ﴿۱۰۱﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ ﴿۱۰۲﴾⁽¹⁾

آیا مردم گمان کرده اند، همین که بگویند: ایمان آوردیم، رها می شوند و آنان [به وسیله جان، مال، اولاد و حوادث] مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟⁽²⁾ در حالی که یقیناً کسانی را که پیش از آنان بودند، آزمایش کرده ایم [پس اینان هم بی تردید آزمایش می شوند]، و بی تردید خدا کسانی را که [در ادعای ایمان] راست گفته اند می شناسد، و قطعاً دروغگویان را نیز می شناسد.⁽³⁾

لازم است که، گرویدن به، «حرکت جهانی اسلام» از سیاست، «نفس طولانی» بخاطر آنکه، دعوت بسوی بندگی خدا، بر اساس معرفت باشد و در جهت وضایت او، پیروی نمایند،

و در مسیر راه به بیراهه نروند، و قبل از رسیدن میوه آن را از درخت نکنند.

همه اینها زمانی مورد توجه قرار خواهند گرفت که، بدانیم، پایه

گذاری نظام اسلامی، خود وسیله ای برای دست یابی به هدف بزرگتر و بارزتر است، اگر آنان به این پیروزی دست یافتند، خدا را سپاسگزاری نمایند، و چنانچه موفق به آن نگردیدند، دچار ناامیدی، ودلسردی و ترس نباید بشوند. و بدین صورت است که، مسئولیت امانت داری از دین و دعوت اسلامی را، انجام داده اند.

قرآن می فرماید:

(وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ) ^۱

«پیروزی تنها از جانب خدا ممکن خواهد بود.»

ممکن است، این سوال برای کسی پیش آید که، چه عواملی باعث می شود، احزاب مزدور و بی محتوی، در بسیاری از ممالک، و در مدتی کوتاه و بصورتی بسیار ساده، زمام حکومت و قدرت را در دست بگیرند؟! در جواب این سوال باید گفت که، مسئله به تفاوت، راه و اهداف میان «حرکت جهانی اسلام» و مکاتب و احزاب غیر خدائی، ارتباط دارد؛ حرکت اسلامی، تنها از طریق خاص خود و بشیوه پاک از هر آرایش، رسیدن به حکومت را مطلوب می داند، و چنانچه، به نوکری و مزدوری، این و آن، قدرت و دولت استعمارگر، تن بدهد. همچون دیگران بسادگی بحکومت خواهد رسید.

قرآن می فرماید:

(فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ) ^۲

«بهمین خاطر، تو دین را تبلیغ و مردم را به پیروی از آن دعوت کن

1- سوره آل عمران .

2- سوره شورا آیه 15 .

و در این راه استقامت داشته باش، به همان شیوه ای که، بتو گفته شده
واز خواسته های ناروای آنها پیروی مکن.»

آشکار بودن «دعوت» و مخفی ماندن «تنظیم»:

برای دعوتگران به اسلام و مبلغین دینی، این امکان وجود ندارد، که
در زیر زمینها و مکانهای مخفی، اسلام را تبلیغ نمایند. واز ترس اینکه،
مورد اذیت و آزار قرار گیرند، خود را پنهان نمایند. و برای این کار هم
فلسفه بافی کنند و به توجیه پردازند که، «حکمت و مصلحت» چنین
ایجاب می کند؟

بانگ اسلام و حرف حق را آشکارا باید اظهار کرد، و «زبانی که از بیان
حق خودداری می کند، زبان شیطان لال و گنگی بیش نیست.»

رسول گرامی خداوند می فرماید:

« مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ
فَبِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ »^۱

«هر یک از شما که ناروایی را دید، از آن جلوگیری نماید، اگر قدرت
آن را نداشت طرف را نصیحت کند، در صورتیکه چنین چیزی هم
میسر نبود، در دل از آن کار ناراضی باشد، پاینتزین درجه ایمان این
خواهد بود.»

دعوتگر و خدمتگزار اسلام، در محدوده مسئولیت و در محیط
اجتماعیش، بوسیله بیان و گفتار و یا مقاله و نوشتار، باید زبان گویا
ورسای حق باشد، البته با اساس قرار داد، «سخن و عمل بجا و به موقع
«حکمت» و موعظه شیرین و دلچسب.»

البته نباید فراموش نمود که، آشکار بودن تبلیغ اسلامی، نباید به افشاء همه، برنامه ریزیها وامور هماهنگ شده «جماعت ودعوت اسلامی» منجر شود.

چنین کاری نه اینکه کاملاً با مصالح، «حرکت جهانی اسلام» ناسازگاری دارد بلکه نشانه، ناآگاهی از روح وطبیعت اسلام است ونتیجه آن، در معرض خطر نابودی وضربه خوردن وآزار وخیانت به افراد وجماعت از جانب دشمنان دین خواهد بود. اصل وقاعده ای معتبر که بسیار ضروری است در این مورد رعایت بشود این است که «دعوت وتبلیغ علنی، وتشکل وتنظیم سری است.» آن هم در راستای عمل والتزام به فرموده رسول خدا | که:

« اسْتَعِیْزُوا عَلَیْ اِنْجَاحِ الْحَوَاجِّ بِالْکِتْمَانِ »^۱

«برای دست یابی به اهداف خود، از امانت وراز نگه داری بهره گیری نمائید.»

هم چنین فرموده است.

« الْحَرْبَ خَدَعَةً »^۲

«اساس جنگ ومقابله برغافل گیری طرف مقابل است.»

عزلت قلبی وحضور جسمی.:

استاد شهید سید قطب، در بعضی از کتابهایش، مسلمانان بخصوص دعوتگران را به نوعی عزلت در بینش واندیشه دعوت کرده بود وسخنان او مایه بحثهای زیادی شده است. ایشان می فرمایند:

1- المعجم الكبير للطبرانی - (15 / 3) عن معاذ بن جبل |

2- صحيح البخاری - (10 / 228) عن ابی هريره |

«ما نیازمند پیشقراولانی، هستیم، که با اراده ای آهنین، در این راه قدم بگذارند، و در دریای پر تلاطم «جاهلیت» جاهلیتی که سایه شومش را بر همه جا گسترانده است. پیش بروند. و همراه با پیش روی خود نوعی از گوشه گیری را از یکطرف، و گونه ای از ارتباط را از جانب دیگر با جاهلیت موجود در اطراف خود رعایت کنند.»

عزت و کناره گیری که مورد نظر شهید اسلام سید قطب (رض) می باشد، عبارت است از، فاصله گرفتن از جاهلیتها، بخاطر آلوده نشدن اندیشه و شعور، و حفظ شخصیت ایمانی، در گیرودار پیش روی و در جهت افشای پوچی ارزشهای جاهلی، و مبارزه با باطل و تلاشی برای محو و نابودی آن بدون باک از سرزنش و ملامت ملامت گران.

منظور از فاصله گرفتن در اینجا، جدا گشتن و مشخص شدن، جمع اهل ایمان، از گروه کافران است، جدا شدن، از نظر اندیشه و جهان بینی، اخلاق و نوع زندگی، باورها و نوع فهم و نگارش، می باشد. این همان چیزی است که، اسلام اهل ایمان را به آن دعوت می نماید، و رسول گرامی | از بسیاری از فرموده هایش آن را این گونه بیان می فرماید:

«كُونُوا كَأَنَّكُمْ شَامَةٌ فِي النَّاسِ»¹

«در میان مردم، همچون خال در بدن باشید.»

همچنین می فرماید:

لَا تَكُونُوا إِمْعَةً تَقُولُونَ إِنَّ أَحْسَنَ النَّاسِ أَحْسَنًا وَإِنْ ظَلَمُوا ظَلَمْنَا وَلَكِنْ

1- سنن أبی داود - (11 / 125) باب ما جاء فی اسبال الإزار عن ابن الحنظلیه |

وَطَّئُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ أَحْسَنَ النَّاسِ أَنْ تُحْسِنُوا وَإِنْ أَسَاءُوا فَلَا تَظْلِمُوا^۱

«بی اراده و دنباله رو دیگران نباشید، که اگر مردم هر چه را از خوب و بد دوست داشتند انجام دهید، سعی نمائید، قوی وبا شخصیت باشید، اگر مردم خوبی کردند، تأیید نموده و عمل کنید وچنانچه مرتکب ناروا ویدی گردیدند، از بدی و خلاف آنها دوری نموده و فاصله بگیرند.»

در «عمل اسلامی» و دعوت و تبلیغ، جایی برای، کناره گیری و تک روی وجود ندارد. در غیر این صورت، کار به تعطیلی حرکت و دعوت اسلامی کشیده خواهد شد.

دعوتگران و خدمتگزاران اسلام در مسیر کار خود با سه نوع انسان سروکار دارند. و بر خورد و موضعگیری با آنها هم یکسان نمی باشد.

در میان مردم، جمعی مسلمان و ملتزم به، مسئولیتهای فردی می باشند، اما در ارتباط با تکالیف دعوت به اسلام، و مشارکت در حرکت بیدار سازی امت اسلامی، احساس مسئولیت نمی کنند، طبعاً چنین کسی را نمی شود در ردیف دیگران بحساب آورد.

... گروهی دیگر از مردم، مسلمانند و به مسلمان بودن خود هم افتخار می کنند، اما، آگاهی و التزامی مطلوب به دستورات دین ندارند، امروزه بیشتر مسلمانان این گونه هستند، و بهیچوجه نباید آنها را در ردیف کفار بحساب بیاوریم.

بعضی دیگر از انسانها، با خدا و پیامبر او و اسلام و اهل ایمان سردشمنی و ناسازگاری دارند، کار آنها در مواردی، حالت فردی دارد و در جهات دیگر،

2- سنن الترمذی - (7 / 290) باب ما جاء فی الإحسان و العفو ، عن حذیفه |

بصورت منظم و حزبی عمل می‌کنند و بعضی دیگر، هم در موقعیت حاکم و رهبر، به دشمنی با اسلام و مسلمانان می‌پردازند.

موضعگیری دعوتگران با آنها، بستگی به میزان، دوری و نزدیکی، علاقه و بی‌توجهی و ارتباط و دوستی یا مقابله و دشمنیشان دارد.

با بعضی لازم است از در، احساس مسئولیت و ارشاد و توجیه وارد شویم و برای بعضی دیگر ضرورت دارد، افقهای علم و دانش و معرفت را برویشان بگشائیم، و با گروهی دیگر تنها با زبان زور و اسلحه باید سخن گفت. می‌گویند که، «اگر برای معالجه مرضی، دارو موثر واقع نشد، نوبت به چاقوی تیز جراحی هم می‌رسد.»

پس لازم است که، گرویدگان به «دعوت اسلامی» و خدمتگزاران در دین با مردم و اجتماع در ارتباط دائم باشند، زیرا زمینه و میدان عمل اسلامی و مبارزه، اجتماع است، اما ارتباطی حساب شده و جداگانه، در حد، تاثیر - گذاری نه تاثیر پذیری، و پاکسازی نه آلوده شدن، رسول گرامی | می‌فرماید:

فَإِنَّ مَقَامَ أَحَدِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ صَلَاةِ سِتِّينَ عَامًا^۱

«یکساعت ایستادن شما در میدان جهاد، بر عبادت شصت سالтан برتری دارد.»

هدف وسیله را توجیه نمی‌کند:

اوج فساد و انحراف مکاتب و احزاب غیر اسلامی، در مصلحت اندیشی، افسار گسیخته آنهاست، بصورتی که، در بیشتر اوقات، از محدوده مبانی فکری، و تئوریهایی که، همیشه خود را مبلغ و منادی آن دانسته اند،

1- مسند أحمد - (21 / 411) عن ابی هریره |

فراتر می روند.

کم نیستند، مکاتب فکری، که پس از دست یابی به حکومت و مشارکت در پارلمان، واولین تجربه عملی ویر خورد با واقعیات، از دایره افکار و عقائد خود پا را فراتر گذاشته اند. واز آن فاصله گرفته اند.

از تصرفات و موضعگیریهای رهبران عقیدتی و سیاسی مکاتب و احزاب غیر خدائی، این واقعیت روشن می شود که، آنها خود و پیروانشانرا، آن اندازه که، افکار و اصول خویش را وسیله و ابزاری، در میدان رقابت های سیاسی و فکری، می سازند، پای بند آن ها نبوده و در اندیشه حفظ آنها از، هجوم انحرافها و وظاهر فریبی نمی باشند.

بسیار طبیعی و ساده است که، مصلحت مردم، به مصلحت حزب تبدیل شود. و مصلحت حزب در پیشگاه رهبر آن قربانی شود، و مسائل اساسی مردم، بصورت اوراق بها دار و سودآوری در، بازار و بورس، سرمایه گذاری، و معاملات درآید... خیلی ساده است، دشمنان دیروزی، دوستان صمیمی امروز شوند، و دوستان گذشته دشمنان سرسخت کنونی، و این وضع تا جائیکه، اصول و افکار آنان بسان، اسماء غیر واقعی، و شعارهای پوچ و فریبنده درآینده ادامه خواهد یافت.

آنچه گفته شد گوشه ای از، واقعیات موجود در درون احزاب و افکار غیر خدائی بود. و اسرار بقدرت رسیدن سریع آنان و گسترش دامنه دارشان را برملا می سازد.

هم چنانکه گفته شد، آنها خویشان را در عمل پای بندی، هیچگونه، عقائد و اخلاقی- بمعنی درست آن - نمی دانند ، دارای موضعگیریهای روشن و استوار هم نیستند... چیزی را که، از آن بیشتر استفاده می کنند، برنامه ریزیهای متعدد و غالباً متضادی است در راستای، استفاده از هر نوع فرصت پیش آمده و در اختیار گرفتن آن برای عرضه در بازار تجارت سیاسی،

فرق نمی‌کند، که، مسئله مورد معامله چی باشد، و چه بهائی در مقابل آن پرداخت شود، و در بیشتر موارد، اصل قضیه حتی مردم را با بهای بسیاری کم بفروش می‌رسانند.

اما در میدان «عمل اسلامی» آنچه مورد توجه است و روی می‌دهد، و یا حرکت در راستای آن مورد نظر است. با جریانات و برنامه‌های – احزاب غیر دینی، کاملاً متفاوت است.

«حرکت جهانی اسلام» در ارتباط با سازگار بودن، «وسیله و هدف»، با جهان بینی، اخلاق و شریعت، میان آنها تفاوتی نمی‌گذارد. ودعوتگران و خدمتگزاران اسلام، در پی دست یابی به خواسته‌های شخصی، نبوده و در محدوده، تصورات، اخلاق، و تعهدات دینی، عمل می‌نمایند و اجازه خروج و دستکاری آنها را به هیچ وجه ندارند.

الف: برای رسیدن به اهداف راستین و حق طلبانه دین، بهره‌گیری از «باطل» مشروع نیست، هر چند در حد یک شعار و کلمه باشد.

قرآن می‌فرماید:

﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ^ع فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ^ا﴾

«ابلاغ کن که، حق و راستی، – آن چیزی است – که از جانب خدا فرستاده شده، هر که می‌خواهد بپذیرد و هر کس هم مایل نیست می‌تواند انکار نماید.»

ب: حق و راستی، مجموعه‌ای است جدائی ناپذیر. کوتاه آمدن در مورد بخشی از حق، بحساب کل آن تمام می‌شود. زیرا اگر حقی در

کار نباشد، باطل جایگزین آن می شود. وچنانچه «هدایت» رخت بربندد گمراهی جا خوش خواهد کرد.

طائفه قریش، سخاوتمندانه ترین پیشنهادها را به رسول الله | عرضه می کردند، ودر مقابل از ایشان انتظار داشتند، تا در مورد پاره ای از عقائد و ارزشهای خود کوتاه بیاید. در مقابل رسول خدا | این توجیه خدائی را بیان می فرمود که:

(قُلْ يَتَّيِبُهَا لَكُمُ الْكُفْرُ ۖ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿١﴾ وَلَا أَنْتُمْ عِبُدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٢﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ﴿٣﴾ وَلَا أَنْتُمْ عِبِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٤﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ)^۱

«ای اهل کفر، آنچه را که شما عبادت می نمائید، من عبادتش نخواهم کرد، و شما هم فرمانبردار آنکه من پرستش می کنم نیستید، و من هم فرمانبردار آنچه شما برایش، عبادت کرده اید نیستم، و شما هم فرمانبردار آنکه من او را فرمانبرداری می نمایم نیستید. دین شما از آن خودتان و من هم از دین خود پیروی می کنم.»

ج: با قدرت هر چه تمامتر وبا فدای همه چیز، وبدون هیچگونه، معامله وترس وطمعی، در راه حق باید تلاش وفداکاری نمود.

پس از آنکه برای ساحران دربار فرعون، حق روشن شد، هیچگونه توجهی به تهدیدات ننموده وبا ایمان خود، هر گونه ملاحظه ای را کنار گذاشتند. و خطاب به فرعون گفتند که:

(فَأَقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿٧٦﴾ إِنَّا ءَامَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطِئِينَآ وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ)

وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ۱

«هر کاری که از دستت برمی آید، دریغ مکن، تو تنها در این دنیا توان تصمیم گیری را داری، برای آنکه گناهانمان و آنچه را که در ارتباط با سحر، تو مجبورمان می نمودی، بخشوده شود به پروردگارمان ایمان آوردیم. - بندگی و کار برای خدا بهتر و ماندنی تر است.»

روزیکه، فرمانروائی، و مقام، و ثروت در مقابل نرمش نشان دادن در مورد دعوتش، به رسول خدا پیشنهاد می شد، با حرارت تمام در مقابل پیشنهاد کنندگان می فرمود.

«بخدا قسم اگر، بتوانید خورشید را در کف راست و ماه را در کف چپم، قرار دهید، بخاطر آنکه، مسئولیت را انجام ندهم، کوتاه نخواهم آمد، تا وقتی که، خداوند آن را بر همه جهان حاکم گرداند، یا اینکه در پای آن قربانی شوم.»

د: لازم است، پیروان حق، بسیار هشیار بوده وبا چشم باز مسائل را نگریسته، و راه خدا را در پیش گرفته و پایبند هدایت خداوند باشند. مسائل مقطعی و موضعگیریهای، روزمره از مسیر، منحرفشان ننماید، و یا خدای نخواست، راه حلهای ناسازگار با، تصورات و اخلاقشان، به آنها تحمیل بشود.

قرآن می فرماید:

وَأَنْ أَحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ
وَأَحْذَرَهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا
فَاعْلَمْ أَنَّهُمُ يُرِيدُونَ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ دُنُوهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنْ

الْأَناسِ لَفَسِقُونَ) ۱

«بر اساس - قانون - نازل شده از طرف خدا میان آنها داوری و قضاوت کن و از کششهای انحرافی آنها پیروی مکن، وهشیار باش که، راجع به بعضی از آیات خدا، تو را دچار فتنه و مشکلات نمایند، اگر - به تو و رسالتت - پشت کردند، تو هم بدان که، خدا می خواهد، بخاطر بعضی از گناهانشان آنان را گرفتار نماید - و تردیدی نیست که - بسیاری از مردم از مسیر خدا منحرف می باشند.»

در سیره رسول خدا | می خوانیم که: برای حضور در غزه «تبوک» سه نفر از اصحاب رسول خدا | نافرمانی نمودند و شرکت نکردند، یکی از آنان «کعب بن مالک» بود، وقتی که، پادشاه «غسان» به قصد فریبش، مخفیانه برای او نامه ای را ارسال نمود، و در آن نوشته بود.

«شنیده ام، دوستت - پیامبر اسلام - با تو بی وفائی نموده، - رسول خدا | سخن گفتن با آن سه نفر از طرف همه مسلمانان تحریم فرموده بود - سزاوار نیست تو در مملکتی باشی که، مورد توهین و سرزنش قرار گیری، من از تو می خواهم که به ما ملحق شوی.»

وقتی «کعب بن مالک |» نامه او را خواند گفت: «این هم مصیبتی اضافه بر مصیبتهای دیگر، این بازتاب و ثمره تخلف و عدم حضورم در جنگ است. که، مشرکی در مورد من به طمع می افتد.» سپس به سوی تنور رفت و کاغذ را در آتش انداخت.!!

ه: در خاتمه باید این مطلب بدرستی فهمیده شود که، «حق» آن چیزی است که شرع آن را تأیید کند، هر چند با کششها و نظرات و برداشتهای کل مردم هماهنگ نباشد، اسلام، راضی نگاه داشتن آنها را بشرطی می پذیرد که، با شریعت و دستورات دین هیچگونه مخالفتی

نداشته باشد.

زیرا، چنان روشی در بینش اسلام نفاق و خروج از حدود خدا بحساب می‌آید.

مَنْ التَّمَسَ رِضَاَ اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ مُؤَنَّةَ النَّاسِ وَمَنْ التَّمَسَ رِضَاَ النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ¹

«کسیکه رضایت خلق را به بهای قهر خداوند خریداری کند، بجز، ذلت و سرشکستگی نصیبی نخواهد داشت. و هر کس رضایت خدا را به قیمت قهر مردم بدست آورد، بغیر از عزت و سربلندی بهره‌ای نخواهد برد.»

رسول گرامی! چه زیبا می‌فرمایند:

لَا تَكُونُوا إِمْعَةً تَقُولُونَ إِنَّ أَحْسَنَ النَّاسِ أَحْسَنًا وَإِنْ ظَلَمُوا ظَلَمْنَا وَلَكِنْ وَطَّنُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ أَحْسَنَ النَّاسِ أَنْ تُحْسِنُوا وَإِنْ أَسَاءُوا فَلَا تَظْلِمُوا²

«بی شخصیت و بی اراده نباشید، که هر چه را مردم انجام دادند شما هم دنباله روی کنید، اگر خوبی کردند شما هم انجام دهید و چنانچه مرتکب بدی گردیدند شما هم تابعشان شوید. بلکه لازم است، متین و با اراده باشید، اگر مردم نیکی انجام دادند شما هم انجام دهید و در صورتیکه مرتکب بدی شدند، خود را از آن دور کنید.»

1- سنن الترمذی - (8 / 438)

1- سنن الترمذی - (7 / 290) باب ما جاء في الإحسان و العفو ، عن حذیفه

وسائل و امکانات حرکت جهانی اسلام

امام شهید حسن البنا، در مورد، وسائل و امکانات، حرکت اسلامی می فرماید:

«وسائلی که، گذشتگان ما از آن برخوردار بوده اند، ما هم همانها را داریم. سلاحی که، رهبر واسوه اهل ایمان، حضرت محمد | و یارانش بوسیله آن جهان را فتح نمودند، هر چند تعدادشان اندک و امکاناتشان ناچیز بود، چراغی که، آنرا ما بار دیگر در دست گرفته، و جهان را از نور هدایت آن بهره مند خواهیم نمود.

1 آنان بهره مند، از ایمانی عمیق و استوار و مقدس و ماندنی بخدا و یاری و تائید او بودند:

(إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ)^۱

«اگر خدا یاریتان دهد، کسی بر شما پیروز نخواهد گردید.»

2 - به برتری و توانائی، برنامه دین، ایمان استوار داشتند:

(قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ﴿١٥﴾ يَهْدِي

بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ)^۲

» بی تردید از سوی خدا برای شما نور و کتابی روشنگر آمده

1- سوره آل عمران آیه 160 .

2- سوره مائده آیات 15- 16 .

است. خدا به وسیله آن [نور و کتاب] کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند به راه‌های سلامت راهنمایی می‌کند، و آنان را به توفیق خود از تاریکی‌ها [ی‌جهل، کفر، شرک و نفاق] به سوی روشنایی [معرفت، ایمان و عمل صالح] بیرون می‌آورد، و به جانب راه راست هدایت می‌کند»

3 به مسئولیت‌ها اخوت و ارزش «برادری»، احترام می‌نهادند:
(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ)¹

جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرند؛ بنابراین [در همه نزاع‌ها و اختلافات] میان برادران صلح و آشتی برقرار کنید، و از خدا پروا نمایید که مورد رحمت قرار گیرید.»

4 به روز رستاخیز، و پاداش‌های با ارزش و فراوان، باور و یقین داشتند:

(مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نِيلاً إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجَرَ الْمُحْسِنِينَ)²

«شایسته نیست که اهل مدینه و بادیه نشینانی که پیرامون آنانند،

1- سوره حجرات آیه 10.

2- سوره توبه آیه 120.

از رسول خدا تخلف کنند؛ و آنان را نسزد که به سبب پرداختن به خویش از حفظ جان او [در شدايد و سختی ها] دریغ ورزند؛ زیرا هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی رسد، و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می آورد، قدم نمی گذارند، و از هیچ دشمنی انتقام نمی گیرند [و با نبرد با او به کام دل نمی رسند] مگر آنکه به پاداش هر یک از آنان عمل شایسته ای در پرونده آنان ثبت می شود؛ چرا که خدا پاداش نیکوکاران را تبه نمی کند.

5 - اعتماد به نفس کامل داشتند، به اینکه، در برنامه ریزی و تقدیر خداوند، برگزیده شده برای نجات بشریت از سیاه چالهای جاهلیت، و این شرف تنها نصیب ایشان گردیده، و برترین بندگان خدا در تاریخ بشریت بوده اند و ندای نداگر «ایمان» را شنیده و ایمان آوردند، ما هم امیدواریم که خداوند چنین ایمانی را در دلهایمان آراسته نماید، هم چنانکه. از پیش برای آنها دوستش داشت و در قلوبشان آراسته اش نمود، اولین اسلحه ما در واقع اسلحه «ایمان» است. و یکی دیگر از ابزارهای ما «جهاد» می باشد.

پاک ترین و عمیق ترین آگاهی را داشتند به اینکه، بجز با «جهاد و فداکاری و بخشیدن جان و مال»، دعوت رسالتشان به پیروزی نخواهد رسید. در نتیجه، جان و مال خود را در راه خدا بکار گرفته، و شایسته ترین تلاشها را انجام دادند. و سروش بیدارگر فرشته غیب را به گوش جان شنیدند که:

﴿ قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنْ آلِهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ

فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ۖ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الْفَاسِقِينَ^۱

«بگو: اگر پدرانتان و فرزندانان و برادرانتان و همسرانتان و خویشانان و اموالی که فراهم آورده اید و تجارتی که از بی رونقی و کسادى اش می ترسید و خانه هایی که به آنها دل خوش کرده اید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب ترند، پس منتظر بمانید تا خدا فرمان عذابش را بیاورد؛ و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی کند.»

به هشدار دهنده گوش فرا دادند، وبا رضایت خاطر و آرامش درون، ودلگرمی به پیمانی که با خدا بسته بودند، از همه چیز خود صرف نظر کردند.

عاشقانه شاهد مرگ را در آغوش می کشیدند و می گفتند که.
«دوان دوان بسوی خدا، وبی نیاز از توشه.» دارائی خود را تقدیم راه خدا نموده و می گفتند،

«تنها خدا وفرستاده اش را، برای خانواده ام باقی گذاشته ام.»
وبهنگامی که لبه تیز شمشیر بعد از لحظاتی گردنش را قطع می کرد. می گفت:

گر شوم کشته در محراب مسلمانی چه باک، گر باشد تفنگی یا، ریسمانی
آنان این گونه بودند، مجاهدینی راستین، فداکارانی بزرگوار،
بخشندگانی ایثارگر، بیاری خدا، ما هم در تلاشیم که، آن گونه باشیم.
(حسن البنا.)

فصل چهارم

ضرورت آشنائی با، روشهای مختلف «عمل
اسلامی».

الف: در بعد، روحی و معنوی.

ب: در بعد، فرهنگی.

ج: در بعد، امور خیریه.

د: در بعد، سیاسی،

ه: بالندگی و تکامل طلبی در، «حرکت

اسلامی»

ضرورت شناخت روشهای عمل اسلامی

و چرا حرکت اسلامی؟

ارتباط و گرویدن بحرکت جهانی اسلام، باید بر اساس شناخت و آگاهی باشد، و به این سوال بتوان پاسخ روشن داد، که چرا، هماهنگی با آن را برگزیده، و با دیگر مکاتب و افکار، همراه نگردیده است؟ آیا انتخابی تصادفی بوده — که در میزان شریعت اسلام، پسندیده نیست. — یا گزینشی بر اساس، بررسی و آگاهی، و امتحان؟

یکی از ضروریات مهم و قابل توجه، آگاهی از روشهای مختلف خدمت به اسلام از جانب جمعیت دیگر است، تا در نتیجه، همراهی با «حرکت جهانی اسلام» آگاهانه و اندیشمندانه باشد، نه اینکه، تصادفی و بی پایه.

شناخت کافی از «روش عمل» در جمعیت‌های مختلف اسلامی، امری بسیار ضروری بوده و آنهم در حدی که، شخص هماهنگ با «حرکت اسلامی» بخوبی دریابد که، هیچیک از آنها، نماینده خط اسلامی اصیل نبوده و به روش رسول خدا | بصورت همه جانبه پایبند نیستند، هر چند در میزان پایبندی، و محدوده برنامه خود در ارتباط با کل اسلام، با هم تفاوت‌های بسیاری دارند.

با نگاهی هر چند گذرا به ممالک اسلامی، به بسیاری از دیدگاهها و هیئت های مختلف برخورد می نمائیم.

الف: در بعد «روحی و معنوی»

هستند جمعیهایی که محور و برنامه کار آنها، مسائل روحی است، بدین معنی که، در مورد بسیاری از جنبه ها و مسئولیتهای، فکری، سیاسی، جهادی، هماهنگی، وتشکل، و برنامه ریزی، کاملاً بی اعتنا بوده و صرفاً به، پرورش معنوی خود سرگرم می باشند. بصورتی که، آنها را با واقعیتهای زندگی بیگانه و در ارتباط با کلیه حوادث و جریانات موجود در محیط اجتماعی خود، بی خبر نموده است، و در نتیجه از درک و شناخت شرائط زندگی خود نه اینکه ناتوان مانده اند، بلکه، به هیچوجه قدرت تاثیر گذاری در آن را نمی توانند داشته باشند.

ب: در بعد «فرهنگی»

هیئتهایی فرهنگی در عالم اسلامی، همچون «جمعیت جوانان مسلمان» و... در واقع زائیده عکس العمل در مقابل، جمعیهایی «تبشیری و تبلیغی» مسیحی و یهودی، پایه گذاری شده و رشد یافتند. بصورتیکه، آنکه همچون گذشته پایبند خط ترسیم شده قبلی خود، که بر اساس آن تشکیل شده بودند، باقی نمانده، و بسان حالتی دگم و غیر قابل انعطاف در آنها، رسوخ نموده است.

اما متأسفانه، بعضی از این هیئتها بخاطر همگامیشان با، احزاب و اندیشه های شناخته شده در دشمنی با اسلام و اهل ایمان، چهره پاک «دعوت اسلامی» را تا حدی لکه دار نموده اند، چیزی که، طبیعت و شریعت اسلام بکلی آن را رد می کند.

ج: در بعد، «امور خیریه»

در شرائط حساس و غیر طبیعی در راستای یاری رسانی به مستمندان و تهیه وسائل معالجه برای آنها، - وآوارگان ورانده شدگان - جمعیت‌های خیریه متعددی امثال، «جمعیت مکارم الاخلاق» «اسعاف المحتاجین» «دور الایتام» و... تشکیل شدند، آنها هر چند اقداماتشان بسیار مطلوب و پسندیده است، و در محدوده خود مسئولیتی است دینی، اما، به همان اهداف و وظائفی که برای عمل نمودنش تاسیس شده اند، محدود بوده، و نمی توان آنها را حرکتی بنیادی و دگرگون ساز و انقلابی، با هدف بر پایی جامعه اسلامی، و احیاء حیا طیبه ایمانی، بحساب آورد.

د: در بعد «سیاسی».

در ممالک اسلامی و... احزاب و گروه‌هایی با شعار و نام «اسلامی» و با کار صرفا سیاسی و حرکت در خطی مشخص و غیر قابل تغییر، وجود دارند. در واقع باید گفت که، توسل به نام و شعار اسلامی بدون پابندی به اصول و ارزش‌های ایمانی، و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی اسلام، تنها تاکتیکی است - در راستای دست یابی به اهداف، و مقاصد نامشروع شخصی و گروهی، - و هرگاه مصلحت ایجاب نماید، به نام «سازش و درهای باز - فکری و سیاسی - و به اسم، رعایت مصالح مسلمانان، اصول ارزش‌های اسلامی و موازین معتبر دینی را انکار کرده وزیر پا می گذارند. برای مثال: با احزاب و افکار حاکم و ضد دین، دست دوستی و همکاری می دهند، و در بعضی موارد، با مطرح کردن مسائل پشت پا افتاده و غیر ضروری، استعدادها و امکانات و زمان را در پای آن قربانی نموده، و خود را

از قضایای اساسی اسلام غافل کرده و بدست فراموشی می سپارند. بسیاری از احزاب و جمعیت‌های اسلامی، در خط همه جانبه واصل «عمل اسلامی» حرکت نمی کنند... عمل و تلاشی که زمینه، انتقال از، وضع و زندگی در سایه شوم «جاهلیت» را به شرائط مطلوب حیات در پرتوی نور هدایت اسلام فراهم سازد... حرکتی که، عالم اسلامی را از زیر سلطه و نفوذ، تمدن آلوده غرب و حاکمیت کفار و سرکشان، رهائی بخشد... دعوتی که، در راستای پرورش، فرد، خانواده، و جامعه، و حکومت بر اساس فرمان الله، پیش برود.

بهمین خاطر، تلاشها و موضعگیریهای این گروهها، مقطعی، در هم ریخته، و بی عاقبت بوده و حتی در غالب اوقات، اعمال آنها در جهت، تصویر صورتی ناموزون و غیر واقعی از اسلام، و بنام آن قرار دارد. محدودیت فکری و کاری آنها، این ذهنیت را بوجود می آورد که، رسالت اسلام، منحصر به آن اعمال و وظائف می باشد. اما در واقع دامن اسلام از چنان تهمت های ناروایی پاک است.

و هیچ بعید نیست که، نوع عمل و همکاریهای آنها، باعث شود که، خطر جدی نظامهای غیر خدائی کمتر احساس شود. و از خروش و شور مسلمانان علیه آنها کاسته شود و زمینه را برای بیشتر ماندنشان فراهم سازند.

ه: بالندگی و تکامل بخشی، «حرکت اسلامی».

مبنای حرکت و دعوت اسلامی، بر اصل «تغییر» و دگرگون سازی واقعیت‌های ناپذیرفتنی، و حرکت در جهت فراهم آوردن هر چه بهتر و بیشتر امکانات لازم در این مسیر می باشد.

حرکت و دعوتی که، به همه تصورات و ارزشهای اخلاقی و مسئولیتهای

فردی واجتماعی اسلام پایبند فکری و عملی باشد. - هر چند در بعضی از مراحل کاری، موفقیت لازم را بدست نیاورد - دعوت و حرکتی است سالم و صحیح و در خط اسلام اصیل و اسم و عنوان ظاهری هم هیچ اهمیتی را ندارد. زیرا، همه آن دعوات با اسماء متفاوت و با بهره مندی از «بینش، وروش، راه وهدف» مشترک و واحد، در نهایت بهم رسیده - وصف واحد و بنیان مرصوسی در مقابل دشمنان خواهند بود - ودوری دیار و سرزمین مانع بازدارنده ای نخواهد بود.

امام شهید حسن البنا (در مورد ویژگیهای خدمتگزاران و دعوتگران اسلام، با رساترین بیان می فرمایند.

«برادرانم، جمعیت شما جمعیتی خیریه، حزبی سیاسی، وگروهی مقطعی و مصلحتی برای دست یابی به اهداف کم اهمیت نیست، بلکه شما روح و حیات نوی در قلب امت اسلامی هستید، که بوسیله پیام قرآن، حیات دوباره ای را برای آنها به ارمغان خواهید آورد،... چراغ پرنوری می باشید که با پرتو خود، تاریکیهای ماده پرستی را با نور پرفروغ معرفت خدا به روشنائی مبدل خواهید کرد،... و پیام و سروشی هستید، که با رسانیدن پیام دعوت رسول خدا (آواز آن، همه سرزمین حیا را در بر خواهد گرفت^(۱)»

فصل پنجم

ضرورت شناخت ابعاد گرویدن به «حرکت
جهانی اسلام»

الف: ارتباط «عقیدتی».
ب: هماهنگی مستحکم و مداوم.

ضرورت آگاهی به ابعاد گرویدن به حرکت جهانی اسلام

تنها بوسیله درخواست عضویت و نام نویسی، و رفت و آمد به، مراکز و کنفرانسها واجتماعات، بودن و گرویدن به حرکت اسلامی واقعیت پیدا نخواهد کرد. بلکه، گرایش به آن لازم است، از مرزهای، قالبی و ظاهری تجاوز نموده، وبر اساس، ایمان عمیق و ارتباط مستحکم فکری و تنظیمی استوار باشد.

الف: ارتباط فکری و عقیدتی.

مهمترین جهت مورد نظر که آگاهی و فهم آن بسیار لازم است، جنبه «عقیدتی»، بودن با حرکت اسلامی می باشد. زیرا در بینش اسلامی، ارتباط و گرویدن به آن صورتی که، در اختلافهای حزبی و تقسیم قدرت مرسوم است، که حاصلی بجز تباهی و متلاشی شدن را به دنبال نخواهد داشت، به هیچوجه مورد قبول نیست.

قبل از هر چیز باید بدانیم که، پذیرش بودن با «حرکت اسلامی»، چیزی بجز، التزام و پیروی از دین نمی باشد. و به دنبال آن، همان، احساس مسئولیت در اجرای فرامین خداوند، و انتظار رحمت و رضایت اوست... و این تصور در واقع حرکت اسلامی را از تحت تاثیر قرار گرفتن، در رابطه با مرگ، برکناری اشخاص و عدم حضورشان در میدان دعوت، بهر دلیل که باشد، محفوظ نگاه می دارد. زیرا ارتباط عقیدتی با «دعوت اسلامی» بمعنی ارتباط انسان با خدا، و هماهنگی دعوتگران بر

حول محور خداپرستی بوده و سر جاودانگی، و دوام و ادامه مسیر آن در همین واقعیت نهفته است.

حضرت ابوبکر صدیق (رض) پس از وفات رسول خدا | و در ارتباط با سخنان حضرت عمر (رض) که شیدا از مرگ رسول خدا متأثر گردیده، و مرگ او برایش غیر قابل تحمل شده بود، فرمود:

«هر کسی برای محمد | عبادت می کرد، بداند که ایشان بدار آخرت منتقل شدند، و کسیکه، برای خدا عبادت می نمود، خدا زنده است و هیچگاه نخواهد مرد!؟»

قرآن هم در این مورد می فرماید :

(إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَ يَكُنْ لَهُ أَجْرًا عَظِيمًا)^۱

«آنانکه با تو بیعت نموده اند، قطعاً با خدا پیمان بسته اند، دست خدا بالای دست آنهاست، هر که، پیمان شکنی نماید خود ضرر کرده، و هر کس بوعده و پیمان خود عمل کند، خداوند پاداش فراوانی را نصیب او خواهد نمود.»

هم چنین، ارتباط پیدا کردن افراد با حرکت اسلامی، بصورت تصادفی و یا احساسات و عاطفه مورد قبول و پذیرش اسلام نمی باشد. زیرا اسلام، برنامه ای است برای زندگی بر اساس، بینشهایی مشخص در رابطه با، جهان هستی، انسان، و زندگی، و هدف اساسی، دعوت و تبلیغ اسلامی، تحقق آن منهج و روش در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی است.

وگرویدن به آن لازم است که، آگاهانه، عمیق و حساب شده باشد. بهمین خاطر شناخت فکری و عقیدتی و حرکتی و التزام عملی، از جنبه های اساسی، ارتباط با دعوت اسلامی است. بیشتر از این بخاطر استقامت در راه دعوت، وادای مسئولیت، و در خط خود کفائی قرار دادن همه جانبه، «فهم و معرفت» صحیح و مطلوب، لازمه آن گرویدن می باشد. و بیشتر کسانی که در طول مسیر، از ادامه هم مسیری باز می مانند، یا اینکه، از ادامه دادن راه خود داری می نمایند، آنهایی هستند، که به صورت، تصادفی یا بر اساس احساسات، و تحت فشار شرائطی بخصوص که از درک آن ناتوان مانده اند- گام در این مسیر نهاده اند. حرکت اسلامی بشدت با کسانی که، بخاطر مصالح و دست یابی به اهداف شخصی، و کسب مقام و طمع مادیات، گرویدن بحرکت اسلامی را دست آویز خود قرار می دهند، مخالفت می نماید.

درواقع همگامی «با حرکت اسلامی عالمی» بمعنی، آن است که، همه توانائیهای افراد در خدمت «جماعت» قرار گیرد، و بخاطر مصالح عمومی و اسلامی فرد از مصالح شخصی و نفسی خود چشم پوشی نماید. و این تنها چیزی است که، ارتباط مستحکمی را میان نیت و عمل برقرار می نماید. وگرویدن هر انسانی هم به «دعوت اسلامی» بمعنی کار و عمل در محدوده معین شده است. و بسیار ضروری است که، ویژگیهای برآورنده ای چون، خلوص و پاکی، آرایش دهنده چهره عمل باشند.

رسول گرامی اسلام می فرماید:

(إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى دُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ إِلَى امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ)^۱

«بدون «نیت» هیچ کاری معتبر نمی باشد، هر انسانی دست آوردش بر اساس نیتش رنگ می گیرد. هر کس، بخاطر خدا و رسول او مشکلات مهاجرت را متحمل گردیده، سیر او در جهت خدا و رسول اوست. و کسی هم که، بخاطر مادیات یا ازدواج با زنی زیاروئی زحمت مهاجرت را قبول نموده باشد، هجرت او بسوی همانهایی است که مورد نظر داشته- وپاداش اخروی برای او مطرح نمی باشد.»

ب: هماهنگی بر دوام مستحکم.

جهت دوم که، در زمینه ارتباط با «حرکت جهانی اسلام» لازم است مورد توجه واهتمام قرار گیرد، «هم مسیری مدام تا رسیدن به مقصد نهائی است.»

بدین معنی که، بودن و هماهنگی، آن چنان مستحکم و تنگاتنگ باشد که، سرنوشت فرد در هر شرائطی با سرنوشت «جماعت» یکی بشود.

هماهنگی او با «دعوت اسلامی» در ارتباط با شرائط زمانی بخصوص ویا به عبارت دیگر مقطعی نباشد، که چنانچه، وضع دگرگونی پیدا کرد، ارتباط خود را خاتمه یافته تصور نماید.

هم مسیری او در مرحله جوانی، آن چنان ناپخته و ناآگاهانه نباشد، که، با قدم نهادن به مراحل ازدواج سرگردانیهای زندگی، مسئولیتهای دینی و دعوتی خود را بدست فراموشی بسپارد.

اگر گرویدن کسی به «دعوت اسلامی» تحت شرائط خاص اقتصادی وسختی و احتیاجش صورت گرفته باشد، طبعاً اگر دستش به جایی بند شود و مال و ثروتی را بهم زند و مشکلاتش مرتفع گردد، به جماعت پشت کرده و خود را بی نیاز از هماهنگی با دعوتگران خواهد دانست.

وهم چنین نباید در حالت رفاه و خوشی، همگام و همکار باشد و در صورتیکه مشکلات و گرفتاریهایی برایش بوجود آمد، همه چیز را فراموش کند.

بلکه، بسیار ضروری است که، ارتباط و تعاون بدون هر گونه، فرار از مسئولیت و پیمان شکنی، تا آخر عمر و حضور در محضر خداوند، ادامه پیدا کند.

این راه را گذشتگان پرهیزکار و صالح هم در پیش گرفته، و بسیاری از آیات روشن‌گر قرآن، آن را مورد تاکید قرار می‌دهند.

قرآن می‌فرماید:

(وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ)^۱

«در بین مردم هستند کسانی که، خود را مومن می‌دانند، اما وقتی در راه خدا دچار آزار و اذیت می‌شوند،- از خود ضعف نشان داده- و آزار انسانها را همچون عذاب خدا تصور می‌کنند؟! و در صورتیکه خداوند شما را پیروز نماید. می‌گویند، ما هم با شما هم راه بودیم. مگر نمی‌دانند که- خدا به آنچه در دل انسانها می‌گذرد آگاه‌تر از همه است..»

در آیه دیگر می‌فرماید :

(وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ ۚ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ أُنْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَٰلِكَ هُوَ الْخَسِرَانُ الْمُبِينُ)^۲

1- سوره عنکبوت آیه 10.

2- سوره حج آیه 11.

«بعضی از مردم خود را در حاشیه میدان بندگی خدا قرار می دهند، اگر خیری دستگیرشان شود دو دستی آن را می چسبند، و چنانچه مشکلی بر ایشان بوجود آید، از- دین و بندگی خدا- روی گردان می شوند- این گونه افراد- هم در دنیا وهم در آخرت دچار ضرر روشن و غیر قابل انکاری شده اند.»

هم چنین می فرماید :

﴿وَكَايْنٍ مِّنْ نَّبِيِّ قَتَلَ مَعَهُ رِثْيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٦﴾ وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿١٤٧﴾ فَكَانَهُمُ اللَّهُ تَوَّابًا دُونَ ذَلِكَ وَحَسَنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤٨﴾﴾^۱

«چقدر پیامبرانی که، خدا گرایان وهم مسیران شان، همگام با آنها، به جنگ و مبارزه دست زدند، مشکلات و سختیهای پیش آمده در راه خدا سستشان ننموده، واز خود ضعف نشان ندادند، و تسلیم- زورگویان- نگردیدند- و مطمئنا- خدا اهل صبر را دوست می دارد. و-شعار- و گفتار آن ها چیزی جز این نبود که، پروردگارا بر گناهانمان قلم عفو بکش و ظلم و زیاده روی در امورمان را بر ما ببخشای، ما را ثابت قدم فرما و یاریمان ده تا بر حق ناباوران چیره شویم. خداوند خیر و ثواب دنیا و بهترین پاداش آخرت را به آنها عطا فرموده، و نیکمردان و نیکوکاران را خداوند دوست می دارد.»

دعوت حق و پیام راستین، دعوت به ایمان و عمل، و تلاش و تعاون و شکیبائی هماهنگ شده و دعوت به، فداکاری و بخشش - جان و مال-

است. و طبیعت «دعوت حق» چنان است که، در مقابل پیروانش، اهل باطل از هیچ‌گونه، توطئه و تجاوز و فریب و خیانتی کوتاهی نمی‌نمایند.

قرآن می‌فرماید:

(وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَحْبَارَكُمْ)^۱

«تا وقتی که، صف مجاهدین و صابرين مشخص گردد، شما را امتحان خواهیم کرد. و اخبار- نتایج مجاهدات شما را- برای همه روشن خواهیم نمود.»

گرویدگان به «حرکت جهانی اسلام» در اخلاق، و فهم و بینش، باید نوع بخصوص و ویژه ای در میان دیگران باشند. در هر نوع شرائط زمانی و مکانی، لازم است، با ارزشها و برای ارزشهای خویش زندگی می‌کنند. و در راستای مصلحت دعوت و پیام اسلام، از خود خواهیها و خودمحوریهای خویش دست بردارند. و بخوبی لازم است بدانیم که، تنها بدنبال، تربیت و پاکسازی و شستشوی دراز مدت بوسیله، حمام گرم مشکلات و آزارهای اهل کفر است که، شخصیت ساخته شده و خدمتگزار صادق اسلام را، به آن ویژگیها آراسته می‌گرداند و چراغ پر فروغی را در مسیر راهشان روشن خواهد کرد.

قرآن می‌فرماید:

(فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً ۖ وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ ۚ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ)^۲

1- سوره محمد آیه 31.

2- سوره رعد آیه 17.

«کف روی آب، رفتنی و آنچه برای مردم مفید خواهد بود ماندنی می باشد؛ این چنین خدا مثال می زند.»

چنانچه از این زوایه، به امور و واقعیات زندگی خدمتگزاران به اسلام بنگریم زحمات و مشکلات، نعمات، رحمت خداوند هستند که، بوسیله آنها، بدان را از نیکان معلوم و مشخصی ساخته، و برای بر دوش کشاندن بار مسئولیت و امانتی که، آسمانها وزمین و کوها از قبول آن عذر خواهی کرده و معترف به ناتوانی خود گردیدند، جمعی را که، لیاقت تحمل آن مسئولیت را داشته باشند، بوسیله آن زحمات و گرفتاریها خالص و پاک کرده و انتخاب نماید.

قرآن در این مورد می فرماید :

(إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ ۚ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ) ۱

«اگر برای شما زخمی و مصیبتی روی داده، آنها هم بی نصیب نمانده اند، و این زمان و روزها را در میان انسانها دست بدست می گردانیم، تا خداوند اهل ایمان را بشناساند و در بین شما اسوه ها و شهدائی را برگزیند، و او اهل ظلم را بهیچوجه دوست نمی دارد و بدین خاطر که، اهل ایمان را پاک و خالص گرداند، و اهل کفر را ذلیل و سرافکنده سازد.»

آزار و اذیتی که ممکن است در مسیر ادای مسئولیات دینی پیش بیاید اساساً بر دو نوعند و صورتهای دیگر شاخه ها و بخشهایی از آنها می باشند.

اول: دعوت‌گران دین، در معرض انواع و رنگهای مختلف، فریب و نیرنگ بوسیله مادیات، مقام و قدرت، قرار می‌گیرند، آنهم صرفا بخاطر صرفنظر کردن از ارزشها و تصورات اساسی دین.

قرآن راجع به این قضیه می‌فرماید:

(زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَتَابِ * قُلْ أُوذِيْتُ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَلِكَ لَكُم لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ)^۱

«علاقمندی و کششهای مختلف نسبت به، زنان، فرزندان، کیسه‌های پر شده از طلا و نقره، واسبهای تربیت شده و چالاک، و چهارپایان وزمین و کشاورزی، برای مردم آراسته شده است... این هها بهره‌ها و کالاهای زندگی دنیا هستند، و بهترین بازگشت‌ها عبارت است از بسوی خدا رفتن، به آنها بگو آیا، علاقه مند هستید که، شما را از بهتر از اینها آگاه سازم، برای متقین و پرهیزکاران، باغهایی که از زیر درختان آن جویهایی روان است، و بر دوام و برای همیشه در آنجا ماندنی هستند، و همسرانی پاک و مهمتر و بارزتر از همه، رضایت خدا، و او مدام بندگان خود را زیر نظر دارد.»

دوم: خدمتگزاران و دعوت‌گران، در معرض انواع، ترور، ترس و سرکوبی و شکنجه و زد و بند، کشته شدن، و ایجاد مشکلات در روزی و امور

1- سوره آل عمران آیه 14-15.

اقتصادی قرار می گیرند. و برای مقابله با همه آنها، از اسلحه توانای «صبر واستقامت» بر دوام و تا آنگاه که خداوند با فرمان خویش قضیه را حل نماید، لازم است بهره گیری جدی و فعال صورت پذیرد»

قرآن می فرماید:

(الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿١٧٢﴾ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّهِنَّ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ) ﴿١٧٢﴾

«کسانی که، به آنها گفته می شود، همه مردم بر علیه شما دست بیکی کرده اند، و مواظب خود باشید، -این موضوع در واقع وسیله ای می شود برای تقویت بیشتر ایمان آنها و می گویند ما خدا را داریم و به او پشتگرم هستیم، و او برای ما کافی است. و در جهت نعمتی از طرف خدا قرار می گیرند و بزرگواری آن چنانی را بدست می آورند که گزندى به آنها نخواهد رسید. و در مسیر جلب رضایت خدا به پیش خواهند رفت. و خداوند از بزرگواری غیر قابل وصفی برخوردار است.»

هم چنانکه گفته شد، در حیاة دعوتگران، آزارها، وسیله ای، برای آمادگی و پاکسازی و گزینش و رشد بحساب می آیند، و همچون کوره آهنگری است که، مواد اضافی آهن را از آن جدا نموده و خالصش می

گرداند. قرآن می فرماید :

(كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ۖ وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً ۖ وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٢٠٠﴾)

«هر زنده جانی، مرگ را چشیدنی است، شما را بوسیله، خیر و شر آزمایش می‌نمائیم، و بسوی ما باز خواهید گشت.»
امام شهید حسن البنا، در رساله «بین امروز و فردا» زیر عنوان مسیر، می‌فرماید:

«می‌خواهم با شما بی‌پرده سخن بگویم، که، دعوت و پیام شما، هنوز برای بسیاری ناشناخته باقی مانده، وزمانی که، بخوبی آن را بشناسند، وبه اهداف آن آگاهی یابند، دشمنی همه جانبه ای را با شما شروع خواهند کرد، وبا مشکلات ومشقات وموانع بسیاری برخورد خواهید نمود، ودر ان شرائط است که، در راه داعیان واقعی دعوت حق گام برمی‌دارید. اما در این شرائط هنوز ناشناخته باقی مانده اید، ومشغول فراهم نمودن زمینه دعوت وجهاد همه جانبه ومبارزه ای که از لوازمات دعوت است می‌باشید،...ویکی از موانع در مسیر ناآگاهی بسیاری از مردم به حقیقت اسلام، خواهد بود.

علماء رسمی ودرباری وکسانی که خود را مدافع دین می‌دانند، در مورد، عقائد ونوع فهمتان راجع به اسلام، نظر مساعدی نخواهند داشت وآن را تازه وبی ارتباط با اسلام خواهند دانست، وبا جهاد شما در راه خدا مخالفت خواهند نمود... و روسا، رهبران، وسلطه گران، کینه شما را در دل خواهند گرفت، ... وهمه حکومت‌های غیر خدائی در مقابل شما بلا استثنا خواهند ایستاد وهر کدام، برای محدود نمودن فعالیت‌های شما، موانعی را بر سر راهتان قرار خواهند داد.

اشغالگران، با بهره گیری از کلیه وسائل وهمه راه‌ها مختلف، در فکر خاموش کردن نور چراغ دعوت شما خواهند بود، ودر این راستا، آنها از حکومت‌های ناتوان، وانسان‌های ضعیف وبی اراده، ودست‌هایی که به سویشان

دراز شده آن دستهایی که شما را آزار می دهند، استفاده می نمایند. برگرد دعوت شما، خیلی ها گرد و خاک، شک و تردید و تاریکی تهمت را بوجود خواهند آورد. و برای چسباندن هر عیبی به آن از هیچ تلاشی کوتاهی نخواهند نمود. وبا بهره گیری از، قدرت وامکانات، و نفوذ خود سعی خواهند کرد که در بدترین شکل و صورت آن را به مردم نشان دهند.

(يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُثَبِّتَ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ)^۱

«با -هوای- دهان خود می خواهند نور خدا را خاموش کنند، هر چند کافران را ناخوشایند آید، اما خدا نور خود را کامل خواهد نمود.» بعد از آن بدون شک به مرحله تجربه و امتحان قدم خواهید گذاشت بازداشت و زندانی و تبعید و آواره خواهید شد، ثروت و سرمایه شما را مصادره و کارتان را تعطیل و خانه هایتان را بازرسی می کنند، و احتمال دارد این وضع مدت زیادی هم بدرازا بکشد.

قرآن در این مورد می فرماید:

(أَحْسِبَ النَّاسُ أَن يُتْرَكُوا أَن يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ)^۲

«مگر مردم برای خود اینطور حساب می کنند که، اگر گفتند ما اهل ایمان هستیم، بدون امتحان، از آنها پذیرفته می شود.» اما پس از همه اینها، خداوند به مجاهدین وعده یاری داده و به اهل خیر و نیکی اجر و پاداش عطا خواهد فرمود. قرآن در این مورد می فرماید:

1- سوره توبه آیه 32.

2- سوره عنکبوت آیه 2.

(يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَذُلُّكُمْ عَلَىٰ تَحَرَّةٍ تُنَجِّكُمْ مِّنْ عَذَابِ
الْإِيم)¹

«ای گروه ایماندار، می‌خواهید، به انجام دادن معامله ای که از
عذاب دردناک آتش شما را نجات دهد راهنمایی نمایم؟»

(فَأَيَّدَنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ)²

«آنانی را که ایمان آورده اند، بر دشمنانشان پیروز نمودیم، و خود را

موفق و غالب دیدند» الصف: 14

آیا شما هم، اشتیاق دارید که از، خدمتگزاران به دین خدا باشید؟
حسن البنا.

1- سوره صف آیه 10.

2- سوره صف آیه 14.

فصل ششم

نیاز ضروری به فهم محورهای «عمل
اسلامی»

الف: روشن بودن «هدف»

ب: روشن بودن «راه»

ج: ماهیت «انقلابی»

د: ماهیت «عمومیت»

و: راه و سنت رسول صلی الله علیه وسلم

ز: جایگاه، تواناییها در استراتیژی

«حرکت».

ضرورت آگاهی از مروج‌های «پل اسلام»

برای دست یابی به پیروزی در راستای «عمل اسلامی» سه «محور» اساسی وجود دارد که، لازم است، خدمتگزاران به اسلام از آنها اطلاع داشته باشند.

روشن بودن «هدف».

روشن بودن «راه».

اجرای دقیق والتزام به آنها.

الف: روشن بودن «هدف»

معلوم بودن مقصد وهدف نهائی در «عمل اسلامی»، خدمتگزاران ودعوتگران را به تلاش وکار بیشتر وادار نموده، واز هدر رفتن توان آنها در مسائل جانبی، ودرگیریهایی که در کوتاه ودراز مدت، ارتباطی به اهداف اساسی عمل اسلامی ندارد، جلوگیری می نماید. اهدافی که، لازم است همه، نیروها وامکانات در راستای رسیدن به آنها بکار گرفته شود.

در خلال بررسی «نظام وروش اسلامی» واندیشه در آیات کتاب خدا وسنت ونوع زندگی حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - وضمن تحقیقات عملی، وواقع بینانه در مراحل گوناگون «تاریخ اسلام» به این حقیقت پی می بریم که، سبب وعامل اساسی آمدن «پیام اسلام» وهدف نهائی مورد نظر دین خدا در خط ومسیر بندگی خدا قرار گرفتن، «افراد واجتماع» است. عبودیتی که، هم چنانکه در مسجد

وبوسیله نماز انجام می شود، در معاملات و بازار هم مراعات گردد، وبهمانصورت که، در، «روزه» او را فرمانبرداری باید نمود، در نظام حکومتی هم فرمانش را باید پذیرا شد، عبودیتی که هم «دعا» وهم «قضاء» را شامل می شود.

قرآن می فرماید:

(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)¹

«من جن وانسان را نیافریدم جز به خاطر اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند) .»

اگر بخواهیم در این زمینه با صراحت و روشنی بیشتری صحبت کنیم باید بگوئیم که عبودیت و بندگی خدا، بمعنی، پذیرش حاکمیت و سرپرستی خداوند، در همه امور و شئون زندگی است، نه فقط در امور دین، بلکه در امور مربوط به «دین ودنیا». زیرا از دیدگاه اسلام، تفاوتی میان، شئون دین ودنیا وجود ندارد، و این نظر اسلام است که، تئوری، جدائی دین از دولت را بکلی رد نموده وبر باور، «فرمانروا کار خودش را انجام دهد و خدا هم به امور خویش مشغول شود، ودین محدوده تصرفات خداست ووطن هم زمینه تصمیم گیری ومتمعلق به همه مردم،» مهر باطل می نهد.

در بینش اسلامی، بندگی خدا، بمعنی دور انداختن و پشت نمودن بهممه، مکاتب وافکار واحزابی است که در اندیشه، به بندگی وبردگی کشاندن انسانها هستند. ودر تلاشند که، زیر سلطه، طغیانگری ودیکتاتوری مردم را ذلیل نمایند.

مردود دانستن آنها به این دلایل که، اولاً: عمل و حرکت آنها، تلاشی است در جهت تجاوز آشکار به حریم فرمانروائی مطلق خدا و مسئولیت بندگی خالصانه انسانها برای او. «حکومت و قضاوت تنها متعلق به خداوند است.»

ودلیل دوم: در ذات و ماهیت خود از امکانات کافی و لازم برای تحقق بخشیدن به انسانیت انسان و پیروز گردانیدنش، در میدان جنگ با عوامل باز دارنده و مخرب، برای بازگشت به خویشتن، برخوردار نیستند. قرآن می‌فرماید:

(أَفَمَنْ تَخْلُقُ كَمَنْ لَا تَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ)^۱

«- مگر می‌شود تصور کرد- آنکسی که، آفریننده است، با کسی که، توان آفریدن را ندارد همچون هم هستند؟ چرا هوشیار و متذکر نمیشوید؟»

ب: روشن بودن «راه»

به این موضوع باید آگاهی داشته باشیم که، خدمت به اسلام، یعنی، تلاشی در زمینه اجرا و تطبیق شریعت و قانون خدا در همه جوانب زندگی فردی و اجتماعی و برداشتن همه، افکار و قوانین طاغوتی و گذاشتن اندیشه و موازین اسلامی بر جای آنها،...دستورالعمل و برنامه زندگی اسلامی، از آن چنان، شایستگی و توانائی برخوردار است که، به هیچ چیز دیگری احتیاج ندارد و از عقیده ای ارزشمند و اخلاقی آراسته و شریعتی گسترده و عمیق و سازگار، بهره مند است. بهمین خاطر، تنها در محدوده نیاز و ضرورت تلاشها و برنامه های انقلابی،

1- سوره نحل آیه 17.

و فراهم نمودن زمینه، ویران کردن پایه های جاهلیت، زندگی با آن از نظر زمان و مقدار، صحیح و ممکن است، بدین سبب که، هدف اساسی، تحقق حالت انتقال از جاهلیت به اسلام بوده، و هر عملی که، در جهت تحقق، ورشد و دست یابی به آن نباشد. مشغول شدن به کاری کم اهمیت و بدست فراموشی سپردن مهمترین و اساسی ترین تکلیف می باشد.

﴿فَلِذَلِكَ فَادَّعُ وَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ ۖ وَقُلْ ءَامَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَلْنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ تَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾

پس آنان را [به سوی همان آیینی که به تو وحی شده] دعوت کن ، و همان گونه که مأموری [بر این دعوت] استقامت کن ، و از هواهای نفسانی آنان پیروی مکن و بگو : به هر کتابی که خدا نازل کرده ، ایمان آوردم ، و مأمورم که در میان شما به عدالت رفتار کنم ؛ خدا پروردگار ما و شماست ؛ اعمال ما برای خود ما و اعمال شما برای خود شماست ؛ دیگر میان ما و شما [پس از روشن شدن حقایق] هیچ حجت و برهانی نیست ؛ خدا ما و شما را [در عرصه قیامت] جمع می کند ، و بازگشت [همه] به سوی اوست .

اما در ارتباط با، طریقه و روش عمل برای اسلام، که محور اختلاف آراء میان دعوتگران است. آن را می توان در سایه، اهداف مورد نظر اسلام، واز خلال روش و مسلک رسول خدا | برای واقعیت بخشیدن به آن اهداف، معین و معلوم نمود.

هدفی را که برنامه اسلام مورد نظر دارد و آن را دنبال می‌نماید، طبیعت راه و ابعاد آن را مشخص می‌کند، و بدنبالش، خصوصیات و علامات اساسی دستورالعمل را که، برای حرکت اسلامی در هر زمان و مکانی لازم الاجراست ترسیم می‌نماید.

در نتیجه باید پذیرفت که، روش دعوت و عمل اسلامی، لازم است، تسلیم. قواعد و اصول ثابتی باشد، که «هدف نهائی» از عمل اسلامی، آنها را دیکته می‌نماید. و تطبیق عملی سیره و سنت رسول خدا | آن‌ها را مورد تاکید قرار می‌دهد.

بسیار روشن است که، اگر روش و رسالتی دارای اهدافی «عملی» می‌باشد، راه دست‌یابی به آن اهداف هم لازم است عملی و فرهنگی بوده و با آنها کاملاً سازگار باشد. در ارتباط با اهداف تربیتی، اقتصادی، نظامی، ورزشی، و امور خیریه، هم وضع بهمان صورت باید باشد، و روش کار با هدف باید هماهنگی و هم‌خوانی داشته باشد.

چنانکه معلوم است، هدف اساسی، دین خدا و برنامه اسلام، فرمانبرداری انسان در انتخاب نوع زندگی، معاشرت با دیگران، نظامها و قوانین و در کل جوانب زندگی است. و این بدان معناست که، نظام و مقررات اسلام را جایگزین، نظامهای غیر خدائی باید کرد. و وضعی را تبدیل به وضع دیگر نمود و با تیشه اندیشه و قوانین و اصول و تمدن اسلامی، ریشه اصول و ارزشها و قوانین و تمدن جاهلی را از اساس برکند.

الف : طبیعت «انقلابی»

آنچه پیشتر بیان گردید، این حقیقت را آشکارتر می‌سازد که، طبیعت عمل و دعوت اسلامی، طبیعتی «انقلابی» و دگرگون‌ساز باید

باشد. نه بصورتیکه، تنها به بخشی و جزئی از مشکلات زندگی انسان اهمیت دهد و در صدد اصلاح و ترمیم آن برآید. بدین معنا که، طبیعت دگرگون ساز برنامه اسلام، هیچگاه راه حلهای جزئی، و پینه زدن بر پیراهن پاره جاهلیت را نمی پذیرد. و هماهنگی با روشها و نظامهای جاهلی را رد نموده و با همه، مکاتب و اندیشه های پوچ و غیر خدائی، حاضر به کنار آمدن و همکاری نمی باشد.

ب: طبیعت، در برگیرندگی.

ماهیت «عمل اسلامی» باید ماهیتی «کلی و شمولی» باشد با تمام ابعاد و مفاهیمی که این دو کلمه می توانند، بیانگرشان باشند همه نیازها و امکانات مقابله - با جاهلیت - و احتیاجات و وسائل، دست یابی به «هدف بزرگ و نهائی» را شامل شود.

معرفت فکری و بینش سیاسی و تربیت معنوی و حرکی، و تنظیم و برنامه ریزی و آمادگی انسانی و تهیه امکانات مادی در همه زمینه ها، امور و عناصری هستند، که بصورت هماهنگ باید مورد اهتمام جدی قرارشان داد.

مسائلی که، برای واقعیت بخشیدن به «کلیت» اسلامی، و رسیدن به هدف مورد نظر، بی نیاز از همدیگر نیستند. - آنهم تا زمانیکه :
(وَقَتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ)¹
«و با آنها (کفار) بجگید تا فتنه و فسادى باقى نماند و دین و مقررات آن بر همه جوانب زندگى حاکم شود.»

¹. سوره انفال آیه 39.

ج : طبیعت جهانی :

مسئله دیگری که لازم است برای همه مردم روشن باشد، آن است که، در «آگاهی و برنامه ریزی، و هماهنگی و تنظیمی»، حرکت اسلامی باید در سطح جهانی عمل نماید، و پسندیده نیست که، دعوت اسلامی، در محدوده ای تنگ و در گوشه و کنار صدایی را بلند کرده و پس از مدتی، ضعیف و ضعیفتر شود.

اسلام در محتوای فکری، و عقیدتی، نظامی است جهانی، و مرزهای منطقه ای، ملی، نژادی و زبان و فرهنگ، مانع گسترش آن نمی تواند باشد. و در جهت، زیر نظر داشتن و حل مشکلات همه جانبه و در هر شرائطی دارای اصول قانونگذاری، سازگار و قدرتمندی است. و در واقع آن را از میان مکاتب و افکار دیگر متمایز می سازد.

از خلال گسترش دامنه دار اندیشه اسلامی در اجتماع، بصورتی که، بیش از نیمی از کره زمین را در بر می گرفت. و با رهبری واحد، نشانه «جهانی بودن» دعوت اسلامی است.

اضافه بر اینکه، عالمی بودن «عمل اسلامی» واجب و ارزشی اساسی است. ضرورت‌های سیاسی و اجتماعی هم چنین ایجاب می کند. زیرا ما در زمانی زندگی می کنیم که، مشکلات، نیروها و افکار، و مذاهب و مکاتب در سطح جهانی مطرح می باشند امور اجتماعی و سیاسی، و حکومتی و منطقه ای کاملاً با هم ارتباط داشته و بهم پیوسته اند آن هم بصورتی که، بدون در نظر گرفتن، جوانب مختلف و شرائط خاص آنها، نیروهای پیدا و ناپیدا، آینده نگری و نگاهی به گذشته، محلی و بین المللی، عمل و تحرک، کاری بس مشکل و در مواردی غیر ممکن است. بررسی مسئله یا مشکلی داخلی و محلی، و تصمیم گیری در مورد

آن، هر چند بسیار کم اهمیت هم باشد. بدنبال خود زمینه رویدادهای واثراتی را در خارج فراهم کرده، وبهمانصورت برای حل بعضی از مشاكل محلی، به فعاليتها وتصميمات بين المللی، نیاز پیدا می شود.

در نتیجه، بر خدمتگزاران اسلام ودعوتگران دین که- طلایه داران «حرکت جهانی اسلام» اصیل می باشند- واجب است که از دائره افکار وبرنامه ریزی وهماهنگی محلی ومنطقه ای، خارج شوند، تا در نتیجه، استعداد ونیروهای اسلامی را از گردباد، درگیریهای خونین بر سر مادیات ومقام ومسائل کم اهمیت نجات دهند، تا به هدف نهائی وفلسفه وجودی خود دسترسی پیدا کند. وآنها را در قضایای بزرگتر ومهمتر بخدمت گیرند:

(وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ ۗ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ)^۱

«تا- قانون وشریعت- «کلمه خدا برتر وغالب باشد وبرنامه ومقررات کفار، پست تر وبی ارزشتر گردد.»

یکی از اهداف محوری «حرکت جهانی اسلام»، تهیه همه توانائیا وامکانات لازم برای به زیر کشاندن فرمانروایان سرکش وناحق می باشد. وجستجوی راه حل، برای حل مشکلات نظامهای جاهلی که حاکم به شریعت خدا نیستند بخشی از مسئوليتها واهداف حرکت ودعوت اسلامی بحساب می آید.

ادامه راه حل برای مشکلات، بوجود آمده در اثر افکار وقوانین جاهلی در زمینه های، آموزش وپرورش، وسائل ارتباط جمعی وتبلیغی،

و مایحتاج عمومی، و سیاسی و اقتصادی، و.... جزء اهداف دعوت اسلامی - در سایه نظام جاهلی- نمی باشد، و چنانچه برخورد با آن مشکلات در کوتاه و دراز مدت قرار باشد صورت گیرد، لازم است در محدوده محکومیت، نظام جاهلی و در حد افشاء مضرات و بطلان آنها صورت پذیرد، و نباید دخالت در آنها و بر رویشان کار کردن، زمینه را برای، استمرار تسلط و حاکمیت نظام جاهلی، فراهم نماید و آن را بصورت فزاینده ماندگار کند.

برای مثال چنانچه برای حل مسئله «گرانی» نظر خواهی و چاره اندیشی در خواست شود، «حرکت اسلامی» مکلف است، علت اساسی آن را که حاکمیت نظام «سرمایه داری» است بازگو نماید و برای همه روشن کند، که «گرانی» ثمره طبیعی، تسلط عده ای بر سرمایه و دارائی و ثروتهای عمومی است و آنها هستند که در زیر سایه «سرمایه داری» با بهره گیری از پدیده های شوم «احتکار» و غریزه سیری ناپذیر طمع و زیاده طلبی خود، گرفتاری «گرانی» را برای مردم بوجود آورده اند.

اسلام تنها، مکتب و برنامه مقدسی است که، قدرت، دارد. جامعه ای پاک را که در ان «عدالت» چهره واقعی خود را بتواند نشان دهد، و حقوق و حرمت و کرامت انسان محفوظ گردد، پایه ریزی نماید.

و در صورتیکه، راجع به قضیه فلسطین، مباحثی مطرح گردد، «دعوت اسلامی» مسئولیت شرعی دارد که در خلال آن، بر روی شکست سخت نظامهای حاکم، در مورد، آماده سازی مادی و معنوی امت اسلامی برای جهاد در راه خدا و بازگرداندن، سرزمینهای اشغالی بسیار تاکید کند، و بیشتر از ان، حرکت آن نظامها را بر حول محور،

قدرت‌های استعماری شرقی و غربی، بیش از پیش برای همه روشن کند. و مکلف است با تمام توان و اطمینان در گفتار و رفتار نشان دهد که برای آماده ساختن مسلمانان، و فراهم آوردن امکانات مقابله با همه دشمنیها و بدست آوردن پیروزی در همه زمینه ها، اسلام تنها راه و آخرین چاره می باشد.

میدانهای عملی و ارکان و ارزشها و پایگاههای فکری نظامهای جاهلی حاکم، لازم است بدون وقفه مورد هجوم همه جانبه، حرکت جهانی اسلام قرار گیرد و آنها را با اسلحه های کاری و دقیق خود هدف قرار دهد.

واز هر کاری که، زمینه ادامه حیاتش را فراهم می آورد جدا باید خودداری شود و هر عملی در رابطه با آن، لازم است همچون میخی تن پاره اش را پاره تر نماید و هر گامی که برداشته می شود باید در راستای زوال آن انجام شود و بهانه ای برای بقائش نباشد.

راه و سنت رسول خدا - صلی الله علیه وسلم -

برای شناخت بیشتر و روشن شدن میزان سازگاری اهداف و طبیعت روش اسلامی با سنت و نوع عمل رسول خدا، لازم است، نگاهی عمیق و محققانه به آن بیندازیم.

حقیقت آن است که، روش رسول خدا و نوع عمل ایشان، با همه ویژگیها و جزئیاتش، اساسی است که، در هر زمان و مکانی، سیر حرکت دعوت و خدمتگزاران به اسلام باید بر مبنای آن تنظیم و اداره شود.

سنت رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - در «عمل و دعوت اسلامی» سالمترین روش را ارائه می کند، و فن و شیوه صحیح برخورد با مردم را معلوم نموده و همچنین، چگونگی مقابله با جامعه های جاهلی

ویرچیده کردن آنها را مشخص کرده است.
ویژگیها و علائم بر جسته طریقه و روش رسول خدا - صلی الله علیه و سلم - را در ضمن، جملاتی مختصر می‌توان مشخص کرد.
اولاً: قبل از هر چیز، فرمانبرداری تنها از خدا بدون هر گونه ظاهر سازی و پرده پوشی اعلان بشود تا هدف معین باشد. تا هم چنانکه در ذهن دعوتگران روشن است، برای دیگران هم معلوم گردد.
(لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ)^۱
«تا خدا ناپاک را از پاک از هم جدا سازد.»

به شکل‌های گوناگونی، در وحی فرود آمده برای رسول خدا □ این اعلان وجود دارد. و همه آنها بر روی یک معنی خاص تاکید دارند، و آن فرمانبرداری مردم در همه امور زندگی برای خداوند است و عبودیت او در فرمانروائی و فریادرسی «الوهیت» و در پذیرش حقانیت «ربوبیت» او واقعیت پیدا کند.
رسول خدا | و یاران وفادارش، بدترین انواع شکنجه‌ها و آزارها را بدون آنکه، کمترین عقب نشینی را بپذیرند، و یا در تحمل بار عقیده و دعوت مردم به پذیرش آن، کم ارزشترین امتیازی را بدهند. متحمل شدند.

قرآن می‌فرماید:
(قُلْ يَتَّيِبُهَا لَكُمْ فَارُوتَ ﴿١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ)^۲

1- سوره انفال آیه 37.

2- سوره کافرون.

«به کفار بگو که آنچه را شما پرستش می کنید، من پرستش نخواهم کرد. و شما هم اطاعت گذار آنکه من عبادتش را انجام می دهم نیستید. من هم عبادتگر آنچه شما پرستیده اید نیستم، و همچنین شما هم طاعت گذار آنکه من عبادتش را انجام می دهم نیستید. دینتان برای خودتان و دین من همنه برای خودم»

بنابراین «حق» شایسته ترین چیزی است که، از آن پیروی شود، هر چند در مقابل آن بهای زیادی هم پرداخته شود.

(وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ)^۱

«بگو آنچه از طرف پروردگارتان آمده حق است، هر که می خواهد باور کند و هر کس هم که می خواهد انکار کند، مختار است.»

دوم: ایجاد هماهنگی و تشکل در بین جمعی از انسان های تلاشگر و فعال که بوسیله عقائد و ایمان دارای ارتباطی مستحکم با خدا بوده و در تنظیم و تشکل، از رهبریتی آگاه پیروی، و در مسیر هدایت و نور پیش بروند..

جمعی فعال که، بدون بررسی قدم در راهی نگذارند، و جریانات حاشیه ای و کم ارزش، از حرکت و تلاش آنها در راستای رسیدن به اهداف مهم اسلامی، جلوگیری نکند.

جمعی تلاشگر، که، سرنوشت خود را به سرنوشت اسلام پیوند داده و از همه، توجهات و تعلقات شخصی و مادی و مقطعی، فراتر روند.

جمعی که، خانه، (ارقم بن ارقم) شاهد ولادت آن بود، و ایمان در اعماق درون آنها ریشه دوانیده، و میدان های مبارزه در «بدر» وقادسیه

ویرموک، مجاهدات و فداکاریهای آنان را گزارش می‌کنند. صفحات تاریخ، از قهرمانیهای آنان حکایتها دارد، جمعی که، تربیت شده مدرسه رسول خدا بوده و بوسیله آنها، درهای دنیای آن روز را خداوند، در زیر پای سعادت آفرین دعوت اسلامی گشود. «اینها گذشتگان من هستند، مگر می‌توانی همانند آنها را بیاوری؟»

سوم: مقابله همه جانبه و گسترده و آگاهانه با، جاهلیت : رسول خدا | بخوبی می‌دانست که، بدون تحولی اساسی در زندگی مردم، در افکار و باورها، نوع زندگی و فرهنگ، و نظام های مختلف سیاسی، اقتصادی و... وقوانین، هیچگاه اسلام به اهداف خود دست نخواهد یافت.

و آماده سازی مادی و معنوی، پیشگامانی مومن و متعهد، و متناسب و هماهنگ، با سنگینی بار مسئولیت و سختی مبارزه و بزرگی اهداف، شرط اصلی پیروزی در آن میدان وسیع مقابله است.

و شرط اساسی آن آماده سازی هم این است که، کلی و همه جانبه بوده و کلیه جوانب، تربیت، عبادت، اندیشه، فرهنگ، تشکیلات، برنامه ریزی را در برگیرد و هم چنین بوسائل مختلف، و تمرین، آمادگی و جسمی و روحی خود را حفظ نماید. همه آن جوانب هم بحسب اولویت و اهمیت آن و در زمان و مکان مناسب از نظر، چگونگی و مقدار، در مراحل عمل مورد توجه قرار گیرند.

جایگاه «توانائی» در استراتژی حرکت.

در اینجا لازم است به، نقش «قوت» و امکانات در استراتژی عمل اسلامی اشاره ای بشود، تا ناآگاهی و سردرگمی باعث نشود که، کسانی آن را همه چیز به حساب آورند و بعضی دیگر، هیچ ارزشی را برای آن قائل نشوند.

امام شهید حسن البنا، رحمه الله تعالى علیه، نقش «توانائیهای» مادی در استراتیژی «حرکت اسلامی» را به این صورت بیان فرموده است.

«برای بسیاری از مردم این سوال وجود دارد که، آیا حرکت اسلامی در اندیشه استفاده از قدرت برای دست یابی به اهداف خود هست یا نه؟»

و آیا برای براندازی، نظامهای سیاسی واجتماعی حاکم، در فکر، براه انداختن، انقلابی عمومی می باشد یا خیر؟

نمی خواهم، کسانی را که، این سوال برایشان مطرح شده، در سرگردانی رها کنم. بلکه برای کنار کشیدن پرده از روی واقعیات از این استفاده می کنم، و در نهایت وضوح و روشنی، به آن جواب خواهم داد. و لازم است، بدرستی گوش فرا دهند. در همه، برنامه ها و قوانین، شعار اسلام، «قدرت و نیرومندی» است قرآن کریم با بیانی بسیار روشن اعلام می دارد که :

(وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ)^۱

«هر نوع قوت و امکاناتی را که برایتان امکان دارد، از، اسبان چالاک و برای مقابله و در وحشت انداختن دشمنان خدا و خودتان، فراهم نمائید.»

رسول گرامی اسلام می فرماید:

(الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ ...)^۲

1- سوره انفال آیه 60.

2- صحیح مسلم - (13 / 142) باب فی الأمر بالقوه و ترک الضعف ،
عن ابی هریره ا

«نزد خداوند، مومن توانا بهتر و محبوبتر است از، مومن ضعیف.»
 حتی در دعاییکه، نمایشگر، تسلیم و اظهار نیاز بدرگاه خداوند است،
 «قوت»، شعار اسلام می باشد.... برای مثال به این دعا که رسول خدا،
 خود می خواند و آن را بیارانش یاد می داد، توجه کنید.
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَلْهَمٍّ وَالْحَزَنِّ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَأَعُوذُ
 بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبَخْلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ^۱
 « خداوند، از، نگرانی و غمگینی، ناتوانی و تنبلی، ترس و خودخواهی
 و بخل، و سنگینی بارگران بدهکاری، و خشم دیگران، تنها به تو پناه می
 برم.»

تنها از کسانی انتظار خیر را داشته باشید که، در همه امورشان،
 نیرومند و توانا بوده و شعار دائمی آنها توانمندی همه جانبه است.
 ضرورت دارد که، برادران مسلمان دعوتگر، بخصوص گرویدگان به
 دعوت «اخوان المسلمین» توانا و پیر انرژی باشند و در تلاشهای خود با
 قدرت پیش بروند.

الحمدلله، «حرکت اسلامی» در افکار و دیدگاهها، بسیار قویتر
 و ژرفنگرتر از آن است که، کارهای روبنایی، و اندیشه هایی کم ارزش، آن
 را از مسیر خویش منحرف نماید، و بدون بررسی عمیق و توجه به اثرات
 و نتایج و هدفهای مورد نظر آنها را بپذیرد. «حرکت اسلامی» بدرستی
 آگاه است که، اولین و اساسی ترین مرحله «قوت» قوت در «عقیده
 و ایمان» و بدنبال آن، نیرومندی، «انسجام و وحدت» بوده و بعد از آن،
 توانائیهای «نظامی» و امکانات مادی مطرح است.

1- سنن أبی داود - (4 / 353) باب فی الإستعاذه عن ابی سعید
 الخدری

هرگاه، همه آن موارد بصورتی هماهنگ وبمیزان مطلوب، در جماعتی واقعیت پیدا نمود، می توان آن را جماعتی توانا وقدرتمند بحساب آورد. اما در شرائطی که، ارکان آن از هم گسیخته، وهماهنگی اش بهم ریخته باشد واز ضعف عقیده وفروکش نمودن نیروی ایمان، در رنج باشد، اقدام به جنگ مسلحانه واستفاده از نیروی نظامی، نتیجه ای بغیر از نابودی وسرکوب را در بر نخواهد داشت !.

این از یک نظر، اما از دیدگاه دیگر، با توجه به اینکه، شعار اسلام، در همه امور قوت وتوانمندی است، آیا در هر گونه شرائطی به بهره گیری از قدرت مادی واسلحه، سفارش نموده است؟ یا اینکه، شروط وحدودی را برای آن در نظر گرفته، وآن را در کانال خاصی جهت داده است؟ و دیدگاه دیگر این است که، آیا اقدام مسلحانه اولین راه حل است؟ وآیا ضرورت ندارد که راجع به نتایج، استفاده از نیروی مسلح، بررسی کاملی صورت گیرد ومنفعت وضرر آن با هم مقایسه شوند؟ وشرائط ومحیط اجتماعی آن به درستی مورد مطالعه قرار گیرد؟ یا اینکه، از قدرت اسلحه باید استفاده کرد وهیچیک از آن موارد را نباید با اهمیت شمرد، نتیجه هم هر چه می خواهد باشد.

پیش از استفاده از اسلحه وبراه انداختن جنگ نظامی، این ها دیدگاههای «حرکت اسلامی» است،- باید متوجه باشیم- که انقلاب وشوراندن مردم هم، یکی از مظاهر ونمودهای اساسی بهره گیری از «قدرت» است. وحرکت اسلامی راجع به آن دارای نظرات بسیار دقیق وحساب شده ای می باشد»

حسن البنا.

فصل هفتم

آگاهی از، شرائط، «بیعت و عضویت»

الف: کیفیت یا کمیت.

ب: حکم شرعی «بیعت».

ج: حکم شرعی، التزام و فرمان پذیری.

د: ارکان «بیعت».

ه: وظائف و مسئولیتها.

ضرورت آگاهی به شرایط حرکت معنویت

با قرار گرفتن مسلمانی در صفی از صف های «حرکت اسلامی»: این امکان برایش فراهم خواهد گردید که، در «عمل اسلامی» همکاری کند، البته تحت شرایط خاصی و آن اینکه، واقعیت تلخ واسف باری که امت اسلامی در آن بسر می برد، احساس نموده، و سر این سقوط و حرکت در سراسیمگی را دریابد، و ضرورت، احیاء وبرانگیختن و نجات امت اسلامی را مسئولیتی اساسی بداند و برای عروج آن در آسمان، انسانیت و تمدن و اخلاق و فضیلت وارد عمل گردیده و به ملزومات و شرائط چنین عمل و تلاشی که، تسلیم همه جانبه به، ارزشها و احکام اسلامی است پایبند بماند...

الف: کیفیت، یا کمیت.

بسیار عادی و طبیعی است که، «حرکت اسلامی» برای استحکام صف دعوتگران و بیشتر گرداندن افراد، از روشهای مختلف شرعی استفاده کند... اما این برنامه بدان معنی نیست که، بهر صورت ممکن شد، بدنبال، جمع آوری هوادار هر چه بیشتر باشد - همه می دانیم - که نوعیت و چگونگی بسیار مهمتر از، کمیت و تعداد و مقدار است. اینک «دعوت اسلامی» سعی لازم را برای، تربیت و رشد شخص، بکار گیرد و به این امید که، او جایگاه مناسب خود را در بین جماعت بیابد و در حد توان خویش، بخشی از مسئولیتها را بر دوش گیرد، کاری

طبیعی و عادی بحساب می‌آید... اما اینکه، فردی در تمام طول عمر، باری بر دوش جماعت باشد، کار درستی نیست و در واقع، بهدر دادن استعدادها بوده و ندانم کاری در عمل محسوب می‌گردد.

پیش می‌آید که، فردی از افراد جماعت، خود «امتی» است و امواج خروشان از فهم و عمل اسلامی، - و ممکن است فرد دیگری هم، باری بر دوش باشد، آنهم نه باری مفید و با ارزش، بلکه، مضر و بی‌قیمت، و در واقع، بحساب نیاموردنش بسیار بهتر و صحیحتر... در این زمینه، درسهای فراوانی وجود دارد که، می‌توان از آنها، استفاده نمود و پند گرفت...

قرآن می‌فرماید:

(لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمْ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ)^۱

«بی‌تردید خدا شما را در عرصه‌های بسیار یاری کرد و [به ویژه] روز [نبرد] حنین، آن زمان که فزونی افرادتان شما را مغرور و شگفت زده کرد، ولی [فزونی عدد] چیزی از خطر را از شما برطرف نکرد، و زمین با همه وسعت و فراخی اش بر شما تنگ شد، سپس پشت به دشمن از عرصه نبرد گریختید.»

کثرت و بسیاری افراد در مقایسه با تعدادی کم اما، مزین بمعرفت خدا، وثابت قدم واز همه چیز گذشته، در اولویت قرار دارند. فراوانی افراد، بعضی اوقات خود عامل اصلی شکست و عقب نشینی است، زیرا بعضی از کسانی که، با روح و حقیقت اسلام، آشنائی چندانی ندارند.

واگر هم از آگاهی محدودی برخوردارند، چنان که باید متعهد و ملتزم به آن نیستند. در لحظات سخت گامهایشان ناتوان و تن شان لرزان شده، و در نتیجه، زمینه در هم ریختگی و شکست معنوی و عملی را فراهم می سازند.

بهمین خاطر، در راستای آگاهی از امکانات بشری قبل از شروع به هر گونه عمل دیگر، بررسی شخصیت افراد و بارآوردن مطلوب آنها، عاملی اساسی از عوامل سلامت و قوت «حرکت» خواهد بود. این قضیه هم بدان معنی نیست که، حرکت نسبت به دیگران بخصوص آنهایی که در صف جماعت قرار دارند، بی تفاوت باشد، بلکه، با بهره گیری از آگاهی بخشی و پرورش، در جهت بوجود آوردن، ایثارگرانی استوار، مدام باید در تلاش باشد.

ب: حکم شرعی «بیعت».

در واقع «بیعت» بمعنی تعهد و پیمانی است در جهت التزام و فرمان پذیری، بدینسان که، شخص بیعت کننده با امیر و بزرگ خود پیمان می بندد که، در امور خود و مسلمین، رای و تصمیم را به او واگذار نماید، و در این رابطه با او سرکشی و مناقشه نکند، و در هر گونه شرائط سازگار و ناسازگاری، به دستورات او عمل نماید.^(۱)

«بیعت» یکی از امور عملی شده در زندگی رسول خدا - صلی الله علیه و سلم - بوده و بارها در حیات خود، با مسلمانان آن را انجام می داده است. و برای مثال می توان به بیعت عقبه اول و دوم و بیعت الرضوان اشاره کرد. و پس از رسول خدا - صلی الله علیه و سلم - هم ادامه داشته

و مسلمانان هم با مسئولین امور خود انجام می‌داده‌اند.

امام بخاری از عبادۀ فرزند صامت، نقل می‌فرماید که:

با رسول الله | بیعت نمودیم، و بیعتمان با او در ارتباط با موارد زیر بود. پذیرش و فرمانبرداری، در شرائط مطلوب و نامطلوب،... با خبرگان و متخصصین درگیر نشده و مجادله ننمائیم. و اینکه در هر نقطه و مکان حق را بگوئیم و از ملامت هیچ ملامت‌گری نترسیم.^(۱)

صدیق حسن خان در کتاب «دین خالص» ج 3 ص 137 می‌گوید: «به این حدیث می‌شود استدلال نمود که، درخواست مباحثه از طرف اصحاب - و مردم - سنت، و وفاء به آن واجب و نقص و شکستن عمومی عهدش گناه می‌باشد.»

ابن حجر عسقلانی، در توضیح این حدیث می‌فرماید: «منشط و مکره» در اینجا به این معنی است که: نسبت به آن امر علاقه مند و خوشحال، و یا از اداء و انجام دادن آن ناتوان باشیم.

داودی هم نظرش آن است که، منظور از مکره. چیزهایی است که نسبت به آنها بی علاقه بوده و برایمان ناگوار باشد.

ابن اتین هم بر این رای می‌باشد که، منظور از مکره، اموری هستند که بهنگام، ناتوانی وضع قرار است انجام پذیرند. یا اینکه، عملی نمودنشان سخت و دشوار باشد.^(۲)

ابن جزری مالکی، بر این اعتقاد است که، «قیام مسلحانه و طغیان بر

-
- 1- عَنْ عُبَادَةَ بْنِ الصَّامِتِ قَالَ بَايَعْنَا رَسُولَ اللَّهِ | عَلَى السَّمْعِ وَالطَّاعَةِ فِي الْمُنْشَطِ وَالْمَكْرِهِ وَأَنْ لَا تُنَازَعَ الْأَمْرَ أَهْلُهُ وَأَنْ نَقُومَ أَوْ نَقُولَ بِالْحَقِّ حَيْثُمَا كُنَّا لَا نَخَافُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمَةً صحیح بخاری: باب الفتن
 - 2- فتح الباری ج 13 ص 6

علیه مسئولین اموری، که از خود مسلمانان باشند، روا نیست، مگر آنکه، آشکارا مرتکب کفر گردند، و در همه اموری که انسان نسبت به آن‌ها علاقه مند، یا بی علاقه باشد آن‌ها را باید اطاعت نماید، مگر آنکه، به گناه و نافرمانی خدا فرمان بدهند در این صورت نباید از آن‌ها اطاعت کرد، زیرا در نافرمانی خالق خلق را نباید فرمانبرداری نمود.^(۱)

لازم است که، برادران دعوتگر و صادق در برخورد با مسئولین و رهبران. «دعوت اسلامی» موارد گفته شده را جدا مراعات نموده و آن‌ها را بر خود واجب بدانند. و اندیشمندتر و بزرگوارتر از آن باشند که، نیرو و وقت خود را برای، آگاهی و افشاء، عیب و اشتباهات برادرانشان، بکار گیرند، زیرا «حسن ظن» یکی از اصول واجب در دین بوده و مراعاتش بسیار ضروری است. و روشهای حزبی- در عیبجویی و تجسس احوال افراد- بدور از تقوی و دین بوده. و بدعت و گمراهی است.

ج: حکم شرعی، اطاعت و فرمان پذیری:

اطاعت بمعنی، اجرای دستورات است، اگر اطاعت عملی نگردد، معصیت و مصیبت جای آن را خواهد گرفت... بعضی اوقات، زمینه سازی برای گرفتاری و گناه و اهل ایمان پوشیده می ماند، و زمانی متوجه آن می شود که، نتایج آن عملاً ظاهر شوند. بهمین خاطر بسیار ضرورت دارد که، مواظب، گفتار و کردار و موضعگیری و قضاوتهایشان باشند، تا برای اهل ایمان، زحمت و گرفتاری نیافرینند.

اطاعت از، مسئولین دعوت و حرکت و حکومت اسلامی، بشرطیکه نافرمانی خدا و رسول او نباشد، واجب است. دلیل آن هم این آیه قرآن است که :

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا)¹

«از خدا و فرستاده او و مسئولین اموری که از خود شما هستند، اطاعت نمائید. چنانچه راجع به چیزی میان شما اختلاف روی داد، به خدا و رسول او – قرآن و سنت – مراجعه نمائید. اگر به خدا و قیامت باور دارید، این برای شما بهتر و پسندیده ترین کار است و مناسبترین مراجعه به مرجع مطمئن.»

از ابوهریره (رض) نقل گردیده است که:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَنْ أَطَاعَنِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَمَنْ أَطَاعَ أَمِيرِي فَقَدْ أَطَاعَنِي وَمَنْ عَصَى أَمِيرِي فَقَدْ عَصَانِي²

رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرموده است. «هر که مرا فرمانبرداری کند، خدا را فرمانبرداری نموده، و هر کس مرا نافرمانی کند، خدا را نافرمانی کرده است. و هر کس مسئولی را که من تعیین کرده ام اطاعت نماید مرا اطاعت نموده و هر که، او را فرمانبرداری نکند مرا فرمانبرداری نکرده است.»

امام بخاری از حضرت انس بن مالک (رض) نقل می نماید که:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَإِنْ اسْتَعْمِلَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ حَبَشِيٌّ كَانَ رَأْسُهُ زَيْبَةً³

1- سوره نساء آیه 59.

2- صحیح البخاری - (22 / 42) باب قول الله تعالى و اطيعوا الله و ...

3- صحیح البخاری (22/50) باب السمع و الطاعة للإمام ما لم يأمر ...

رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرموده است:
 «اگر برده ای سیاه پوست را هم، امیر ومسئول شما قرار دادند، باید از او اطاعت کنید.»

هم چنین از ابن عباس نقل می کنند که:
 قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ رَأَى مِنْ أَمِيرِهِ شَيْئًا فَكَرِهَهُ فَلْيَصْبِرْ فَإِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ يُفَارِقُ الْجَمَاعَةَ شَيْئًا فَيَمُوتُ إِلَّا مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً 1
 و في رواية : فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ

پیامبر بزرگوار اسلام - صلی الله علیه وسلم - فرموده است
 «اگر کسی از امیر ومسئول خود، چیز ناپسند را دید، تحمل نماید.
 زیرا هر کس، به اندازه یک وجب از جماعت جدا شود، ودر آن حال
 بمیرد، مرگ او مرگی است در «جاهلیت» ودر روایت دیگر فرموده
 است. «گردنبند گرویدن به اسلام را از گردن خود برکنده است.»

امام بخاری از عبدالله پسر عمر [روایت می نماید که:
 عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ السَّمْعُ وَالطَّاعَةُ عَلَى الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ
 فِيمَا أَحَبَّ وَكَرِهَ مَا لَمْ يُؤْمَرْ بِمَعْصِيَةٍ فَإِذَا أُمِرَ بِمَعْصِيَةٍ فَلَا سَمْعَ وَلَا طَاعَةَ 2

رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - فرموده است. «در امور خوش
 آیند وناخوشایند، باید فرمانبردار بود. مگر آنکه، به چیزی او را مامور
 کنند که گناه ونافرمانی خدا باشد.در این صورت اطاعت والتزام مطرح
 نمی باشد.»

امام بخاری از حضرت عمر بن خطاب (رض) روایت می کند که:

1- صحیح البخاری (22 / 51) باب السمع و الطاعة للإمام ما لم يأمر

2- نفس المصدر

إِنَّ أَنَاسًا كَانُوا يُؤْخَذُونَ بِالْوَحْيِ فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَإِنَّ الْوَحْيَ قَدْ انْقَطَعَ وَإِنَّمَا نَأْخُذُكُمْ الْآنَ بِمَا ظَهَرَ لَنَا مِنْ أَعْمَالِكُمْ فَمَنْ أَظْهَرَ لَنَا خَيْرًا أَمْنَاهُ وَقَرَّبَنَاهُ وَلَيْسَ إِلَيْنَا مِنْ سَرِيرَتِهِ شَيْءٌ اللَّهُ يُحَاسِبُهُ فِي سَرِيرَتِهِ وَمَنْ أَظْهَرَ لَنَا سُوءًا لَمْ نَأْمَنَهُ وَلَمْ نُصَدِّقْهُ وَإِنْ قَالَ إِنَّ سَرِيرَتَهُ حَسَنٌ¹

ایشان فرموده اند؛ در زمان رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - مردم به آیات قرآن و وحی مراجعه می کردند، و اکنون وحی قطع گردیده است. در مورد شما ما، ملاک را ظاهر اعمالتان قرار می دهیم، هر کسی ظاهر اعمالش خوب و شرعی باشد، کاری به درون و اسرار او نداریم، او در مصئونیت بوده و برادر ماست. و حساب اسرار او با خداست.... و ظاهر کردار هر کس هم بدو خلاف شریعت باشد، از او گذشت نخواهیم نمود، و کارهای او را تایید نمی نمائیم. هر چند که، بگویند، نیت و قصد او درست و خوب بوده است^(۲)»

د: ارکان و اصول «بیعت».

گرویدن به «حرکت جهانی اسلام» در واقع همان پذیرش اسلام، و طلوع فجر جدیدی در ارتباط با خداوند و پیمان عمل و جهاد در راه اوست.

امام شهید حسن البنا (رض) ارکان بیعت را بطور خلاصه این گونه بیان می فرماید: «بیعت و پیمان «بودن با ما، بر ده اصل استوار است. لازم است، آنها را خوب بدانید و در عمل مراعات نمائید.

1- معرفت و شناخت.

1- صحیح البخاری - (9 / 118) باب الشهداء العدول

2- صحیح امام بخاری ج 9 ص 209

- 2 اخلاص.
 - 3 عمل.
 - 4 جهاد.
 - 5 از خودگذشتگی.
 - 6 فرمانبرداری.
 - 7 استقامت.
 - 8 پرهیز از، افکار و احزاب غیر اسلامی.
 - 9 برادری.
 - 10 - اطمینان و حسن ظن به رهبری .
- امام شهید، هر یک از این اصول را این گونه توضیح می فرماید:

اول: معرفت و شناخت.

در مورد افکار و آرمان ما این اطمینان را پیدا کند که همان روح و حقیقت اسلام است. و اسلام را بدانصورت که ما فهمیده ایم، در محدوده اصولی بیست گانه که بطور بسیار مختصر گفته خواهد شد. فهم بنماید.

1 اسلام نظام و دستور العملی دربرگیرنده برای اداره همه امور مادی و معنوی زندگی می باشد.

2 در جهت آگاهی به احکام اسلام، «قرآن و سنت» مرجع هر مسلمانی است.

3 نتیجه، ایمان آگاهانه و صادقانه، و عبادت صحیح، و مجاهدت، نور و شیرینی خاصی است که، خداوند در قلوب هر یک از بندگان خود بخواند بوجود می آورد. اما ادعای آگاهی از نهانیهها، رویا، والهام و آنچه در دل نمود پیدا می کنند، دارای هیچ ارزش و اعتباری نیستند مگر

- آنکه، با احکام و اصول اسلامی هیچگونه مخالفتی نداشته باشند.
- 4 - مواردی همچون، دعای دفع جن و چشم بد، جادو و افسونگری، آویختن مهره و... - برای جلب نفع یا دفع ضرر - کف بینی، ادعای آگاهی از اسرار و فالگیری و... حرام و معصیت است و با آنها باید مقابله بشود... مگر آنکه، آیه ای از قرآن یا دعای نقل شده ای از رسول خدا باشد.
- 5 - راجع به امور اجتهادی و چند پهلوه که در قرآن حکمی در موردشان نیامده است، رأی رهبر مسلمانان و جانشین او، مورد قبول و عمل می باشد. مگر آنکه با حکم و اصل شرعی تضاد داشته باشد.
- 6 - بغیر از معصوم «رسول خدا» رأی و کلام هر کسی را می توان قبول یا رد کرد.
- 7 - هر مسلمانی که، به درجه اجتهاد و بیرون آوردن دستورات دین از منابع اصلی «قرآن و سنت و...» نرسیده باید به یکی از رهبران وائمه دین اقتداء کند.
- 8 - اختلاف نظر در مسائل فرعی و جانبی فقهی، نباید عامل ایجاد صف بندی مسلمانان در مقابل یکدیگر و نزاع و درگیری بشود.
- 9 - کنجکاوی و مجادله در مورد مسائل غیر عملی، مسئولیت تراشی و در دسر درست کردن است که از آن شدت نهی شده است.
- 10 - مهمترین وارزشمندترین، افکار و عقائد اسلامی، شناخت خداوند - از طریق نشانه ها و دلائل و اسماء و صفات - و «توحید» - نفی عبودیت و استعانت از غیر - است.
- به آیات و احادیثی که راجع به صفات خداوند وجود دارند. بدون تاویل و توجیه و اهمال معنی، ایمان داریم.
- 11 - هر گونه اضافه یا کم کردن به احکام دینی که براساس دلیل

واصلی معتبر نباشد، بدعت و حرام بوده و باید با آن بهترین و مناسبترین وسیله مقابله گردد.

12 - در مورد اضافه یا کم نمودن به عبادات مستحب، و پابندی به نوعی خاص از عبادات اختلاف نظر فقهی وجود دارد، و برای کشف حقیقت، مانعی ندارد که، بحث و مجادله همراه با دلیل صورت پذیرد.

13 - محبت و احترام به نیک مردان، و تمجید و ستایش از آنها، بخاطر نیکوکاریشان و صرفاً بخاطر رضایت خداوند، دارای اجر و پاداش می باشد.

14 - دیدار از قبرستان متعلق به هر کسی که باشد - با هدف یادآوری مرگ و قیامت - و با رعایت شیوه مشروع، سنت و مطلوب است.

15 - در مورد دعا و درخواست از خداوند، بصورت واسطه قرار دادن یکی از مخلوقات و بحاجت آوردن آنها درگاه او. اختلاف نظر فقهی وجود دارد، و قضیه به کیفیت دعا برمی گردد و ربطی به مسائل عقیدتی ندارد.

16 - حقائق و پذیرفته شده های الفاظ و معانی شرعی را نباید فدای «عرف» نادرست نمود.

17 - اساس و پایه همه کردارها، «عقیده»، بوده و عمل «قلب» مهمتر از عمل ظاهری است. و هر چند میان این دو نوع عمل تفاوت بسیار است، اما، بدنبال رشد و تکامل هر دوی آنها بودن شرعاً مسئله ای لازم و مطلوب می باشد.

18 - اسلام «عقل» را از اسارت آزاد نموده، و آن را به «تفکر» در پدیده ها ترغیب می کند. منزلت «علم» و علماء را بسیار گرامی می دارد. و در همه امور آنچه را که، دارای منفعت و خیر است تایید می کند.

19 - مواردی پیش می آید که دو دیدگاه «شرعی» و «عملی» پا را از محدوده خود فراتر نهاده و وارد قلمرو دیگری می گردند. اما در

مسائل قطعی و یقینی با هم اختلاف نخواهند داشت. بدین معنی که، هیچگاه، حقیقتی علمی و صحیح، با اصل شرعی ثابتی، برخورد و تضاد پیدا نخواهند کرد. - اما چنانچه - چنین اختلافی روی داد، هر یک را که «ظنی» باشد توجیه و تاویل نموده و آن را تابع، آن طرفی که «قطعی» است می‌گردانیم در صورتیکه هر دوی آنها «ظنی» بودند، دیدگاه فقهی در پذیرش و پیروی اولویت دارد، تا وقتیکه دیدگاه علمی، ثابت شده یا بی اعتباریش مشخص شود.

20 - هر کس را که، «الوهیت» و فرمانروائی و فریاد رسی خداوند و دعوت و رسالت حضرت محمد □ مُقَرَّر و معترف باشد، و بر مبنا و خواسته آنها عمل کند، واجبات را انجام دهد متهم به کفری نمی‌کنیم، مگر آنکه، سخن و عملی از او سر بزند که بجز کفر معنای دیگری نداشته باشد.

دوم: اخلاص

بدین معنی که، هدف دعوتگران از گفتار و رفتار و مجاهداتشان چیزی بجز رضایت خدا نبوده و هیچگونه چشمداشتی به مال و مقام و شهرت و.... نداشته باشند تنها در این صورت است که او همچون سربازی در اختیار آرمان و عقیده خواهد بود، و برده هواپرستی و منفعت طلبی نخواهد شد.

سوم: «عمل».

منظور از «عمل»، تلاش همه جانبه در راستای اهداف زیر است.

1 اصلاح اندیشه و اخلاق و سلوک انسانها.

2 تربیت و تشکیل خانواده اسلامی.

- 3 هدایت وارشاد جامعه.
- 4 آزاد سازی، سرزمینها اسلامی.
- 5 اصلاح حکومتها تا زمانی که به حقیقت اسلامی شوند.
- 6 بازگرداندن، ماهیت و وجود بین المللی برای «امت اسلامی».
- 7 ارائه الگو و رهبریت جهانی بوسیله نشر «دعوت اسلامی» تا زمانی که، قانون و نظام مورد پسند خدا بر همه جامعه ها حاکم گردد، و فتنه و فسادى باقى نماند.

چهارم: جهاد:

جهاد همان واجب و مسئولیت ماندنی تا روز قیامت است. و چیزی که مورد نظر رسول خدا | در این حدیث می باشد. که:

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَغْزُ وَلَمْ يُحَدِّثْ بِهٖ نَفْسَهُ مَاتَ عَلَى شُعْبَةٍ مِنْ يَفَاقٍ^۱

«هر کسی که با دشمنان دین مقابله و جهاد ننموده و قصد آن را هم نداشته باشد مرگ او در آن وضعیت مرگی است در جاهلیت.»

پنجم: از خود گذشتگی.

زمانی فداکاری و از خود گذشتگی واقعیت خارجی دارد که، جان و مال و همه چیز را در جهت تحقق اهداف بخدمت درآوریم.

ششم: فرمانبرداری.

بدین معنی که، همه دستوراتی را که هر چند خوش آیند یا ناخوش آیند باشند، و در وضعیت سخت و ناگوار و یا عادی بما داده می شود، با رغبت و رضایت انجام دهیم.

هفتم: استقامت.

هر چند زمان به درازا هم بکشد و سالها بر دعوت سپری گردد. تا آخرین لحظات زندگی و رسیدن به یکی از دو هدف ارزشمند - شهادت یا پیروزی - از جهاد و تلاش همه جانبه کوتاهی نکنیم.

هشتم: پرهیز از افکار واحزاب غیر اسلامی.

از همه اشخاص و اندیشه ها واحزاب بکلی باید بریده شود. و صادقانه بخدمت فکر و دعوت ارزشمند و فراگیر اسلامی درآمد.

قرآن می‌فرماید: (صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ صِبْغَةً وَخُنُّ لَهُ عَبِيدُونَ)^۱

[به یهود و نصاری بگوئید : [رنگ خدا را] که اسلام است ، انتخاب کنید] و چه کسی رنگش نیکوتر از رنگ خداست ؟ و ما فقط پرستش کنندگان اوییم .

نهم: برادری.

همه قلبها واحساسها لازم است بوسیله، ریسمان «عقیده» که محکمترین وارزشمندترین وسیله ارتباطی است، بهم پیوسته باشند.

دهم : اطمینان وحسن ظن به رهبری .

اطمینان واگاهی سربازان دعوت اسلامی، از، شایستگی و اخلاص، رهبر و مرشد خویش، آن هم اطمینان همراه با محبت واحترام فرمانبرداری، بسیار ضروری وحیاتی است.

1- سوره بقره آیه 138 .

مسئولیت‌های سربازان «دعوت اسلامی»

اما شهید حسن البنا، مسئولیت‌های دعوتگران ا «حرکت جهانی اسلام» را در «رساله التعالیم» بصورت کوتاه بیان فرموده است، اصولی که، با همه جوانب زندگی فردی خانوادگی و اجتماعی انسان در ارتباط مستقیم می باشد.

ایشان می فرمایند، ایمان واعتقاد شما برادران به این «بیعت» وپیمان، به معنی احساس مسئولیت والتزام به مسئولیت‌های زیر است، تا بتوانی در برپائی کاخ با عظمت اسلام نقشی را ایفا نمائی.

1- در رابطه با قرائت قرآن، برنامه روزانه ای را در حد یک جزء داشته باشی. البته بهتر آن است که، ختم آن از یک ماه بیشتر به طول نیانجامیده واز سه روز هم کمتر نباشد.

2- جهت بهتر نمودن قرائت قرآن، شنیدن واندیشیدن در معانی آن تلاش کن، در روش زندگی رسول خدا | و سرگذشت پیشینیان نیکوکار تا جائی که وقت بشما اجازه می دهد. تحقیق ومطالعه کن، وحدافل کتابی که در این زمینه لازم است مطالعه شود، کتاب «حماء الاسلام»^(۱) است. فرموده های رسول خدا را بسیار مطالعه کن، بهتر است حداقل چهل حدیث از احادیث صحیح را حفظ کنی، واربیین امام نووی (رض) بسیار مطلوب است. مطالعه ومدارسه دو رساله یکی در «اصول عقائد» ودیگری «در اصول فقه»، بسیار ضروری می باشد.

1- برای کسانی که به زبان عربی آشنائی دارند، بهترین کتابها برای مطالعه در سیره رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - عبارتند از: 1- فقه السیره - محمد غزالی. 2- فقه السیره رمضان البوطی، 3- الفقه الحرکی فی السیره، منیر الغضبان 4- الرسول القائد، محمود شیت خطاب

- 3 برای آگاهی از وضع جسمی و بهداشتی خود آزمایشهای عمومی را فراموش مکن. و چنانچه از مرضی رنج می‌بری هر چه سریعتر اقدام به معالجه اش بنمائی. از هر وسیله ای برای، ازدیاد توان جسمی و مصئونیت آن بهره گیری کن، و از هر چیزی که مایه ضعف جسمی و در خطر انداختن سلامت و بهداشت بدن می‌شود. پرهیز بنما.
- 4 از اسراف در نوشیدن قهوه، چای و دیگر نوشیدنیها، بخصوص آنهایی که تاثیر منفی بر جسم و روان دارند، جداً پرهیز کن، مگر در مواقع ضرورت، و هیچگاه نباید خود را به سیگار عادت دهی.
- 5 در محل سکونت، لباس، خوراک و بدن، محل کار، و... لازم است نظافت را رعایت کنی، زیرا اساس دین بر نظافت است.
- 6 هیچگاه زبان خود را به دروغ آلوده ننموده و راستگو باشی.
- 7 نسبت به وعده و پیمان خود، وفادار بوده و هیچوقت از آن تخلف نکنی.
- 8 شجاع و بردبار باشی. و با ارزشترین شجاعت. صراحت در بیان حق، راز نگه داری، اعتراف به اشتباه خود، رعایت عدالت و انصاف، و تسلط بر خویشتن است.
- 9 وقار و شخصیت خود را در هر شرائطی حفظ کنی و مدام در سخن و عمل خود جدی باشی اما، جدی بودن نباید از، شوخی و مزاح، شرعی و درست و گشاده رویی شما جلوگیری نماید.
- 10 - بسیار با شرم و حیاء و هوشیار و زیرک بوده و نسبت به خوب و بد، بی تفاوت نباشی، - برای خوبیها خوشحال و نسبت به بدیها غمناک شوی - بدون احساس حقارت و ریاء و ترس، متواضع باشی، همیشه کمتر از چیزی که لیاقتش را دارید، بخواهید تا امکان دست یابی به آن را داشته باشید.

11 - در هر حال و شرائطی، درست قضاوت نموده و عدالت را رعایت کن ناراحتی از کسی باعث نشود، خوبیهایش را فراموش کنی. و در مقابل دیدن بدیها چشم رضایت را بر هم نگذار. دشمنی با کسی، نباید زیباییهایش را جلو چشمانت نازیبا نشان دهد. حقگو باش هر چند تلخ باشد و به زیان خود و نزدیکترین نزدیکانت تمام شود.

12 - بسیار جدی و تلاشگر بوده، و خدمات عمومی را فراموش نکنید. بسیار خوشحال باشید از اینکه، توفیق خدمت و حل مشکل انسانی را پیدا کرده اید. به عیادت افراد مریض بشتابید نیازمندان را یاری دهید ضعفا را دستگیری کنید، بلا زده را اگر تنها به یک کلمه شیرین و پاک هم شده، تسلیت بخشید، و در کارهای خیر پیشقدم شوید.

13 - مهربان و با محبت و بخشنده و با گذشت باش، - نسبت به انسان و حیوان، آرام، و با عطوفت و نرمی رفتار کن، با همه مردم رابطه ای درست و موضعگیری مطلوبی داشته باش. آداب و دستورات اجتماعی اسلام را رعایت کن، با کودکان مهربان و با بزرگان با ادب باش، در مجالس، برای دیگران جایی را در نظر بگیر. هیچگاه جاسوسی و غیبت مکن و بر سر دیگران فریاد مکش، و برای رفتن و برخاستن از منزل دیگران اجازه بخواه...

14 - سعی کن خوب قرآن را قرائت نموده، و زیبا بنویسی، و کتابها و مجلات «جماعت اخوان المسلمین» را هر چه بیشتر و بهتر مطالعه کن، برای خود کتابخانه ای هر چند کوچک را فراهم کن، چنانچه در رشته ای کار می کنی سعی کن به مهارت و تخصص دسترسی پیدا کنی به جریانات عمومی اسلامی اهمیت بده و سعی کن چنان از آنها

آگاه باشی که بتوانی اظهار نظر نموده و حکم و موضعگیری صحیح و سازگار با باورت را داشته باشی.

15 - هر چند بی نیاز هم باشی. بهتر است. شغلی اقتصادی را داشته باشی، کار آزاد را بر کار اداری هر چند ساده هم باشد ترجیح دهید. و هر چند دارای نام و مقام علمی هم باشید. بهتر است خود امور آن را انجام دهید.

16 - به کارهای حکومتی، چندان علاقه مند مباش، و آن را محدود ترین درهای روزی بدان، اما اگر بسادگی می توانی به آن دست یابی بهتر است قبول کنی، واز آن استفاده برده، مگر آنکه با مسئولیتهای دینی و دعوتی شما سازگاری نداشته باشد.

17 - تلاش کن به مسئولیتهای خود، بصورتی بسیار مطلوب و درست و بدون غل و غش، و در زمان خود حاصل کنی.

18 - اگر بر کسی حقی دارید، برای دست یابی به آن از بهترین و شرعی ترین روش بهره بگیرید. و بدون آنکه از تو درخواست شود. حق دیگران را بدون کم و کاست و در موعد معین اداء کن.

19 - به هر مقصد و هدفی که باشد، از میگزاری در شکلهای مختلفش پرهیز کن، از تجارت و کاسبی حرام، هر چند سود فراوانی را هم بدنبال داشته باشد خودداری بنما.

20 - در همه معاملات، دامن خود را به «ربا» آلوده مگردان. و جدا از آن دوری کن.

21 - با برنامه ریزی برای طرحهای اقتصادی و عام المنفعه، سرمایه های اسلامی را بکار گیرید. (در هر گونه شرائطی باید پول و ثروت مسلمانان را از تسلط و دست برد بیگانگان، محفوظ بدارید. و بغير از،

- تولیدات ممالک اسلامی، برای لباس و خوراک بهره گیری ننمائید.
- 22 - بوسیله مساعدتی هر چند ناچیز دعوت اسلامی را یاری ده، زکات اموالت را فراموش مکن، و در ثروت خود برای، گدایان و محرومان - هر چند کم و جزئی - حقی را معلوم کن.
- 23 - بخشی از دارائیت را برای مواقع ضروری پس انداز کن و هیچگاه بدنبال رفاه طلبی راه پیش مگیر.
- 24 - برای احیاء فرهنگ و عادات اسلامی، وریشه کن کردن فرهنگ غیر اسلامی، در همه مظاهر و جوانب زندگی، تا جائی که امکان دارد. تلاش کن. بخصوص در موارد زیر.
- در نوع سلام و احوالپرسی.
- زبان و لغت و نوشتن.
- تاریخ، و تحلیل واقعیتها.
- لباس و وسائل زندگی.
- روزهای کار و ایام تعطیلی.
- در خوراک و نوشیدنی.
- در رفت و آمد و مهمانی و مسافرت.
- در جشن و عزاء و...
- در همه مواردی که بیان گردید، مراجعه به سنت مطهر رسول خدا بسیار لازم و ضروری است.
- 25 - با همه دادگاههای غیر اسلامی، اجتماعات، کنفرانسها، مجلات، کتب، و مدارس و دانشگاهها و هیئتهای غیر اسلامی، که با فکر و اندیشه اسلامی تو سردشمنی دارند، قطع رابطه کن.
- 26 - در هر احوال و شرائطی، حضور و نظارت خداوند و محاسبه در دادگاه آخرت را فراموش نکرده و خود را برای آن آماده سازید. و با همت

واراده، منازل بسوی رضایت خدا را طی کنید، سعی نمائید بوسیله عادات مستحب خود را بیشتر به خدا نزدیک نمائید. بخصوص، نماز شب، و دست کم سه روز روزه در ماه، اذکار قلبی و زبانی، و دعا‌های مأثور و صحیح را فراموش نکنید.

27 - در طهارت و نظافت جدی بوده و سعی نمایند بیشتر اوقات را وضوء داشته باشید.

28 - در مورد نماز، تلاش نمائید. آن را بصورتی پسندیده. و در وقت خود، و حتی الامکان در مسجد و بصورت جماعت اداء کنید.

29 - ماه رمضان را روزه گرفته، و در صورت استطاعت حج را انجام دهید و چنانچه، استطاعت مالی نداشتید، تلاش کنید این توانائی را پیدا کنید.

30 - در هر حال و شرائطی، نیت و روح «جهاد» و محبت «شهادت» را فراموش مکنید، و حتی الامکان خود را برای آن آماده نمائید.

31 - هیچگاه از تجدید توبه و طلب بخشش از خداوند غفلت ننموده، و نه اینکه از گناهان بزرگتر پرهیز نمائید، بلکه خود را از نافرمانیهای کوچکتر هم حفظ کنید. دقایقی قبل از خواب را برای بررسی، اعمال خیر و شر خود در نظر بگیرید. و با توجه به ارزش بسیار عمر، از آن خوب استفاده نمائید و بیهوده آن را بکار نگیرید. از امور مشکوک و نامشخص دوری کنید تا مرتکب حرام نگردید.

32 - آن چنان، با نفس و کششهای انحرافی خود مقابله کن که، بصورت همه جانبه برای آن تسلط پیدا نمائی، از نگاه کردن به نامحرم جدا پرهیز نموده و بر احساسات و کششهای مادی خود غالب باش، خود را به کار و امور خیر عادت بده، از ارتکاب حرام هر چه باشد، خود را محفوظ کن.

- 33 - از کلیه انواع مواد مخدر و مست کننده جدا پرهیز کن.
- 34 - از هم نشینی با دوستان ناهل، واهل فساد، واماکنی که در آن نافرمانی خدا انجام می شود، دوری کنید.
- 35 - نه اینکه به مراکز فساد و گناه نباید رفت و آمد داشته باشی بلکه، حتی الامکان - برای برچیده شدن آنها باید تلاش کنی. و از هر گونه، امور لهو و لعب و باز دارنده از راه خدا، دوری کن.
- 36 - سعی کن با دوستان و همکاران خود، آشنائی خصوصی و مطلوب داشته، و خود را نیز بخوبی به آنها معرفی نمائی. و در حق آنان حقوق برادری از قبیل، محبت، احترام، مساعدت، فداکاری را انجام دهید. در اجتماعات و جلسات آنها بجز در مواقع وجود عذری ضروری، حضور پیدا نمائید.
- 37 - با هر نوع هیئت و جماعتی، که بودن با آن در مصلحت جماعت و دعوت اسلامی نیست، بکلی قطع رابطه نمائید، بخصوص وقتی که، در این رابطه بشما امر می شود.
- 38 - در هر شرائطی مسئولیت. تبلیغ و نشر دعوت اسلامی را فراموش نکرده، و مسئولین خود را در مورد وضع خویش کاملاً در جریان قرار دهید. از اقدام بهر کاری که، بر روی کار دعوت اسلامی می تواند موثر واقع شود. بدون اجازه، پرهیز نمائید. مدام با «دعوت و حرکت جهانی اسلام» ارتباط معنوی خود را حفظ کن. و خود را بسان سرباز در سنگری بدان که هر آن در انتظار فرمان است.
- حسن البناء.

والسلام علینا وعلی عبادالله الصالحین

پایان

فهرست تفصیلی موضوعات

پیش درآمدبخش نخست	2
فصل اول	3
مسلمان بودن در «عقیده»	3
فصل دوم	17
مسلمان بودن، در «عبادت و بندگی»	17
فصل سوم	33
مسلمان بودن در اخلاق و رفتار.	33
ضرورت پایبندی به اخلاق اسلامی	34
صفات و ویژگیهای اخلاقی «مسلمان».	38
دوری از امور «شبه» و مشکوک.	38
پرهیز از نگاه کردن به نامحرم.	39
حفظ زبان:	41
حیاء و شرم.	42
صبر و شکیبائی.	43
صداقت و درستی.	50
تواضع و فروتنی	52
دوری از بدگمانی و کنجکاوای در امور مخفی دیگران.	52
سخاوت و بخشندگی.	54
ضرورت پایبندی به مسئولیتهای دینی در خانواده	57
مسئولیت های پیش از ازدواج.	59
مسئولیت پس از، ازدواج.	62

- 65----- مسئولیت مشترک، تربیت اولاد.
- 69----- ضرورت تسلط بر خویشتن.
- 70----- گروه‌های گوناگون مردم.
- 72----- عوامل پیروزی در جنگ با «نفس».
- 72----- 1- بیداری قلب.
- 74----- 2- عقل :
- 77----- بازتابها ومظاهر، شکست در میدان مبارزه با «نفس»
- 80----- عوامل، بازدارنده از، «تسلط شیطان».
- 86----- ایمان داشته باشیم که آینده از اسلام است
- 86----- «خدائی بودن» قوانین اسلامی.
- 87----- «جهانی بودن» برنامه اسلام.
- 87----- برنامه ای «انعطافت پذیر»
- 87----- برنامه ای: «همه جانبه»
- 89----- اطمینان به ناتوانی قوانین وبرنامه های غیر خدائی
- 91----- بخش دوم
- 91----- معنی ومسئولیت گرویدن به «حرکت جهانی اسلام»
- 93----- مقدمه
- 95----- زندگی را وقف اسلام باید کرد.
- 95----- الف: دنیا پرستان.
- 97----- ب: وامانندگان سرگردان:
- 99----- ج: کسانی که، دنیا را مزرعه آخرت می دانند.
- 102----- د: چگونه، می شود در خدمت اسلام بود؟
- 102----- 1- درک، فلسفه زندگی:
- 103----- 2 - درک ارزش دنیا، در مقایسه با آخرت:

- 3- یقین به، حتمی بودن مرگ، و پند پذیری از آن: ----- 106
- 4- آگاهی یافتن به حقیقت اسلام. ----- 108
- 5- شناخت ماهیت جاهلیت و زندگی غیر دینی: ----- 109
- صفات خدمتگزاران به اسلام. ----- 110
- 1- پایبندی عملی به دستورات اسلام: ----- 110
- 2- ترجیح مصلحت دین، بر همه امور دیگر: ----- 112
- 3- افتخار به حق خواهی و اطمینان بخدا: ----- 113
- 4- همکاری با خدمتگزاران به اسلام: ----- 114
- ایمان به وجوب خدمت به اسلام و عمل اسلامی. ----- 117
- الف: ضرورت عمل اسلامی، از نظر اصولی و بنیادی : ----- 118
- ب: وجوب «عمل اسلامی» از نظر شرعی: ----- 120
- ج: وجوبی، زائیده ضروریات و نیازها : ----- 122
- د: ضرورت تلاش، فردی و گروهی : ----- 124
- پنجم : من جاهد فإنما یجاهد لنفسه ----- 127
- اهداف حرکت جهانی اسلام ----- 134
- ویژگیهای بنیادی حرکت جهانی اسلام ----- 141
- الف : خدائی بودن حرکت . ----- 141
- ب : خود جوش و خودکفا. ----- 142
- ج : انقلابی و پیشتانز: ----- 142
- د : فرا گیر و همه جانبه. ----- 143
- هـ: درگیر نشدن با مسائل اختلافی، ----- 144
- ویژگیهای عملی و حرکی ----- 146
- دوری از تسلط یافتن حکام و سیاستمداران : ----- 146
- مرحله بندی، و برداشتن گامها بصورت آرام و حساب شده: ----- 146

- 147----- مرحله اول: آگاهی و شناساندن دعوت «تعریف» :
 147----- مرحله دوم: سازماندهی:-----
 147----- مرحله سوم: عمل واجرا:-----
 148----- کار وتلاش را، بر ادعا وتبلیغات برتری دادن:-----
 148----- طولانی بودن راه «سیاست نفس عمیق» :-----
 151----- آشکار بودن «دعوت» ومخفی ماندن «تنظیم»:-----
 152----- عزلت قلبی وحضور جسمی:-----
 155----- هدف وسیله را توجیه نمی کند:-----
 162----- وسایل وامکانات حرکت جهانی اسلام-----
 167----- ضرورت شناخت روشهای عمل اسلامی-----
 167----- وچرا حرکت اسلامی؟-----
 168----- الف: در بعد «روحی ومعنوی»-----
 168----- ب: در بعد «فرهنگی»-----
 169----- ج: در بعد، «امور خیریه»-----
 169----- د: در بعد «سیاسی»-----
 170----- ه: بالندگی وتکامل بخشی، «حرکت اسلامی»-----
 173----- ضرورت آگاهی به ابعاد گرویدن به حرکت جهانی اسلام-----
 173----- الف: ارتباط فکری وعقدتی.-----
 176----- ب: هماهنگی بر دوام مستحکم.-----
 187----- ضرورت آگاهی ازمحورهای «عمل اسلامی»-----
 187----- الف: روشن بودن «هدف»-----
 189----- ب: روشن بودن «راه»-----
 191----- الف : طبیعت «انقلابی»-----
 192----- ب: طبیعت، در برگیرندگی.-----

- ج : طبیعت جهانی : 193-----
- راه و سنت رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - 196-----
- جایگاه «توانائی» در استراتیژی حرکت. 199-----
- ضرورت آگاهی به شرائط بیعت و عضویت 204-----
- الف: کیفیت، یا کمیت. 204-----
- ب: حکم شرعی «بیعت». 206-----
- ج: حکم شرعی، اطاعت و فرمان پذیری: 208-----
- د: ارکان و اصول «بیعت». 211-----
- اول: معرفت و شناخت. 212-----
- دوم: اخلاص 215-----
- سوم : «عمل». 215-----
- چهارم: جهاد: 216-----
- پنجم : از خود گذشتگی. 216-----
- ششم : فرمانبرداری. 216-----
- هفتم: استقامت. 217-----
- هشتم: پرهیز از افکار و احزاب غیر اسلامی. 217-----
- نهم: برادری. 217-----
- دهم : اطمینان و حسن ظن به رهبری . 217-----
- مسئولیتهای سربازان «دعوت اسلامی» 218-----